



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

— مکتبہ المدینہ، لاہور —



# درسنامہ مہدویت



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# درسنامه مهدویت

نویسنده:

علی اکبر مهدی پور

ناشر چاپی:

حبل المتین

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۰	درسنامه مهدویت
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۴	درس اول: مدخل
۱۴	اشاره
۲۰	راز و رمز این همه سوز و گداز
۲۴	درس دوم: امام شناسی
۲۴	اشاره
۲۶	ضرورت وجود امام
۲۷	شرایط امام
۲۷	اشاره
۲۷	۱. عصمت
۲۸	۲. نص
۲۹	۳. افضلیت
۳۳	درس سوم: دوازه نور پاک
۳۳	اشاره
۳۸	تفسیر زمان
۴۱	درس چهارم: طلوعه ی نور و شاهدان عینی
۴۱	اشاره
۴۴	دیگر شاهدان عینی
۴۸	درس پنجم: تاریخ دقیق میلاد مسعود کعبه ی مقصود
۴۸	اشاره
۵۱	اعتراف علمای عامه

۵۸	درس ششم: بشارت منجی در ادیان
۵۸	اشاره
۵۹	۱. زبور داود
۶۰	۲. تورات
۶۲	۳. انجیل
۶۵	تطابق عجیب
۶۷	درس هفتم: احادیث مهدوی در قدیمی ترین منابع
۶۷	اشاره
۶۹	احادیث مهدوی در منابع قرن دوم هجری
۷۱	احادیث مهدویت در قدیم ترین اثر اهل سنت
۷۴	درس هشتم: نشانه های ظهور
۷۴	اشاره
۷۶	تابلوهای راهنمایی
۷۷	کتابنامه ملاحم و فتن یا نشانه های ظهور
۸۰	شمارشگر معکوس
۸۳	درس نهم: خروج سفیانی
۸۳	اشاره
۸۴	نام سفیانی
۸۶	القاب سفیانی
۸۶	نسبت سفیانی
۸۷	اوصاف جسمی و روحی او
۸۸	کارنامه ی سیاه سفیانی
۹۰	دو نکته ی مهم
۹۱	درس دهم: خروج یمانی
۹۱	اشاره
۹۱	محل خروج یمانی

۹۲	.....	زمان خروج یمانی
۹۳	.....	پرچم یمانی
۹۵	.....	تقارن یمانی با سید حسنی
۹۷	.....	کارکرد یمانی
۹۷	.....	لزوم همیاری با سپاه یمانی
۹۸	.....	شناسنامه ی یمانی
۱۰۱	.....	درس یازدهم: بانگ آسمانی
۱۰۱	.....	اشاره
۱۰۱	.....	واژگان
۱۰۲	.....	بانگ آسمانی در لسان وحی
۱۰۳	.....	محتوای بانگ آسمانی
۱۰۷	.....	زبان بانگ آسمانی
۱۰۸	.....	زمان بانگ آسمانی
۱۱۰	.....	گستره ی بانگ آسمانی
۱۱۰	.....	بانگ شیطان
۱۱۲	.....	درس دوازدهم: خسف بیداء
۱۱۲	.....	اشاره
۱۱۳	.....	خسف بیداء در منطق وحی
۱۱۸	.....	هدف از لشکرکشی
۱۱۸	.....	خسف در امت اسلامی
۱۱۹	.....	جایگاه سرزمین بیداء
۱۲۱	.....	هویت سپاه بیداء
۱۲۱	.....	پیام خسف بیداء
۱۲۳	.....	درس سیزدهم: قتل نفس زکّیه
۱۲۳	.....	اشاره
۱۲۳	.....	۱. نفس زکّیه معاصر حضرت موسی علیه السلام

۲. نفس زکّیه، معاصر امام صادق علیه السلام ..... ۱۲۶
۳. نفس زکّیه در آستانه ی ظهور ..... ۱۲۹
۴. نفس زکّیه، از نشانه های حتمی ..... ۱۳۰
- نام و نسب نفس زکّیه ..... ۱۳۱
- زمان و مکان شهادت ..... ۱۳۲
- درس چهاردهم: سیمای جهان در عصر ظهور ..... ۱۳۴
- اشاره ..... ۱۳۴
۱. آبادانی جهان ..... ۱۳۴
۲. امنیت جهانی ..... ۱۳۵
۳. بهداشت جهانی ..... ۱۳۵
۴. شکوفایی علم و فرهنگ ..... ۱۳۶
۵. بی نیازی از انرژی خورشیدی ..... ۱۳۶
۶. خشنودی همگانی ..... ۱۳۷
۷. بی نیازی همگان ..... ۱۳۷
۸. رفاه همگانی ..... ۱۳۸
۹. خدمت رسانی ..... ۱۳۸
۱۰. عدالت فراگیر ..... ۱۳۸
۱۱. آشتی فرا ملی ..... ۱۳۹
۱۲. سالم سازی شهرها ..... ۱۳۹
۱۳. فرماندهان لشکری و کشوری ..... ۱۳۹
۱۴. حکومت جوان ..... ۱۴۰
۱۵. بر تارک عرفان ..... ۱۴۰
۱۶. رشک ملک ..... ۱۴۱
۱۷. فرمانروای محبوب ..... ۱۴۱
۱۸. فرمانروای مهربان ..... ۱۴۱
۱۹. دلرباترین فرمانروا ..... ۱۴۱



۱۴۳	درس پانزدهم: تنها راه نجات از مرگ جاهلی
۱۴۳	اشاره
۱۴۸	(۱) پایداری در دین
۱۴۹	(۲) دعا برای تعجیل در امر فرج
۱۵۲	درس شانزدهم: انتظار فرج
۱۵۲	اشاره
۱۵۸	عوامل تأخیر در امر فرج
۱۶۰	فضیلت انتظار فرج
۱۶۴	درس هفدهم: وجوب انتظار
۱۶۴	اشاره
۱۶۷	گلوآزه ی انتظار در کتب پیامبران پیشین
۱۷۱	ضرورت انتظار منجی در آموزه های یهود
۱۷۳	فهرست منابع
۱۸۵	درباره مرکز

عنوان و نام پدیدآور: درسنامه ی مهدویت / گروه پژوهش ستاد مردمی شعبانیه.

مشخصات نشر: قم: حبل المتین، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۱۶۴ص.

شابک: ۴۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۷۷۹۲-۱۷-۲

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: چاپ اول: ۱۳۹۲ (فیپا).

یادداشت: چاپ دوم.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۵۹] - ۱۶۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: مهدویت-- احادیث

موضوع: فتن و ملاحم -- احادیث

موضوع: موعود گرایی

شناسه افزوده: ستاد مردمی اعیاد شعبانیه. گروه پژوهش

رده بندی کنگره: BP۲۲۴/د۴۳ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۵۳۴۱۳

ص: ۱

اشاره

درسنامه ی مهدویت

گروه پژوهش ستاد مردمی شعبانیه

ص: ۲





ای همه غم ها را تو پایان؛ ای همه دردها را تو درمان؛ ای همه نابسامانی ها را تو سامان.

ای چشمه ی جوشان حیات؛ پهنه ی گیتی خشکیده؛ گل بوته ها همه پژمردند؛ جز لاله ی خون رنگ دلباختگان .

شب تیره ی غیبت به درازا کشید، دریای سیاه زندگی طوفانی شد، پهن دشت انسانیت به کویر سوزان مبتلا گشت و در این شب تار وحشت زار، لحظه های حضور تو را شماره می کنم، ای زداینده ی غم و موعود امم!

این نه تنها منم که در این غار غیبت دهشت زار، دقایق انتظار تو را شماره می کنم، بلکه همه ی پیامبران الهی، در انتظار ظهور واپسین امام نور، ثانیه شماری کرده؛ در آتش هجرش سوخته و در فراق جانکاهش اشک ها ریختند.

در تاریخ وصل و هجران و در دفتر عشق و حرمان، محبتی چنین دیرپا و محبوبی چنان گریز پا، چشمی ندیده و گوش نشنیده است. اینک یک هزار و یکصد و هشتاد سال تمام است، که این جذبه و ناز و این راز و نیاز ادامه دارد.

سرودها و درودهای حضرت داود علیه السلام که برگ های زرین عهد عتیق را به خود اختصاص داده، همه وصف جذبه و شور و عشق اوست.

در هر فصلی از زبور، از ظهور موفور السیرور آن پایان بخش شب دیجور و طلعه ی صبح امید و سرور، سخن ها گفته و نغمه ها سروده است.

شادی افلاکیان، مسرت خاکیان و غزش دریاها، به وجد آمدن صحراها، ترنم درختان، آبادانی جهان، آسایش و آرامش همگان، در جای جای این کتاب آسمانی، به نمایش گذاشته شده است.<sup>(۱)</sup>

هر پیامبری از پیامبران پیشین، روزهای طلایی و خواستنی آن امام نور را، برای امت خود ترسیم کرده، نوید بهروزی و گسترش عدل مهدوی را بشارت و به انتظار سازنده فرمان داده و از غفلت و بی توجهی بر حذر داشته است.

خاتم رسولان و اشرف پیامبران، در شب معراج، پس از مشاهده ی نور درخشان آن منجی آسمانی که چون ستاره ای فروزان ی درخشید<sup>(۲)</sup> به خیل منتظران او پیوسته است، منطق وحی از این سوز و گداز پرده برداشته<sup>(۳)</sup> و با یک دنیا شور و اشتیاق از معشوق منتظر سخن گفته و منتظران را ستوده و محبان را به شوق دیدار وا داشته و می فرماید:

طُوبَى لِمَنْ لَقِيَهُ، طُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُ وَ طُوبَى لِمَنْ قَالَ بِهِ؛

خوشا به حال کسی که او را دیدار کند.

خوشا به حال کسی که او را دوست بدارد.

خوشا به حال کسی که او را معتقد باشد.<sup>(۴)</sup>

ص: ۶

---

۱- [۱] - کتاب مقدس، عهد عتیق، مزامیر، مزمور ۳۷، فرازهای ۹ - ۱۸ و مزمور ۹۶، فرازهای ۱۰ - ۱۳.

۲- [۲] - شیخ صدوق، عیون الاخبار، ج ۱ ص ۴۷.

۳- [۳] - سوره ی یونس، آیه ی ۲۰.

۴- [۴] - شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۶۸.

امیر بیان، پیشوای پروا پیشگان، بیش از دو قرن پیش از ولادت آن میر هدایت، بر فراز منبر کوفه، از آن حضرت سخن گفته و با یک دنیا شوق و شعف

فرموده است:

برترین قلّه ی شرف، دریای بی کران فضیلت، جهادگر همیشه پیروز، قهرمان صحنه های نبرد...

در پایان آهی از اعماق دل برکشیده، دست روی سینه نهاده و فرموده است:

ها، شَوْقاً إِلَى رُؤْيَيْتِهِ؛

آه چقدر مشتاق دیدار اویم. (۱)

سبط اکبر امام حسن مجتبی علیه السلام، به تفصیل، از دولت جهان شمول آن امام نور سخن گفته، حکومت شکوهمندش را ترسیم نموده و از جهانی شدن آوای توحید، هدایت یافتن گمراهان، اصلاح شدن تبهکاران، آشتی کردن درندگان و سامان یافتن همه ی نابسامانی ها سخن گفته و در پایان فرموده است:

طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ أَيَّامَهُ وَ سَمِعَ كَلَامَهُ؛

خوشا به حال کسی که آن روزگار مسعود را درک کند و به فرمان حضرتش گوش جان بسپارد. (۲)

سالار شهیدان در شب عاشورا، اصحاب خود را آزموده و به آنها فرموده که من بیعت خود را از شما برداشتم، هر کس بخواهد از تاریکی شب استفاده کند و از این صحرا برود. همگی بر پایداری و استواری خود تأکید کردند. سپس خطبه ی مفصّلی ایراد نموده و همه ی آن را به ظهور حضرت مهدی علیه السلام داده و

ص: ۷

۱- [۱] - مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۱۱۵.

۲- [۲] - طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۱.



بشارت خیر داده است که شهیدان کربلا- نیز به هنگام ظهور، رجعت نموده و خود شاهد انتقام آن حضرت از قتلۀ ی کربلا خواهند بود. (۱)

زینت عابدان، پیشوای ساجدان، حضرت امام سجاد علیه السلام قسمت عمده ی دعای عرفه ی خود را در صحرای عرفات، به دعا برای فرج اختصاص داده و در فرازی از آن عرضه می دارد:

وَ أَصْلِحْ لَنَا إِمَامَنَا...

اللَّهُمَّ اَمَلْنَا الْأَرْضَ بِهِ عَدْلًا وَ قِسْطًا...

وَ اجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيهِ وَ شِيعَتِهِ...

وَ ارْزُقْنِي الشَّهَادَةَ بَيْنَ يَدَيْهِ؛

بار خدایا! امر امام ما را اصلاح بگردان .

بار خدایا! زمین را به وسیله ی او پر از عدل و داد بفرما.

بار خدایا! مرا از بهترین دوستان و شیعیان آن حضرت قرار بده.

بار خدایا! به من توفیق شهادت در رکابش را روزی بفرما. (۲)

در این جا، توجه به دو نکته، اهمیت این دعا را برای ما روشن می کند:

۱. امام سجاد علیه السلام این دعا را بیش از یک قرن و نیم پیش از ولادت آن حضرت بیان فرموده است.

۲. امام سجاد علیه السلام در صحرای عرفات، در روز عرفه، در مقام مناجات با خداوند منان این فرازها را عرضه داشته است.

ص: ۸

---

۱- [۳] - میرلوحی، کفایه المتهدی، ص ۵۱۳، ح ۱۹.

۲- [۱] - شیخ طوسی، مصباح المتهجد، ص ۶۹۸.

جالب تر از آن، قنوت امیرمؤمنان علیه السلام می باشد، که بیش از دو قرن پیش از تولد آن بزرگوار در قنوت های خود می فرمود:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا وَغَيَّبَهُ إِمَامِنَا، فَفَرِّجْ ذَلِكَ اللَّهُمَّ بَعْدَلٍ تُظْهِرُهُ وَ إِمَامٍ حَقٌّ نَعْرِفُهُ؛

بار خدایا! ما به تو شکایت می کنیم که پیامبر ما از دست ما رفته و امام ما در دسترس ما پنهان است.

بار خدایا! این غم و اندوه را با عدالتی که ظاهر سازی و امام حقی که از او شناخت داریم، از ما بزدای. (۱)

امام باقر علیه السلام همین متن را به زراره تعلیم فرمود که در روزهای جمعه در قنوت نمازهایش بخواند: (۲)

شهید اول پس از نقل متن این قنوت می فرماید:

امام صادق علیه السلام به شیعیان خود فرموده بود، این قنوت امیرمؤمنان علیه السلام را در قنوت های نماز شان پس از کلمات فرج بخوانند. (۳)

امام کاظم علیه السلام در ضمن تعقیبات نماز عصر عرضه می داشت:

وَ أَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُتَّقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ، وَ أَنْجِزْ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ.

بار خدایا! در فرج منتقم خود از دشمنانت تعجیل بفرما و آنچه به او وعده داده ای به انجام برسان، ای صاحب جلال و کرم.

ص: ۹

---

۱- [۱] - محدث نوری، مستدرک وسائل، ج ۴ ص ۴۰۴.

۲- [۲] - شیخ طوسی، مصباح المتعجد، ص ۳۶۷، سید ابن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۴۱۳.

۳- [۳] - شهید اول، ذکری، ص ۱۸۴.

یحیی بن فضل نوفلی پرسید: این دعا در حق کیست؟ امام علیه السلام فرمود:

ذَلِكَ الْمَهْدِيُّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

او مهدی از آل محمد علیه السلام می باشد. (۱)

امام رضا علیه السلام دعایی تعلیم فرموده که در دعای قنوت نماز جمعه در مورد حضرت ولی عصر ارواحنا فداه خوانده شود. (۲)

از امام جواد (۳) امام هادی (۴) و امام حسن عسکری علیهم السلام نیز روایت شده که در قنوت های نماز خود، برای تعجیل در امر فرج، سپری شدن شب های دیجور غیبت و گسترش عدل در گستره ی زمین به دست آن امام موعود دعا می کردند. (۵)

جان جانان، قبله ی خوبان، مقصد و مقصود نیکان، حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه نیز در قنوت نماز خود عرضه می دارد:

يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ، أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَاجْمَعْ لِي أَصْحَابِي وَصَبْرَهُمْ، وَانصُرْنِي عَلَى أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَاءِ رَسُولِكَ، وَلَا تُخَيِّبْ دَعْوَتِي؛

ای کسی که در وعده ات تخلف نمی کنی، آنچه به من وعده فرموده ای به انجام برسان، یاورانم را گرد آور و به آنها شکیبایی عنایت فرما، مرا بر دشمنان و دشمنان پیامبرت پیروز بگردان و دعایم را به نوبدی بر مگردان. (۶)

ص: ۱۰

۱- [۴] - سید بن طاووس، فلاح السائل، ص ۲۰۰.

۲- [۵] - شیخ طوسی، مصباح المتعبد، ص ۳۶۷؛ سید ابن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۴۱۳.

۳- [۱] - مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۵ ص ۲۲۶.

۴- [۲] - سید ابن طاووس، مهج الدعوات، ص ۱۳۷ - ۱۴۰.

۵- [۳] - همان، ص ۱۴۵.

۶- [۴] - همان، ص ۱۵۳.

آنگاه به شیعیان و منتظران دل‌باخته اش فرمان می دهد.

وَ أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ؛

برای تعجیل در امر فرج فراوان دعا کنید، که فرج شما نیز در آن می باشد. (۱)

### راز و رمز این همه سوز و گداز

هر معشوق و محبوبی که در دل ها نفوذ می کند، معمولاً یک یا چند ویژگی

دارد؛ که در دل عاشقان و شیفتگان، در پرتو آن نقاط کمال و قوت تأثیر می گذارد و آنها را به سوی خود جذب می کند.

کمال جویی به صورت فطری در نهاد بشر جای دارد. هر انسانی در هر عصری و در هر شرایطی به سوی کمال جذب می شود و به آن عشق می ورزد.

محبوب ما؛ همه ی کمالات بشری را به خود اختصاص داده و مجمع همه ی کمالات عالم است و آنچه خوبان همه دارند او یکجا دارد.

اگر قهرمانان با توجه به نیروی جسمانی خود، هزاران طرفدار و علاقمند دارند؛ در زیر آسمان هیچ انسانی به قدرت جسمانی او یافت نمی شود. چنان که امام رضا علیه السلام در وصف آن حضرت می فرماید:

از نظر نیروی جسمی آن قدر قوی و نیرومند است که اگر دست خود را به سوی بزرگ ترین درخت روی زمین دراز کند، آن را از ریشه و بن بر می کند

ص: ۱۱

و اگر در میان کوه ها بانگ بر آورد، همه ی صخره های آن فرو ریزد. (۱)

اگر یوسف کنعان با جمال بی نظیرش، زیباترین تابلوهای عهد کهن را به خود اختصاص داده است؛ یوسف زهرا در میان دلبران بهشتی، عنوان «طَاوُوسُ أَهْلِ الْجَنَّةِ» را از آن خود ساخته است. (۲)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در وصف جمالش فرموده:

الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي، وَجْهُهُ كَالْكَوْكَبِ الدُّرِيِّ؛

حضرت مهدی مردی از تبار من است که چهره اش چون ستاره ی سحر می باشد. (۳)

اگر پدران و مادران با مهر و محبت و شفقت خود، گوی سبقت را از همگان ربوده اند، امام رضا علیه السلام در مورد آن امام مهربان می فرماید:

وَ أَشَفَقُ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَ أُمَّهَاتِهِمْ؛

حضرت مهدی علیه السلام از پدران و مادران بر امت خود مهربان تر می باشد. (۴)

اگر پدران و مادران، همواره نگران سلامتی فرزندان و دلسوز و مراقب آنان هستند؛ این پدر مهربان در توقیع شریف خود به شیخ مفید می نویسد:

إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ؛

ماهرگز در رعایت و مراقبت شما کوتاهی نمی کنیم و هرگز یاد شما را از

ص: ۱۲

۱- [۱] - مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۲.

۲- [۲] - شیرویه، الفردوس بمأثور الخطاب، ج ۴ ص ۲۲۲.

۳- [۳] - ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۴۹، رقم ۷۱۱۴.

۴- [۱] - کامل سلیمان، روزگار رهایی، ج ۱ ص ۱۲۹؛ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۸.

اگر پدران و مادران، با تمام قدرت تلاش می کنند که فرزندان خود را در برابر حوادثی که سلامتی آنها را تهدید می کند، محافظت کنند؛ آن پدر بی همتای جهان خلقت، بلاها را از دوستان و شیعیان خود بر می گرداند؛ چنان که خود می فرماید:

بِي يَدْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنِ أَهْلِ وَ شِيعَتِي؛

خداوند به وسیله ی من بلاها را از شیعیان و خاندانم دفع می کند. (۲)

نه تنها شیعیان، بلکه نه فقط آدمیان، بلکه وجود زمین و آسمان، گردش خورشید و ماه، بقای جهان هستی، همه و همه، به طفیل آن یگانه ی دوران ها و محبوب دل ها و موعود توده ها می باشد؛ چنان که در احادیث فراوان آمده است:

اگر یک لحظه حجت خدا در روی زمین نباشد، زمین ساکنان خود را در کام خود فرو می برد. (۳)

نقش امام زمان علیه السلام در جهان هستی، همان نقش خورشید در منظومه ی شمسی می باشد؛ که اگر یک لحظه جاذبه ی خورشید قطع شود؛ همه ی کرات منظومه در فضای لایتناهی پراکنده می شوند. از این رهگذر، در احادیث فراوان، وجود امام زمان علیه السلام در عصر غیبت، به خورشید پنهان در پشت ابر تشبیه شده است. (۴)

ص: ۱۳

---

۱- [۲] - طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷.

۲- [۳] - شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۴۶.

۳- [۱] - شیخ صدوق، علل الشرایع، ۱۹۸؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۱؛ کلینی، الکافی، ج ۱ ص ۱۷۹.

۴- [۲] - خزّاز، کفایه الأثر، ص ۵۳؛ شیخ صدوق، الأمالی، ص ۱۵۷؛ همو، کمال الدین، ج ۱ ص ۲۵۳؛ جوینی، فرائد السمطین، ج ۱، ص ۴۶؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج ۳ ص ۲۳۸.

برای تحقیق بیشتر:

۱. مکیال المکارم، تألیف سید محمد تقی موسوی اصفهانی.
۲. فصلنامه انتظار، شماره ۱۴، مقاله بررسی چند حدیث شبهه ناک.
۳. او خواهد آمد، تألیف علی اکبر مهدی پور.

ص: ۱۴

اشاره

امام در لغت به معنای: «پیشوا» می باشد.

خلیل بن احمد، پیشوای ارباب لغت گوید:

كُلُّ مَنْ أُقْتَدِيَ بِهِ وَ قُدِّمَ فِي الْأُمُورِ فَهُوَ إِمَامٌ؛

هر کس که جلودار امور باشد و به او اقتدا کنند، او «امام» است. (۱)

راغب اصفهانی گوید:

الإمام: الْمُؤْتَمَّ بِهٖ إِنْسَانًا

به هر انسانی که او را پیشوا قرار دهند، امام گویند. (۲)

شیخ صدوق از «ابوبشر لغوی» نقل می کند که گوید:

امام در لغت عرب، جلودار مردم را گویند؛ که در طول سفر و تاریکی شب

ص: ۱۵

---

۱- [۱] - خلیل، کتاب العین، مادّه ی: «امم»

۲- [۲] - راغب، المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۴.



راهبر رهروان باشد. (۱)

خواجه نصیر گوید:

امامت ریاست فراگیر دینی، همراه با ترغیب و تشویق مردمان بر حفظ مصالح دینی و دنیایی و منع آنها از هر چیزی که بر مصالح دینی و دنیوی آنها لطمه می زند؛ می باشد. (۲)

علامه ی طباطبائی گوید:

امام و پیشوا در اصطلاح به کسی گفته می شود که جلودار جماعتی باشد و رهبری ایشان را در یک مسیر اجتماعی، مرام سیاسی، مسلک دینی و یا عملی بر عهده بگیرد. (۳)

امام رضا علیه السلام در یک حدیث گسترده از جایگاه امام سخن گفته، که فراهایی از آن در این جا تقدیم می گردد:

جایگاه امام والاتر، ابعادش گسترده تر و ژرفایش عمیق تر از آن است که مردمان با اندیشه و درایت خود به آن دست یابند، یا امامی را از سوی خود برگزینند.

امام همانند خورشید فروزان نور افشانی می کند، دست ها و دیده ها به جایگاه بلندش نمی رسد.

امام ماه تابان، ستاره ی فروزان، مشعل درخشان و اختر هدایتگر در

ص: ۱۶

---

۱- [۳] - شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص ۹۶.

۲- [۱] - خواجه نصیر، قواعد العقاید؛ علامه حلی، کشف الفوائد، ص ۷۷.

۳- [۲] - علامه طباطبائی، شیعه در اسلام، ص ۱۰۹.

تاریکی های شب دیجور و تیرگی های دریاها و صحراها می باشد.

امام آب خوشگوار هدایت بر دل های تشنه، راهبر مطمئن بر شاهراه هدایت، نجات بخش انسان ها از لغزش و سقوط در پرتگاه ها می باشد.

امام یگانه ی دهر است، هرگز احدی با او برابری نمی کند، هیچ دانشوری با

او قیاس نمی شود، هیچ شبیه و نظیری برای او یافت نشود، که همه ی فضائلش اختصاصی است.

هرگز به دنبال کسب دانش نرود، که همه ی معلوماتش از سوی خداوند منان به او افاضه شده است.

دیگر چه کسی می تواند جایگاه او را بشناسد، یا در صدد گزینش او بر آید؟ هیئات (۱).

### ضرورت وجود امام

هر عاقل فرزانه ای که از وضع جهان و رفتار مردمان آگاه باشد، در ضرورت وجود رئیسی نافذ و مدبری آگاه، برای جلوگیری از خصومت ها، تجاوزها و تباهی ها تردیدی به خود راه نمی دهد.

با توجه به خاتمیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله استمرار شریعت و عدم نسخ آن تا روز رستاخیز، وجود شخصی به عنوان نگهبان، مرزبان و مرزدار آیین اسلام از هرگونه تغییر، تبدیل و تباهی ضروری می باشد. (۲)

ص: ۱۷

---

۱- [۱] - کلینی، الکافی، ج ۱ ص ۱۹۸ - ۲۰۵؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۱۶ - ۲۲۴.

۲- [۲] - علم الهدی، الذخیره: ص ۴۱۰ - ۴۲۴.

بزرگان شیعه ضرورت وجود امام را از روی قاعده‌ی لطف به صورت گسترده تشریح نموده، اثبات کرده‌اند که وجود تکلیف و ادامه‌ی آن در طول قرون و اعصار، ضرورت وجود امام را در هر عصر و زمانی ضروری می‌نماید. (۱)

## شرایط امام

### اشاره

با توجه به جایگاه رفیع امام در جامعه، برای او شرایط ویژه‌ای است که او را از هر فرد دیگری ممتاز می‌سازد که از آن جمله است:

### ۱. عصمت

انسان برای ادامه زندگی به خوراک، پوشاک، مسکن و... نیاز دارد. او نمی‌تواند همه‌ی نیازهای خود را شخصاً تهیه کند و لذا جامعه‌ی بشری به تعاون و همیاری نیاز دارد.

این تعاون و تعامل آنها را در معرض تجاوز به حقوق همدیگر قرار می‌دهد.

برای جلوگیری از بروز فتنه، باز ستاندن حقوق مظلوم و ایصال حق به صاحب حق، نیاز مبرم به وجود امام معصوم - که از هر لغزشی مصون باشد - احساس می‌شود و گرنه او خود به امامی دیگر محتاج خواهد بود. (۲)

امام در تنفیذ احکام، اقامه‌ی حدود، حفظ شریعت و تأدیب اُمت

ص: ۱۸

---

۱- [۳] - شیخ مفید، تمهید الاصول، ص ۴۴۵ - ۴۶۳؛ علم الهدی، الشافی فی الإمامه، ج ۱ ص ۴۷ - ۱۰۲.

۲- [۱] - علامه‌ی حلی، منهاج الکرامه، ص ۱۳۷.

جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله است. از این رهگذر عصمت در امام دقیقاً همانند عصمت در پیامبر است، که باید هرگز گناه صغیره و کبیره از او سر نزند و سهو و نسیان بر او راه نداشته باشد.

این عقیده ی قطعی همه ی شیعیان است، به جز آنان که از راه راست منحرف شده اند. (۱)

اعتقاد شیعه ی امامیه در مورد پیامبران و امامان این است که هرگز نباید پیش از نبوت یا بعد از نبوت، پیش از امامت یا بعد از امامت، گناه صغیره یا کبیره از آنها سرزند. (۲)

## ۲. نص

شرط عصمت در امام، ایجاب می کند که امام نیز همانند پیامبران از سوی خداوند مشخص و معرفی شده باشد. زیرا جز خداوند کسی از اسرار و مکنونات قلبی افراد آگاه نیست.

امام سجاد علیه السلام در این رابطه می فرماید:

الإمامُ مِنَّا لَا يَكُونُ إِلَّا مَعْصُومًا، وَ لَيْسَتْ الْعِصْمَةُ فِي ظَاهِرِ الْخَلْقِ فَيَعْرِفُ بِهَا، وَ لِذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا مَنْصُوصًا.

امام از ما خاندان باید معصوم باشد و چون نشانه ی عصمت در ظاهر خلقت نیست، تا همگان آن را باز شناسند، از این رهگذر باید منصوب باشد. (۳)

ص: ۱۹

۱- [۲] - شیخ مفید، اوائل المقالات، ص ۳۵.

۲- [۱] - علم الهدی، تنزیه الأنبياء، ص ۱۵.

۳- [۲] - شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص ۱۳۲.

ضرورت عصمت در امام از ضرورت نصّ از سوی خدا حکایت می کند، که تنها او واقف بر سرایر و ضمائر افراد می باشد، از این رهگذر حق گزینش و انتخاب امام به مردم داده نشده، بلکه باید از سوی پروردگار نصب شده و توسط پیامبر و یا امام پیشین اعلام شده باشد.

قرآن کریم می فرماید:

«وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ»

پروردگارت آنچه بخواهد می آفریند و بر می گزیند، آنها حق انتخاب و گزینش ندارند. (۱)

### ۳. افضلیت

امام علیه السلام علاوه بر عصمت و نصّ، باید افضل انسان های موجود در روی زمین باشد، یعنی نسبت به احکام شریعت و سیاست و تدبیر امور امت از همه داناتر، در کمالات از همه برتر و در موجبات اجر و پاداش الهی از همه راغب تر باشد. (۲)

امام و پیشوا باید از همه ی امت افضل باشد، زیرا تقدیم مفضول بر فاضل عقلاً و نقلاً قبیح است.

از نظرگاه عقل، عقل همه ی عقلا بر آن اعتراف دارند.

از نظرگاه نقل: قرآن کریم می فرماید:

«أَفَمَنْ يُهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ»

ص: ۲۰

---

۱- [۱] - سوره قصص، آیه ی ۶۸.

۲- [۲] - علم الهدی، الذخیره، ص ۴۲۹؛ همو، الشافی، ج ۲، ص ۴۱.

آیا کسی که به سوی حق رهنمون می شود شایسته ی پیروی کردن می باشد، یا کسی که خود هدایت نمی شود مگر این که او را رهنمون گردند، شما را چه می شود، چگونه داوری می کنید؟(۱)

صفحات تاریخ گواه است بر این که خلفای پیشین در مشکلات علمی و معضلات اجتماعی به مولای متقیان پناه می بردند، جواب شافی و وافی دریافت می کردند و می گفتند: «اگر علی نبود ما هلاک می شدیم» و

می گفتند: «خداوند ما را یک روز بدون ابوالحسن باقی نگذارد»(۲)

عصام العماد که از علمای وهابی بوده و به مذهب تشیع گرویده است، فرق زمان تشیع و وهابی بودن خود را چنین می گوید:

من ده سال پیش پیرو خلیفه ای بودم که از او پرسیدند: «وَفَاكِهَةٌ وَأَبًا» یعنی چه؟ خلیفه پاسخ آن را نمی دانست و لذا دستور داد که سؤال کننده را شلاق بزنند، که چرا سؤالی کرده که خلیفه آن را نمی داند.(۳)

ولی اینک پیرو امامی هستم که همواره بر فراز منبر فریاد می زد: «سَيَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقَهُونِي»؛ از من بپرسید پیش از آن که از میان شما بروم.

احمد حنبل؛ با سند صحیح در کتاب فضائل روایت کرده است که:

لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «سَلُونِي» إِلَّا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.

ص: ۲۱

---

۱- [۳] - سوره ی یونس: آیه ی ۳۵.

۲- [۱] - آقای شیخ مهدی فقیه ایمانی در کتاب «امیرالمؤمنین از دیدگاه خلفاء» بیش از ۵۰ مورد از اعترافات خلیفه ی دوم را از منابع معتبر اهل سنت بر شمرده [ر. ک: ۹۱ - ۱۰۱].

۳- [۲] - این آیه در سوره ی عبس، آیه ی ۳۱ می باشد، فاکهه به معنای میوه و ابّ به معنای مزرعه و چراگاه می باشد، که خلیفه معنای آن را نمی دانست.

در میان اصحاب پیامبر هرگز احدی نمی گفت: «سلونی» (از من پرسید) جز علی بن ابی طالب علیه السلام. (۱)

محبّ الدّین طبری روایت می کند که امیرمؤمنان علیه السلام بر فراز منبر می فرمود:

سَلُونِي، فَوَاللَّهِ لَا تَسْأَلُونِي عَنْ شَيْءٍ إِلَّا أَحْبَبْتُكُمْ، وَ سَلُونِي عَنْ كِتَابِ اللَّهِ، فَوَاللَّهِ مَا مِنْ آيَةٍ إِلَّا وَ أَنَا أَعْلَمُ أ بِلَيْلٍ نَزَلَتْ أُمَّ بِنَهَارٍ،  
أُمَّ فِي سَهْلٍ أُمَّ فِي جَبَلٍ؛

از من پرسید. به خدا سوگند هرگز چیزی را از من نخواهید پرسید جز این که پاسخ آن را خواهم گفت.

از کتاب خدا از من پرسید، به خدا سوگند آیه ای در قرآن نیست، جز این که من می دانم که آیا شب نازل شده یا روز؟ در صحرا نازل شده یا بر فراز کوه. (۲)

ابن حجر عسقلانی بخش اول حدیث را به این تعبیر نقل کرده که می فرمود:

سَلُونِي، فَوَاللَّهِ لَا تَسْأَلُونِي عَنْ شَيْءٍ يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَّا حَدَّثْتُكُمْ بِهِ؛

از من پرسید، به خدا سوگند از من نخواهید پرسید از آنچه تا روز قیامت اتفاق خواهد افتاد، جز این که به شما خبر خواهم داد. (۳)

ص: ۲۲

- 
- ۱- [۳] - احمد حنبل، فضائل الصحابه، ج ۲، ص ۸۰۲، ح ۱۰۹۸؛ محب الدّین طبری، الرّیاض النّضرة، ج ۳ ص ۱۹۹؛ ابن عبدالبرّ، الاستیعاب، ج ۳ ص ۲۰۶؛ خطیب، الفقیه و المتفقّه، ج ۲ ص ۱۶۷؛ ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۴ ص ۲۲.
- ۲- [۱] - محبّ الدّین طبری، ذخائر العقبی، ج ۱ ص ۴۰۰؛ مزّی، تهذیب الکمال، ج ۱۳ ص ۳۰۴؛ ابن حجر، الاصابه، ج ۴، ص ۲۷۰؛ ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۴۵، ص ۳۰۴.
- ۳- [۲] - عسقلانی، فتح الباری، ج ۸، ص ۵۹۹.

به طور قطع و یقین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جانشینان دوازده گانه اش را به صراحت معرفی کرده است. اگر فرض کنیم که پیامبر معرفی نکرده است، امت باید چه کسی را بر این مقام برگزینند؟ اقیانوس علم را یا فرد جاهلی را که از معنای واژگان ساده ی قرآن نیز بی خبر است!؟

بدون تردید امام باید معصوم، منصوص و افضل امت باشد و آن کسی جز مولای متقیان و فرزندان ایشان نمی باشد.

برای تحقیق بیشتر:

۱. اصول کافی، تألیف کلینی، جلد اول، ص ۱۹۸ - ۲۰۵.

۲. تمهید الاصول، تألیف شیخ مفید، ص ۴۴۵ - ۴۶۳.

۳. الشافی فی الامامه، تألیف سید مرتضی علم الهدی، جلد اول، ص ۴۷-۱۰۲.

۴. الذخیره، تألیف ایشان، ص ۴۱۰-۴۲۴.

ص: ۲۳



از اعتقادات قطعی شیعیان این است که اوصیای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دوازده تن می باشند و این موضوع از ضروریات مذهب شیعه است. در این رابطه احادیث فراوان از شخص پیامبر و ائمه هدی علیهم السلام وارد شده است که ۳۱۰ حدیث صریح در دوازده بودن امامان را مرجع عالیقدر جهان تشیع آیه الله حاج شیخ لطف الله صافی دام ظلّه در کتاب ارزشمند «منتخب الاثر» گرد آورده است. (۱)

روایات صریح در ۱۲ بودن جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به تعبیر امام، امیر، وصی و خلیفه در منابع حدیثی اهل سنت بسیار فراوان است، که به تعدادی از آنها به ترتیب تسلسل زمانی اشاره می کنیم:

۱. سلیمان بن داود طیالسی، متوفای ۲۰۴ ق. در مسند خود با سلسله اسنادش از جابر بن سمره روایت کرده که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

إِنَّ الْإِسْلَامَ لَا يَزَالُ عَزِيزًا إِلَىٰ إِيْتِنِي عَشْرَ خَلِيفَةٍ؛

اسلام تا وجود دوازده خلیفه همواره عزیز و گرامی است.

ص: ۲۴

جابر گوید: آنگاه جمله ای فرمودند که من متوجه نشدم، از پدرم پرسیدم که حضرت چه فرمود: پدرم گفت: حضرت فرمودند:

كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ

همه ی آنها از قریش می باشند. (۱)

۲. نُعَيْمُ بْنُ حَمَّادٍ مَرُوزِي، متوفای ۲۲۹ق. با سلسله اسنادش از جابر بن سمره روایت می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

لَا يَزَالُ هَذَا الْأَمْرُ عَزِيزًا إِلَىٰ إِيْتِنِي عَشَرَ خَلِيفَةً، كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ؛

این امر تا دوازده خلیفه که همه شان از قریش می باشند همواره عزیز خواهد بود. (۲)

۳. احمد بن حنبل، متوفای ۲۴۱ ق. این حدیث را از چندین طریق از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است. (۳)

۴. محمد بن اسماعیل بخاری، متوفای ۲۵۶ ق. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

يَكُونُ إِثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا؛

دوازده امیر خواهند بود.

سپس فرمود: همه ی ایشان از قریش هستند. (۴)

ص: ۲۵

---

۱- [۱] - طیالسی، المسند، ج ۳ ص ۱۰۵، ح ۷۶۷.

۲- [۲] - مروزی، کتاب الفتن، ج ۱، ص ۹۵، ح ۲۲۵.

۳- [۳] - احمد حنبل، المسند، ج ۷ ص ۴۲۰ - ۴۴۷، ح ۲۰۹۳۴، ۲۰۹۵۰، ۲۰۹۵۹، ۲۰۹۶۰، ۲۰۹۷۶، ۲۰۹۷۷، ۲۰۹۷۸، ۲۰۹۸۰،

۲۰۹۸۱، ۲۰۹۹۱، ۲۰۹۹۲، ۲۰۹۹۳، ۲۰۹۹۵، ۲۱۰۰۵، ۲۱۰۱۶، ۲۱۰۲۰، ۲۱۰۶۹، ۲۱۰۷۶، ۲۱۰۸۹، ۲۱۰۹۵.

۴- [۴] - بخاری، الصحيح، ج ۹ ص ۱۰۱.

۵. مسلم بن حجاج نیشابوری، متوفای ۲۶۱ ق. این حدیث را از ۸ طریق روایت کرده است. (۱)

۶. ابو داود، سلیمان بن اشعث سجستانی، متوفای ۲۷۵ ق. آن را از سه

طریق روایت کرده است. (۲)

۷. ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره، متوفای ۲۹۷ ق. آن را در سنن خود از دو طریق روایت کرده و بر صحیح بودن هر دو طریق تصریح کرده، سپس گفته: نظیر این حدیث از طریق عبدالله بن مسعود و عبدالله بن عمر نیز روایت شده است. (۳)

۸. ابن منادی، احمد بن جعفر بن محمد، متوفای ۳۳۶ ق. آن را از ۹ طریق روایت کرده است. (۴)

۹. ابوالقاسم، سلیمان بن احمد طبرانی، متوفای ۳۶۰، از ده ها طریق. (۵)

۱۰. حاکم نیشابوری، متوفای ۴۰۵. در مستدرک خود آن را روایت کرده است. (۶)

با توجه به منابع یاد شده روشن می شود که تعداد جانشینان پیامبر دوازده تن می باشند، که ده مورد از روایات صریح را از کتب صحاح و سنن و مسانید اهل سنت در این جا آوردیم.

ص: ۲۶

---

۱- [۵] - مسلم، الصحیح، ج ۳، ص ۱۴۵۲، ح ۱۸۲۰ و - ۱۸۲۲.

۲- [۱] - ابو داود، السنن، ج ۴، ص ۸۶ ح ۴۲۷۹ - ۴۲۸۱.

۳- [۲] - ترمذی، السنن، ج ۴، ص ۵۰۱ ح ۲۲۲۳.

۴- [۳] - ابن المنادی، الملاحم، ص ۲۶۸ - ۲۷۱، ح ۲۱۱ - ۲۱۹.

۵- [۴] - طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۲۱۴ - ۲۵۶.

۶- [۵] - حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۶۱۷.

در ده ها حدیث از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام اسامی دوازده امام به طور صریح آمده، در این جا فقط به یک نمونه از منابع اهل سنت بسنده می کنیم:

محدث جلیل القدر، شیخ الاسلام، ابراهیم بن محمد بن مؤید بن عبدالله جَوینی، متوفای ۷۳۰ ق. در کتاب گرانسنگ «فرائد السمطین» شماری از احادیث مشتمل بر اسامی دوازده وصی پیامبر خاتم را با سلسله اسنادش

آورده، که از آن جمله است، حدیث مشهور به «حدیث لوح» که آن را نیز از چندین طریق نقل کرده است، که یک طریق آن به ابونضره می رسد، او می گوید:

امام باقر علیه السلام جابر بن عبد الله انصاری را فرا خواند و به او فرمود:

ای جابر! آنچه در صحیفه دیده ای برای ما باز گو کن.

جابر گفت:

آری به هنگام ولادت امام حسین علیه السلام، به محضر مقدس مولایم حضرت فاطمه دخت رسول خدا، برای عرض تبریک و تهنیت مشرف شدم.

در دست مبارک ایشان، صحیفه ای از دُرّ سفید بود.

پرسیدم: ای سرور بانوان این صحیفه چیست؟

فرمود: این صحیفه ایست که در آن اسامی امامان از نسل من ثبت شده است.

جابر می گوید: عرضه داشتم: لطف کنید آن را به من نشان دهید.

فرمود: ای جابر اگر نهی نشده بود، آن را انجام می دادم، لکن نهی شده است که جز پیامبر، وصی پیامبر یا اهل بیت پیامبر به آن دست بزنند، فقط می توانی از دور به آن بنگری.

جابر گوید: من آن را خواندم، در آن آمده بود:

ابوالقاسم، محمد بن عبد الله مصطفی، مادرش آمنه.

ابوالحسن، علی بن ابی طالب مرتضی، مادرش: فاطمه بنت اسد بن هاشم بن عبد مناف.

ابو محمد حسن بن علی و ابو عبد الله حسین بن علی تقی، مادرشان: فاطمه دخت محمد.

ابو محمد، علی بن حسین عدل، مادرش: شاه بانو دختر یزدگرد بن شاهنشاه.

ابو جعفر، محمد بن علی باقر، مادرش: ام عبد الله دختر حسن بن علی بن ابی طالب.

ابو عبد الله، جعفر بن محمد صادق، مادرش: ام فروه، دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر.

ابو ابراهیم، موسی بن جعفر ثقه، مادرش: کنیزی به نام حمیده.

ابوالحسن، علی بن موسی الرضا، مادرش، کنیزی به نام نجمه.

ابو جعفر، محمد بن علی زکی، مادرش: کنیزی به نام خیزران.

ابوالحسن، علی بن محمد امین، مادرش: کنیزی به نام سوسن.

ابو محمد، حسن بن علی رفیق، مادرش: کنیزی به نام سمانه.

ابوالقاسم، محمد بن حسن، حجت خدا، القائم، مادرش: کنیزی به نام نرجس، که درود خدا بر همه شان باد. (۱)

مؤلف کتاب: «ابراهیم بن محمد بن مؤید بن حمویه جوینی» محدث بزرگواری است که «غازان» پادشاه مغول به دست او به شرف اسلام مشرف شده و ابن حجر عسقلانی در شرح حال او می نویسد:

او مردی دین دار، با وقار، زیبا، نمکین و خوش قرائت بود. (۲)

ص: ۲۸

---

۱- [۱] - جوینی، فرائد السمطین، ج ۲ ص ۱۴۰، ح ۴۳۵.

۲- [۲] - ابن حجر، الدرر الکامنه، ج ۱ ص ۶۷.

سلیمان بن ابراهیم قندوزی، پس از روایات صریح در امامت دوازده امام نور، می نویسد:

برخی از محققان گفته اند که احادیث دالّ بر دوازده بودن خلفای پیامبر صلی الله علیه و آله از طرق مختلف به اشتها رسیدند است، با گذشت زمان و تعریف کون و مکان معلوم می شود که منظور پیامبر اکرم از این احادیث، امامان دوازده گانه از عترت

و اهل بیت آن حضرت هستند، زیرا تطبیق احادیث بر خلفای پس از پیامبر از اصحاب، صحیح نیست، زیرا تعداد آنها کمتر از ۱۲ می باشد. و تطبیق آنها بر پادشاهان اموی نیز درست نیست، زیرا اولاً: تعداد آنها بیش از دوازده است، ثانیاً: به جز عمر بن عبدالعزیز بقیه ی اموی ها ستم آشکار و ظلم فاحش مرتکب شدند، ثالثاً: آنها از بنی هاشم نیستند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «كُلُّهُمْ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ» در روایت عبد الملک از جابر، رابعاً: در برخی از نقل ها آمده است: «صدایش را پایین آورد»، این نقل بر دیگر نقل ها رجحان می یابد، زیرا منافقان خلافت بنی هاشم را دوست نداشتند.

و نمی توان آن را بر سلاطین عباسی تطبیق کرد، زیرا تعداد آنها نیز بیش از ۱۲ می باشد و آنها آیه ی شریفه ی «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» و حدیث شریف کساء را رعایت نمی کردند.

به ناگزیر باید احادیث دوازده خلیفه را به امامان دوازده گانه از عترت و اهل بیت پیامبر تطبیق، زیرا که آنها اعلم دوران، گرانقدرترین، پارساترین و باتقواترین اهل زمان، از نظر نسب شریف تر، از نظر حسب از همه برتر و در نزد

خدا از همه گرامی تر هستند.

دانش بیکران آنها به وسیله ی پدران بزرگوارشان به جدّ امجدشان حضرت ختمی مرتبت مربوط می باشد، که علم لدنی و دانش موروثی است. اهل علم و تحقیق و ارباب کشف و شهود نیز آنها را این گونه یافته اند.

حدیث ثقلین و دیگر احادیث وارده از رسول گرامی اسلام نیز مؤید آن است که منظور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از دوازده خلیفه همین دوازده امام از خاندان عصمت و طهارت هستند.

تعبیر رسول اکرم صلی الله علیه و آله که فرموده اند: «كَلِّمُوا تَجْتَمِعُ عَلَيْهِ الْأُمَّةُ» یعنی: همه ی

امت اسلامی بر امامت آنها اتفاق نظر پیدا می کنند، منظور این است که به هنگام ظهور قائم آنها حضرت مهدی علیه السلام همه ی امت در مورد امامت آن دوازده امام نور اتفاق نظر پیدا می کنند. (۱)

قندوزی روایت نعل، جندل بن جناده و یک یهودی دیگر را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است که مشتمل بر اسامی دوازده نور است، سپس ده ها حدیث دیگر به این مضمون روایت کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: (۲)

إِنَّ خُلَفَائِي وَ أَوْصِيَاءِي وَ حُجَجَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي، لِأَثْنِي عَشَرَ، أَوْلَهُمْ عَلِيٌّ، آخِرُهُمْ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ، فَيَنْزِلُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ، فَيُصَلِّي خَلْفَ الْمَهْدِيِّ، وَ تَشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا، وَ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ.

خلفاء و اوصیای من و حجت های پروردگار بر مردمان پس از من، دوازده نفر هستند که نخستین آنها علی، و آخرین آنها پسر مهدی است. که عیسی بن

ص: ۳۰

۱- [۱] - قندوزی، ینابیع المودّه، ج ۳، ص ۲۹۲، باب ۷۷، ح ۱۲.

۲- [۲] - همان، ص ۲۸۱ - ۳۰۰.

مریم فرود آید و در پشت سر مهدی نماز می خواند، زمین با نور پروردگارش روشن می شود و سلطنت او به شرق و غرب زمین می رسد. (۱)

روی این بیان همان گونه که شخص پیامبر در احادیث فراوان دوازده امام نور را تنها مصداق خلفای دوازده گانه معرفی فرموده اند، گذشت زمان نیز کلام نورانی آن حضرت را تفسیر کرده و در طول چهارده قرن گذشته مصداق دیگر برای تعبیر پیامبر رحمت پیدا نشده است و همه ی بزرگان اهل سنت در تفسیر آن فرو مانده اند و هیچ تفسیر درستی برای آن پیدا نکرده اند.

برای تحقیق بیشتر:

۱.المسند، تألیف احمد حنبل، جلد هفتم (چاپ سنگی جلد پنجم)

۲.المعجم الکبیر، تألیف طبرانی، جلد دوم.

۳.فرائد السمطین، تألیف جوینی، جلد دوم.

۴.ینابیع الموده، تألیف قندوزی، جلد سوم.

ص: ۳۱



نخستین شاهد عینی میلاد دوازدهمین امام نور، حضرت حکیمه دختر امام جواد علیه السلام می باشد. حضرت حکیمه سه مدال افتخار دارد،

۱. دعای معروف به حرز امام جواد علیه السلام از طریق ایشان روایت شده است. (۱)

۲. شرف تعلیم و تربیت حضرت نرجس خاتون به امر امام هادی علیه السلامبر عهده ی ایشان بود. (۲)

۳. افتخار حضور در مراسم ولادت نور یزدان به فرمان امام حسن عسکری علیه السلام:

شیخ صدوق با سلسله اسنادش از حضرت حکیمه دختر امام جواد علیه السلام روایت کرده که فرمود:

امام حسن عسکری علیه السلام کسی را نزد من فرستاد و پیغام داد:

يَا عَمَّةُ اجْعَلِيْ اِفْطَارَكَ هَذِهِ اللَّيْلَةِ عِنْدَنَا، فَاِنَّهَا لَيْلَةُ النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ، فَاِنَّ اللّٰهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالٰى سَيُظْهِرُ فِيْ هَذِهِ اللَّيْلَةِ الْحُجَّةَ، وَ هُوَ حُجَّتُهُ فِيْ اَرْضِهِ؛

ص: ۳۲

---

۱- [۱] - سید ابن طاووس، مهج الدعوات، ص ۳۶.

۲- [۲] - شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۱۴، ح ۱۷۸.

عمه جان! امشب افطار خود را در نزد ما قرار ده، که امشب شب نیمه ی شعبان

است، و آن شبی است که خدای تبارک و تعالی حجّتش را، که حجت خدا در روی زمین است، در آن پدید خواهد آورد.

حکیمه گوید پرسیدم مادرش کیست؟

فرمود: «نرجس»

عرض کردم: جانم به فدایت، هیچ اثر حملی در او نمی بینم!

فرمود: آری، ولی حقیقت همان است که به تو گفتم.

حکیمه خاتون در اطاق حضرت نرجس مشغول تهجید و عبادت می شود، در آستانه ی طلوع فجر دچار تردید می گردد، که امام عسکری علیه السلام اطاق خود بانک می زند که:

لا تَعْجَلِي يَا عَمَّةُ فَهَاكِ الْأَمْرُ قَدْ قَرَّبَ؛

عمه جان شتاب نکن، آگاه باش که وعده ی الهی نزدیک است.

حکیمه مشغول تلاوت سوره یس و الم سجده می شود، ناگهان حضرت نرجس مضطرب و هراسان بر می خیزد.

حکیمه خاتون به سویش دویده، می پرسد: آیا چیزی حس می کنی؟ می گوید: بلی، عمه جان.

حکیمه گوید: یک لحظه حالت بی خبری مرا گرفت، ناگهان متوجه شدم که نور یزدان قدم در عرصه ی گیتی نهاده و پیشانی عبودیت بر آستان معبود نهاده است.

نوزاد را در آغوش کشیدم و دیدم پاک و پاکیزه است.

همان لحظه صدای امام عسکری علیه السلام را شنیدم که بانگ زد:

هَلُمَّ إِلَيَّ يَا عَمَّةُ

عمه جان پسر من را پیش من بیاور.

حجت خدا را نزد پدر بردم، یک دست خود را بر پشت و دست دیگرش را

زیر تهیگاه او قرار داد و پاهای نوزاد را بر روی سینه اش چسباندم، زبان مبارکش را در دهان نوزاد قرار داد، دست مبارکش را بر چشم ها، گوش ها و مفاصل او کشید، سپس فرمود: «پسرم سخن بگو».

حجت خدا بر یکتایی خداوند و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گواهی داد، آنگاه بر یکایک امامان، از امیرمؤمنان، تا پدر بزرگوارش درود فرستاد و ساکت شد.

امام عسکری علیه السلام فرمود: عمه جان! او را ببر که به مادرش سلام کند.

او را به نزد نرجس خاتون بردم، بر او سلام کرد، آنگاه به خدمت امام علیه السلام برگردانیدم و در کنارش نهادم.

فرمود: عمه جان، روز هفتم به نزد ما بیا.

روز هفتم به خدمت امام علیه السلام رفتم و سلام کردم، فرمود: پسرم را پیش من بیاور.

رفتم و سرورم را در پارچه ای که پیچیده شده بود، به خدمتش آوردم.

امام علیه السلام همانند دفعه ی پیشین زبان در دهان او نهاد و فرمود: پسرم سخن بگو.

لبان نازک تر از گلش باز شد؛ بر یکتایی خدا و رسالت پیامبر اکرم گواهی داد و بر پیامبر صلی الله علیه و آله و یکایک امامان علیهم السلام درود فرستاد، آنگاه این آیه را تلاوت فرمود:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ \* وَنُفَعِّلُهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»

به نام خدای بخشایگر مهربان. ما اراده کرده ایم به کسانی که در روی زمین به ضعف کشیده شده اند منت بگذاریم، آنان را پیشوای خلق و وارثان زمین قرار

دهیم. در روی زمین به آنها قدرت و تمکن دهیم، به فرعون و هامان و لشکریانشان آنچه را که از آن بیم داشتند بنمایانیم. (۱)

راوی حدیث (موسی بن محمد بن قاسم بن حمزه بن موسی بن جعفر) گوید: از عقبه خادم نیز پرسیدم، گفت: آنچه حکیمه گفت، همه راست و درست است. (۲)

این حدیث را با اندک تفاوتی در لفظ شیخ طوسی، طبری، خواند میر، قندوزی و دیگران با اسناد گوناگون نقل کرده اند. (۳)

### دیگر شاهدان عینی

علاوه بر حضرت حکیمه، تعدادی از خدمتگزاران دودمان امامت و خواص اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام، در نخستین ایام ولادت حجت خدا به محضر آن حضرت مشرف شده اند و گزارش دیدار آنها به تناسب های مختلف در کتب حدیثی، تاریخ و سیره آمده است، که به شماری از آنها فقط اشاره می کنیم:

۱. عقبه بن خادم، که در پایان شرح ولادت از او نام بردیم و منابع آن را در پاورقی آوردیم.

۲. عقید خادم، که شرح ولادت آن حضرت را برای ابوالادیان شرح داده است. (۴)

ص: ۳۵

- 
- ۱- [۱] - سوره ی قصص، آیه های ۵ و ۶.
  - ۲- [۱] - شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲ ص ۴۲۴؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲ ص ۲۱۴؛ بحرانی، البرهان، ج ۷، ص ۳۱۷؛ ابن قتال، روضه الواعظین، ج ۲ ص ۵۶؛ بحرانی، تبصره الولی، ص ۵؛ همو، حلیه الأبرار، ج ۵، ص ۱۵۱؛ همو، مدینه المعاجز، ص ۱۰؛ نیلی، منتخب الانوار المضيئه، ص ۶۰.
  - ۳- [۲] - شیخ طوسی: الغیبه، ص ۲۳۴؛ طبری، دلائل الامامه، ص ۴۹۷؛ خواند میر، حبيب السیر، ج ۲، ص ۱۰۵؛ قندوزی، ینایع الموده، ج ۳، ص ۳۰۴.
  - ۴- [۳] - شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۷۴.

۳. ماریه، از خادمان بیت که در روز ولادت حجّت خدا آن حضرت را در حال سجده مشاهده کرده که انگشت سیّابه اش را به سوی آسمان بالا برده و

عرضه می دارد:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ. (۱)

۴. نسیم خادم، علاوه بر نقل فراز بالا (۲) در روز دهم تولّد نیز آن حضرت را زیارت کرده است، در کنار گهواره اش حاضر می شود. پس از عطسه او، حجت خدا فرموده: «يَرْحَمُكَ اللَّهُ»

آیا در مورد عطسه تو را بشارت دهم؟ عطسه تا سه روز امان از مرگ است. (۳)

۵. کنیز ابو علی خیزرانی، ابو علی کنیزی را به دودمان امامت اهداء کرده که پس از شهادت امام عسکری علیه السلام، به هنگام تهاجم مأموران به خانه ی امام، به خانه ی ابوعلی پناه برد و شرح جالبی از ولادت حجّت خدا را برای ابوعلی بیان کرده است. (۴)

۶. حمزه بن ابوالفتح، که به حسن بن منذر گفت: «البشاره البشاره»، دیشب در دودمان امامت مولودی به دنیا آمد که به فرمان امام، باید این راز مکتوم بماند. (۵)

۷. حسن بن حسین، از نواده های امام حسن مجتبی علیه السلام به محضر امام حسن عسکری علیه السلام مشرف شده و میلاد مسعود حجّت خدا را تبریک گفت. (۶)

ص: ۳۶

---

۱- [۱] - شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۴۵؛ اربلی، کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۸۸؛ بحرانی، حلیه الأبرار، ج ۵، ص ۱۸۵.  
۲- [۲] - ابن حمزه، الثاقب فی المناقب، ص ۵۸۴؛ طبرسی، إعلام الوری، ص ۳۹۵؛ شیخ حرّ عاملی، إثبات الهدی، ج ۳، ص ۶۶۸.

۳- [۳] - اثبات الوصیه، ص ۲۶۱.

۴- [۴] - شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۳۱، شیخ حرّ، همان، ص ۶۹۹.

۵- [۵] - شیخ صدوق، همان، ص ۴۳۴.

۶- [۶] - شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۵۱.

۸. ابونصر خادم، در کنار گهواره ی حجّت خدا حضور می یابد، حجّت خدا می فرماید: مرا می شناسی؟

می گوید: بلی، شما سرور من و فرزند سرور من هستید.

می فرماید: آن را نپرسیدم.

سپس می فرماید:

أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ، وَ بِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ وَ شِيعَتِي؛

من خاتم اوصیاء هستم، خداوند به وسیله ی من بلا را از خاندان و شیعیانم دفع می کند. (۱)

۹. قابله ای از اهل سنت که امام عسکری علیه السلام به جهت مصالحی او را در شب ولادت آن مهر تابان دعوت کرده و او نیز با نقل این واقعه موجب هدایت برخی از دشمنان این خاندان شده است. (۲)

۱۰. گروهی از شیعیان، امام عسکری علیه السلام در روز سوّم ولادت حجّت خدا، عدّه ای از شیعیان مورد اعتماد را گرد آورد و آن مهر فروزان را به آنها نشان داد و فرمود:

هَذَا صَاحِبُكُمْ مِنْ بَعْدِي، وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ، وَ هُوَ الْقَائِمُ الَّذِي تَمْتَدُّ إِلَيْهِ الْأَعْنَاقُ بِالْأَيْدِي نَظَارٍ، فَإِذَا إِمْتَلَأَتِ الْأَرْضُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا، خَرَجَ فَمَلَأَهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا؛

این جانشین من در میان شما و صاحب شما بعد از من است. او همان قائم علیه السلام است که در انتظارش گردن ها کشیده می شود.

هنگامی که زمین پر از ظلم و ستم شده، او ظاهر می شود و آن را پر از عدل و

ص: ۳۷

۱- [۱] - شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۴۴۱.

۲- [۲] - شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۴۰ - ۲۴۲.

یکی از کنیزانی که به هنگام ولادت آن مهر فروزان حضور داشت می گوید:

به هنگام ولادت مولای ما، نوری از او ساطع گردید که همه ی اقطار جهان را روشن ساخت.

در آن هنگام پرنده گان نقره خامی دسته دسته از آسمان فرود آمدند و بال های خود را بر سر و صورت نوزاد ساییدند، سپس به سوی آسمان پر گشودند.

هنگامی که مشاهدات خود را به محضر امام عسکری علیه السلام عرض کردم، تبسمی کردند و فرمودند:

تِلْكَ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ، نَزَلَتْ لِتَبْرِكَ بِهَذَا الْمَوْلُودِ، وَ هِيَ أَنْصَارُهُ، إِذَا خَرَجَ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛

این ها فرشتگان آسمانند که برای تبرک جستن از این مولود مسعود فرود آمده اند و هنگامی که به فرمان خدا ظهور کند، آنها یاوران او هستند. (۲)

آنچه در این بخش به عنوان شاهدان عینی نقل شد، منحصرأ مربوط به روزهای ولادت آن حجت خدا می باشد، اما تعداد کسانی که در طول ۵ سال، در محضر امام حسن عسکری علیه السلام به دیدار آن حضرت شرفیاب شده اند، به صدها نفر می رسد.

برای تحقیق بیشتر:

۱. کمال الدین، تألیف شیخ صدوق.

۲. الغیبه، تألیف شیخ طوسی.

۳. تبصره الولی، تألیف سید هاشم بحرانی.

ص: ۳۸

---

۱- [۳] - شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۳۱.

۲- [۱] - ابن حمزه، الثاقب فی المناقب، ص ۵۸۴؛ ابن فثال، روضه الواعظین، ج ۲ ص ۲۶۰.

صدها تن از محدّثان، مورّخان، سیره نویسان و تراجم نگاران، میلاد مسعود کعبه ی مقصود، قبله ی موعود، حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه را در شب جمعه، شب نیمه شعبان ۲۵۵ ق. ثبت کرده اند.

قدیمی ترین منبعی که در دست است، کتاب «اثبات الرجعه» تألیف فضل بن شاذان نیشابوری، متوفای ۲۶۰ ق. می باشد.

فضل بن شاذان، از محمّد بن علی بن حمزه، از امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده که فرمود:

قد ولد ولیّ الله وحجّته علی عبادہ، و خلیفتی من بعدی، مختوناً لیلہ النّصف من شعبان، سنه خمس و خمسين و مأتین، عند طلوع الفجر. و کان اوّل من غسله رضوان خازن الجنان، مع جمع من الملائکة المقرّبین بماء الكوثر والسلسیل. ثمّ غسلته عمّتی حکیمه بنت محمّد بن علی الرضا علیهم السلام .

ولیّ خدا، حجّت خدا بر بندگان و جانشین من بعد از من، در شب نیمه ی شعبان، در سال ۲۵۵، به هنگام طلوع فجر، به صورت ختنه شده، دیده به



جهان گشود.

نخستین کسی که او را شستشو داد: «رضوان» خازن بهشت بود، که با گروهی از فرشتگان مقرب، با آب کوثر و سلسبیل او را شستشو داد. سپس عمّه ام: «حکیمه» دختر محمّد بن علی الرضا (امام جواد) علیهم السلام او را شستشو داد. (۱)

این حدیث در نهایت صحّت و اتقان است، زیرا آن را «فضل بن شاذان» با یک واسطه از امام علیه السلام روایت کرده است.

همه ی علمای رجال، «فضل بن شاذان» را به عنوان: ثقه، فقیه، جلیل القدر و عظیم الشان ستوده اند. (۲)

نجاشی پیشوای علمای رجال در حق او می نویسد:

جلالت قدر او مشهورتر از آن است که ما او را وصف کنیم. (۳)

علامه ی حلّی در مورد او می نویسد:

او رئیس طائفه ی امامیه است. (۴)

فضل بن شاذان نیز آن را از «محمّد بن علی بن حمزه» روایت کرده، که از اصحاب خاصّ امام عسکری علیه السلام بود و نسبش با چهار واسطه به حضرت ابوالفضل علیه السلام می رسید.

مرحوم نجاشی، پیشتاز رجالیون می نویسد:

محمّد بن علی بن حمزه مورد وثوق است، در حدیث، بسیار برجسته و از نظر

ص: ۴۰

---

۱- [۱] - فضل بن شاذان، اثبات الرّجعه؛ میرلوحی، کفایه المهتدی، ص ۵۵۱ ح ۳۰؛ شیخ حرّ عاملی، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۷۰؛

خاتون آبادی، کشف الحقّ، ص ۳۳؛ محدّث نوری، نجم ثاقب، ص ۲۵؛ تستری، تواریخ النبی والآل، ص ۴۳.

۲- [۲] - شیخ طوسی، الفهرست، ص ۱۹۷؛ ابن داود، الرجال، ص ۱۵۱.

۳- [۳] - نجاشی، الرجال، ص ۳۰۷، رقم ۸۴۰.

۴- [۴] - علامه ی حلّی، خلاصه الرّجال، ص ۱۳۳.

عقیدتی صحیح الاعتقاد می باشد.

و در پایان می فرماید:

پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام مادر حضرت صاحب الأمر علیه السلامدر خانه ی او اقامت کرد.<sup>(۱)</sup>

جالب توجه است که گروهی از علمای عامّه نیز بر صداقت و وثاقت او تأکید کرده اند.<sup>(۲)</sup>

با توجه به درگذشت فضل بن شاذان در حیات امام عسکری علیه السلام، به هنگام تألیف کتاب، حضرت مهدی علیه السلام حد اکثر ۵ ساله بودند.

برای اتقان بیشتر، اسامی تعدادی از بزرگان شیعه را که ولادت آن حضرت را دقیقاً در شب نیمه ی شعبان ۲۵۵ ق. ثبت کرده اند، در این جا می آوریم:

۱. ابو جعفر، محمد بن یعقوب کلینی، متوفای ۳۲۹ ق.<sup>(۳)</sup>

۲. ابو الحسن، علی بن حسین بن علی مسعودی، متوفای ۳۴۶ ق.<sup>(۴)</sup>

۳. ابو جعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه، متوفای ۳۸۱ ق.<sup>(۵)</sup>

۴. ابو عبدالله، محمد بن محمد بن نعمان، متوفای ۴۱۳ ق.<sup>(۶)</sup>

۵. ابو الفتح، محمد بن علی بن عثمان کراچکی، متوفای ۴۴۹ ق.<sup>(۷)</sup>

ص: ۴۱

---

۱- [۱] - نجاشی، الرّجال، ص ۳۴۷، رقم ۹۳۸.

۲- [۲] - رازی، الجرح والتّعدیل، ج ۸، ص ۲۸؛ خطیب، تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۶۳.

۳- [۳] - کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۵۱۴.

۴- [۴] - مسعودی، اثبات الوصیّه، ص ۲۱۹.

۵- [۵] - شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۳۰.

۶- [۶] - شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۳۹.

۷- [۷] - کراچکی، کنز الفوائد، ج ۲، ص ۱۱۴.

۶. ابو جعفر، محمد بن حسن طوسی، متوفای ۴۶۰ ق. (۱).

۷. امین الاسلام، فضل بن حسن طبرسی، متوفای ۵۴۸ ق. (۲).

۸. ابو الحسن، علی بن عیسی بن ابی الفتح اربلی، متوفای ۶۹۳ ق. (۳).

۹. حسن بن یوسف بن مطهر حلّی، متوفای ۷۲۶ ق. (۴).

۱۰. شمس الدین، محمد بن مکی، مستشهد ۷۸۶ ق. (۵).

و ده ها منبع دیگر.

### اعتراف علمای عامّه

ولادت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه، از ضروریات مذهب شیعه و از مسلمات تاریخ است، ولی در میان علمای سنت اختلافی است. گروهی از آنها به صراحت اعلام کرده اند که ولادت حضرت مهدی، فرزند امام حسن عسکری، در شب جمعه شب نیمه ی شعبان ۲۵۵ ق. بوده است. اسامی تعدادی از آنها را به ترتیب تسلسل زمانی می آوریم:

۱. ابوبکر، احمد بن حسین بن علی بن بیهقی شافعی، متوفای ۴۵۸ ق. (۶).

۲. شمس الدین احمد بن محمد، ابن خلکان، متوفای ۶۸۱ ق. (۷).

۳. حمدالله بن ابی بکر بن احمد بن نصر مستوفی، متوفای حدود ۷۵۰ ق. (۸).

ص: ۴۲

۱- [۸] - شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۳۴.

۲- [۱] - طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۱۴.

۳- [۲] - اربلی، کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۳۶.

۴- [۳] - علامه ی حلّی، المستجد، ص ۲۰ در ضمن مجموعه ی نفیسه، ۴۷۵.

۵- [۴] - شهید اول، الدروس الشرعیّه، ج ۲، ص ۱۶.

۶- [۵] - بیهقی، شعب الایمان، به نقل عسکری، المهدی الموعود المنتظر، ج ۱، ص ۱۸۲.

۷- [۶] - ابن خلکان، وفيات الأعیان، ج ۴، ص ۱۷۶.

۸- [۷] - مستوفی، تاریخ گزیده، ص ۲۰۷.

- ٤ . ابو الوليد، محمد، ابن شحنة حنفي، متوفى ٨١٥ ق. (١).
- ٥ . حافظ محمد بن محمد بن محمود نجار، معروف به خواجه پارسا، متوفى ٨٢٢ ق. (٢).
- ٦ . على بن محمد بن احمد، ابن صباغ مالكي، متوفى ٨٥٥ ق. (٣).
- ٧ . غياث الدين بن همام الدين، مشهور به: خواند مير، متوفى ٩٤٢ ق. (٤).
- ٨ . شمس الدين محمد بن طولون دمشقي حنفي، متوفى ٩٥٣ ق. (٥).
- ٩ . عبد الوهاب شعراني شافعي، متوفى ٩٧٣ ق. (٦).
- ١٠ . احمد، ابن حجر هيثمي مكي، متوفى ٩٧٤ ق. (٧).
- ١١ . سيد جمال الدين عطاء الله بن سيد غياث الدين محدث، متوفى ١٠٠٠ ق. (٨).
- ١٢ . احمد بن يوسف دمشقي قرماني، متوفى ١٠١٩ ق. (٩).
- ١٣ . عبدالله بن محمد بن عامر شبراوي شافعي، متوفى بعد از ١١٥٤ ق. (١٠).
- ١٤ . محمد بن احمد سفاريني نابلسي حنبلي، متوفى ١١٨٨ ق. (١١).
- ١٥ . مؤمن بن حسن بن مؤمن شبلنجي، متوفى بعد از ١٢٩٠ ق. (١٢).

ص: ٤٣

- ١- [٨] - ابن شحنة، روض المناظر، ج ١، ص ٢٩٤.
- ٢- [١] - خواجه پارسا، فصل الخطاب، به نقل قندوزي، ينابيع الموده، ج ٣، ص ٣٠٤.
- ٣- [٢] - ابن صباغ، الفصول المهمه، ص ٢٢٧.
- ٤- [٣] - خواند مير، حبيب السير، ج ٢، ص ١٠٠.
- ٥- [٤] - ابن طولون، ائمه ي اثنا عشر، ص ١١٧.
- ٦- [٥] - شعراني، اليواقيت والجواهر، ج ٢، ص ٤٢٢.
- ٧- [٦] - هيثمي، الصواعق المحرقة، ص ١٦٧.
- ٨- [٧] - محدث، روضه الاحباب، به نقل محدث نوري، كشف الأستار، ص ٦٤.
- ٩- [٨] - قرماني، أخبار الدول، ص ١١٧.
- ١٠- [٩] - شبراوي، الاتحاف بحب الأشراف، ص ١٧٨.

١١- [١٠] - نابلسى، لوائح الأنوار، ج ٢، ص ٦٨.

١٢- [١١] - شبلنجى، نور الأبصار، ص ٢٦٠.

۱۶. سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، متوفای ۱۲۹۴ ق. (۱).

۱۷. حسن عدوی حمزوی مالکی مصری، متوفای ۱۳۰۳ ق. (۲).

۱۸. شهاب الدین احمد بن احمد حلوانی، متوفای ۱۳۰۸ ق. (۳).

۱۹. قاضی بهلول بهجت افندی، متوفای ۱۳۵۰ ق. (۴).

۲۰. خیر الدین زرکلی، متوفای ۱۳۹۶ ق. (۵).

یادآوری

این ها گروهی از رجال برجسته ی اهل سنت بودند که به صراحت بر ولادت آن حضرت در شب نیمه ی شعبان ۲۵۵ ق. تصریح کرده اند، ولی غالب علمای عامه بر ولادت آن حضرت معتقد نیستند و فقط به خروج آن حضرت در آخر الزمان تأکید می کنند.

نکته ی دیگر این که اعتقاد به ظهور حضرت مهدی در آخر الزمان از ضروریات دین مقدس اسلام است و هرگز احدی از علمای امت اسلامی آن را انکار نکرده است، بلکه با سلسله اسناد خودشان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که فرمود:

مَنْ كَذَبَ بِالْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ.

هر کس حضرت مهدی علیه السلام را تکذیب کند کافر است.

گروهی از راویان این حدیث به همین لفظ عبارتند از:

ص: ۴۴

---

۱- [۱۲] - قندوزی، ینابیع الموده، ج ۳، ص ۳۰۴.

۲- [۱] - حمزوی، مشارق الأنوار، ص ۱۱۳.

۳- [۲] - حلوانی، العطر الوردی، ص ۴۹.

۴- [۳] - بهجت افندی، تشریح ومحاکمه در تاریخ آل محمد، ص ۱۶۴.

۵- [۴] - زرکلی، الأعلام، ج ۶، ص ۸۰.

۱. ابوبکر اسکاف، متوفای ۳۵۲ ق. در کتاب: «فوائد الأخبار».

۲. ابوالقاسم سهیلی، متوفای ۵۸۱ ق. (۱).

۳. یوسف بن یحیی مقدسی، متوفای قرن هفتم. (۲)

۴. جلال الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ ق. (۳)

۵. مرعی بن یوسف مقدسی، قرن یازدهم. (۴)

۶. متقی هندی، متوفای ۹۷۵ ق. (۵)

۷. محمد صدیق قنوجی، متوفای ۱۳۰۷ ق. (۶)

۸. ابن حجر هیثمی مکی، متوفای ۹۷۴ ق. (۷)

شیخ الاسلام ابراهیم بن محمد جوینی، متوفای ۷۳۰ ق. این حدیث را به این تعبیر روایت کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ أَنْكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ؛

هر کس خروج مهدی انکار کند بر آنچه به حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل گشته، کافر شده است. (۸)

قندوزی نیز به همان تعبیر روایت کرده است. (۹)

محمد انور شاه کشمیری، متوفای ۱۳۵۲ ق. نیز با همان عبارت نقل کرده

ص: ۴۵

---

۱- [۱] - سهیلی، الرّوض الأنف، ج ۲، ص ۴۳۱.

۲- [۲] - سلمی، عقد الدرر، ص ۱۵۷.

۳- [۳] - سیوطی، العرف الوردی، ص ۱۶۵.

۴- [۴] - مقدسی، فرائد فوائد الفکر، ص ۲۲۰.

۵- [۵] - متقی هندی، البرهان فی علامات مهدی آخر الزّمان، ص ۱۷۰.

۶- [۶] - قنوجی، الإذاعه لما کان وما یکون بین یدی الساعه، ص ۱۵۴.

۷- [۷] - هیثمی، القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، ص ۲۱.

۸- [۸] - جوینی، فرائد السّمطین، ج ۲، ص ۳۳۴.





برخی از بزرگان عامه با ما هم عقیده هستند و معتقدند که حضرت مهدی علیه السلام متولد شده و اینک زنده است، به عنوان یک نمونه فضل الله بن روزبهان، متوفای ۹۲۷ ق. می نویسد:

حق آن است که حضرت مهدی علیه السلام متولد شده و امروز موجود است. (۲)

حافظ ابو عبدالله محمد بن یوسف گنجی شافعی، مستشهد ۶۵۸ ق. یکی از ابواب کتاب «البيان» را به این موضوع اختصاص داده می نویسد:

باب بیست و پنجم: در دلایل وجود حضرت مهدی علیه السلام که زنده و باقی است، از روز غیبتش تا الآن. (۳)

برای تحقیق بیشتر:

۱. کشف الاستار عن وجه الغائب عن الأبصار، تألیف: محدث نوری، متوفای ۱۳۲۰ ق. چاپ عتبه ی عباسیه - کربلا - ص ۱۳۷ - ۲۲۹.

۲. منتخب الأثر فی الامام الثانی عشر، تألیف آیه الله صافی گلپایگانی، جلد دوم، ص ۳۶۹ - ۳۹۲.

۳. دانشمندان عامه و مهدی موعود، تألیف: استاد علی دوانی، چاپ اسلامیه، ۱۳۸۴ ش. ص ۷۶ - ۲۱۷.

۴. گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور، تألیف علی اکبر مهدی پور، چاپ رسالت قم، ص ۴۵ - ۷۴.

ص: ۴۶

---

۱- [۱۰] - کشمیری، التصريح بما تواتر فی نزول المسيح، ص ۲۴۲، ح ۶۰.

۲- [۱] - ابن روز بهان، وسیله الخادم الی المخدوم، ص ۲۸۲.

۳- [۲] - گنجی، البيان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۱۴۸ - ۱۶۱.

از نخستین روزی که انسان در کره ی خاکی گام نهاده است؛ بشارت موعودی که در آخر الزمان ظهور کرده و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود، در سر لوحه ی دعوات پیامبران قرار داشته است.

قرآن کریم می فرماید:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛

پس از ذکر (تورات) در «زبور» نیز نوشتیم که بندگان شایسته ام وارث زمین خواهند شد. (۱)

طبق این آیه، بشارت منجی در تورات و زبور نیز آمده است. جالب توجه است که این بشارت به همان تعبیر در تورات و زبور فعلی موجود است، یعنی علیرغم این که کتاب های پیشین دستخوش تحریف شده اند، این بشارت ها از تحریف مصون مانده است.

ص: ۴۷

و اینک اشاره ای کوتاه به بشارت منجی در کتب پیشین:

## ۱. زبور داود

زبور به عنوان یکی از چهار کتاب آسمانی در کنار قرآن، تورات و انجیل قرار دارد و در کتاب عهد عتیق به عنوان چهاردهمین کتاب از ۳۴ کتاب پیامبران پیشین، به عنوان «مزامیر» جای گرفته است.

مزامیر شامل ۱۵۰ فصل است که در ۵۵ فصل آن نویدها و بشارت های موعود آخر الزمان آمده است.

و اینک چند نمونه از بشارت و راثت صالحان در زبور:

۱. و اما نسل شریر منقطع خواهد شد. صالحان وارث زمین خواهند شد. (۱)

۲. و اما صالحان را خداوند تأیید می کند. خداوند روزهای کاملان را می داند و میراث آنها خواهد بود تا ابد الابد. (۲)

۳. زیرا که شریران منقطع خواهند شد و اما منتظران خداوند وارث زمین خواهند شد. (۳)

در جای جای زبور پیرامون انتظارسخن رفته، از جمله آمده است:

منتظر خداوند باش و طریق او را نگه دار، تا تو را به وراثت زمین برافزاد. (۴)

ص: ۴۸

---

۱- [۱] - کتاب مقدس، عهد عتیق، مزامیر، مزمور ۳۷، فراز ۲۹.

۲- [۲] - همان، فراز ۱۷.

۳- [۳] - همان، فراز ۹.

۴- [۴] - همان، فراز ۳۴.

تورات شامل پنج کتاب است به نام های: پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثئیه، که هر کدام را «سفر» می نامند.

سفر به معنای کتاب است و تورات متشکل از اسفار پنجگانه است. اینک اشاره ای کوتاه به وراثت صالحان در نخستین فصل تورات:

۱. خداوند بر ابراهیم ظاهر گشته و گفت: به ذریه ی تو این زمین را می بخشم. (۱)

۲. من هستم یهوه، که تو را از کلدانیان بیرون آوردم تا این زمین را به تو ارث بخشم. (۲)

۳. اما در خصوص اسماعیل تو را اجابت نمودم. اینک او را برکت داده بارور گردانم و او را بسیار کثیر گردانم. دوازده رئیس از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی به وجود آورم. (۳)

۴. عهد خویش را در میان خود و تو، و ذریه ی تو بعد از تو استوار گردانم که نسل به نسل عهد جاودانی باشد. (۴)

فرازهای نقل شده از تورات دقیقاً با آیات نورانی قرآن کریم و احادیث پیشوایان دین مطابق و همسو می باشد.

در این فرازها از وراثت صالحان و بودن آنها از نسل حضرت ابراهیم و از

ص: ۴۹

---

۱- [۱] - کتاب مقدس، عهد عتیق، سفر پیدایش، باب ۱۲، فراز ۷.

۲- [۲] - همان، باب ۱۳، فراز ۱۵.

۳- [۳] - همان، باب ۱۷، فراز ۲۰.

۴- [۴] - همان، فرازهای ۵ - ۸.

تبار حضرت اسماعیل تصریح شده، در این فرازها به تعداد امامان دوازده گانه و این که آنها از نسل اسماعیل و در پرتو دعای حضرت ابراهیم بوده، تصریح شده و از عهد امامت به عنوان عهد جاودانی خداتعیر شده است.

بشارت منجی به اسفار اختصاص ندارد، بلکه در دیگر کتاب های انبیای بنی اسرائیل که به همراه تورات در عهد عتیق جای گرفته، نویدهای فراوان یافت می شود که به تعدادی از آنها اشاره می کنیم:

(۱) کتاب اشعیا نبی:

۱. مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و برای مظلومان زمین به راستی حکم خواهد کرد. (۱)

۲. در تمام کوه مقدّس من، ضرر و فسادی نخواهند کرد، زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد. (۲)

۳. برگزیدگانم وارث زمین و بندگانم ساکن آن خواهند شد. (۳)

(۲) کتاب دانیال نبی:

۱. بسیاری از آنان که در خاک زمین آرمیده اند، بیدار خواهند شد. (۴)

۲. خوشا به حال آنان که انتظار کشند. (۵)

۳. سلطنت او سلطنت جاودانی و بی زوال است و ملکوت او زایل نخواهد شد. (۶)

ص: ۵۰

---

۱- [۱] - کتاب مقدس، عهد عتیق، کتاب اشعیا نبی، باب ۱۱، فراز ۴.

۲- [۲] - همان، فرازهای ۶ - ۹.

۳- [۳] - همان، باب ۶۵، فراز ۹.

۴- [۴] - کتاب مقدس، عهد عتیق، کتاب دانیال نبی، باب ۱۲، فراز ۲.

۵- [۵] - همان، فراز ۱۲.

۶- [۶] - همان، باب ۷، فراز ۱۴.

۱. اگر چه تأخیر نماید، برایش منتظر باش، زیرا که البتّه خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد. (۱)

در این فرازها از وراثت صالحان، رجعت مردگان، فضیلت انتظار، فراگیر شدن عدل و داد، حتمی بودن ظهور و جاودانه بودن عصر ظهور سخن رفته است.

### ۳. انجیل

در میان ده ها انجیل که توسط شاگردان حضرت عیسی علیه السلام تدوین شده، فقط چهار انجیل توسط کلیسا پذیرفته شده و لذا ما نیز فقط از این اناجیل چهار گانه بشارات ظهور را نقل می کنیم:

(۱) انجیل متی:

۱. هم چنان که برق از مشرق ساطع شده، تا به مغرب ظاهر می شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد. (۲)

۲. آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد. (۳)

۳. آسمان و زمین زایل خواهند شد، امّا سخن من زایل نخواهد شد. امّا از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد، حتّی ملائکه آسمان. (۴)

در این نویدها از منجی به عنوان: «پسر انسان» یاد شده است.

مستر ها کس آمریکایی در کتاب: «قاموس کتاب مقدّس» می نویسد:

ص: ۵۱

---

۱- [۱] - کتاب مقدس، عهد عتیق، کتاب حیقوق نبی، باب ۲، فراز ۳.

۲- [۲] - کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل متی، باب ۲۴، فراز ۲۷.

۳- [۳] - همان، فراز ۳۰.

۴- [۴] - همان، فرازهای ۳۵ - ۳۶.

این لفظ در عهد جدید ۸۰ بار مذکور است، ۳۰ مورد از آنها منظور عیسی مسیح است. (۱)

بر طبق این بیان در ۵۰ مورد دیگر منظور موعود ادیان است، که حضرت عیسی نیز پشت سر او نماز خواهد خواند.

(۲) انجیل مرقس:

«مرقس» نویسنده ی دوّمین انجیل از اناجیل چهارگانه است، که نام عبری وی «یوحنا» می باشد و پسر عموی برنابا بود.

مرقس از حواریون نبود، ولی کتابش را زیر نظر پطرس نوشته است.

در انجیل مرقس نیز بشارات منجی به وفور آمده است، که از آن جمله است:

۱. آنگاه پسر انسان را ببینند که با قوّت و جلال عظیم بر ابرها می آید. (۲)

۲. ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچکس اطلاع ندارد. نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم.

پس بر حذر باشید و بیدار شده، دعا کنید، زیرا نمی دانید که آن وقت کی واقع می شود. (۳)

(۳) انجیل لوقا:

لوقا نویسنده ی سومین انجیل پزشک بود و انجیل خود را زیر نظر پولس نوشت. در انجیل لوقا نیز به کثرت از منجی سخن رفته، که از آن جمله است:

۱. کمرهای خود را بسته، چراغ های خود را فروخته بدارید. (۴)

ص: ۵۲

---

۱- [۱] - مسترهاکس، قاموس کتاب مقدس، ص ۳۱۹.

۲- [۲] - کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل مرقس، باب ۲۱، فراز ۱۱.

۳- [۳] - همان، فراز ۲۵.

۴- [۴] - کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل لوقا، باب ۱۲، فراز ۳۵.

۲. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید، ایشان را بیدار یابد. (۱)

۳. پس شما نیز مستعدّ باشید، زیرا در ساعتی که گمان نمی برید، پسر انسان می آید. (۲)

۴. زلزله های عظیم، قحطی ها و وبا پدید آید، چیزهای هولناک و علامات بزرگ از آسمان ظاهر خواهد شد. (۳)

۵. در آفتاب و ماه و ستارگان علامات خواهد بود. (۴)

(۴) مکاشفه ی یوحنا

آخرین انجیل را یوحنا در حدود سال ۸۵ م. نوشته است.

وی مکاشفه و سه رساله ی دیگر خود را به سال ۹۶ - ۹۸ نوشته است.

علاوه بر انجیل یوحنا، در مکاشفه او نیز نویدهای منجی آمده است، که به دو نمونه از آنها اشاره می کنیم:

۱. شهر احتیاج ندارد که آفتاب یا ماه آن را روشن کند، زیرا که جلال خدا آن را منور می سازد. (۵)

۲. دیگر شب نخواهد بود و احتیاج به چراغ و نور آفتاب ندارند، زیرا که خداوند خدا بر ایشان روشنایی می بخشد. (۶)

ص: ۵۳

---

۱- [۱] - همان، فراز ۳۷.

۲- [۲] - همان، فراز ۴۰.

۳- [۳] - همان، باب ۲۱، فراز ۱۱.

۴- [۴] - همان، فراز ۲۵.

۵- [۵] - کتاب مقدس، عهد جدید، مکاشفه ی یوحنا، باب ۲۱، فراز ۲۴.

۶- [۶] - همان، باب ۲۳، فراز ۵.



آنچه از اناجیل چهارگانه نقل شد، نیز دقیقاً با آیات و احادیث اسلامی همسو می باشد و آنچه از مکاشفه ی یوحنا نقل گردید، در قرآن کریم نیز به صورت شفاف آمده است:

«وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»؛

زمین با نور صاحبش روشن گردید. (۱)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

رَبُّ الْأَرْضِ يَعْنِي إِمَامَ الْأَرْضِ؛

صاحب زمین یعنی امام زمین.

مفضل پرسید: هنگامی که امام علیه السلام ظهور کند، چه اتفاقی می افتد؟ امام علیه السلام فرمود:

إِذْ يَسْتَعْنِي الْعِبَادُ عَنِ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَنُورِ الْقَمَرِ، وَيَجْتَرِؤْنَ بِنُورِ الْإِمَامِ؛

در آن هنگام مردم از نور خورشید و ماه بی نیاز می شوند و به نور امام علیه السلام بسنده می کنند. (۲)

در حدیث دیگری آمده است:

و ذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ؛

دیگر تاریکی رخت برمی بندد. (۳)

ص: ۵۴

---

۱- [۱] - سوره ی زمر، آیه ی ۶.

۲- [۲] - بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۸، ص ۳۹۹.

۳- [۳] - شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۱.

و در حدیث دیگر آمده است:

و صار اللیل والنهار واحداً؛

شب و روز یکسان گردد. (۱)

برای تحقیق بیشتر:

۱. عهد قدیم، تورات، سفر پیدایش.

۲. عهد جدید، اناجیل چهارگانه

۳. کتاب مقدس، اشعیا نبی، دانیال نبی و حیقوق نبی

۴. او خواهد آمد، تألیف علی اکبر مهدی پور.

ص: ۵۵

---

۱- [۱] - طبری، دلائل الامامه، ص ۲۴۱.

بیش از ۲۰۰۰ جلد کتاب مستقل پیرامون مهدویت در کتابخانه های تخصصی قم موجود است که قدیمی ترین آنها به شرح زیر است:

۱. غیبت نعمانی، تألیف محمد بن ابراهیم نعمانی، به سال ۳۴۲ ق. شامل ۵۰۰ حدیث.

۲. کمال الدین، تألیف: شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ ق. شامل ۷۰۰ حدیث.

۳. غیبت طوسی، تألیف شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ ق. شامل ۵۰۰ حدیث.

قدیمی ترین کتاب موجود از قرن اول هجری، کتاب سلیم بن قیس، متوفای ۹۰ ق. است که برخی از احادیث مهدویت در آن آمده است.

ابن ندیم می نویسد: نخستین کتابی که برای شیعیان ظاهر شده کتاب سلیم بن قیس هلالی است. (۱)

نعمانی در اعتبار آن می نویسد: در میان حاملان علم و راویان حدیث از

ص: ۵۶

شیعیان، اختلافی نیست در این که کتاب سلیم بن قیس از بزرگترین و قدیمی ترین کتاب های اصل و مرجع می باشد، که همه ی شیعیان از آن روایت می کنند و به آن اعتماد می کنند. (۱)

مؤلف از اصحاب خاصّ مولای متقیان و جزء «شُرطه الخمیس» یعنی: گارد ویژه ی آن حضرت بود.

ابان بن ابی عیاش این کتاب را به امام سجّاد علیه السلام ارایه داده، حضرت فرموده: سلیم راست گفته، سپس به امام صادق علیه السلام ارایه داده، حضرت فرموده: این کتاب الفبای شیعه می باشد و رازی از رازهای شیعه است. (۲)

سلیم بن قیس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که خطاب به حضرت فاطمه فرمود:

مَنَا وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَهْدِيَّ هَذِهِ الْأُمَّةُ؛

سوگند به خدایی که جان من در دست قدرت اوست، مهدی این امت از ماست. (۳)

آنگاه از مولای متقیان روایت می کند که فرمود:

مِنْهُمْ وَاللَّهِ يَا بَنِي هِلَالٍ مَهْدِيَّ هَذِهِ الْأُمَّةِ، الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا.

وَاللَّهِ إِنِّي لَأَعْرِفُ جَمِيعَ مَنْ يُبَايِعُهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَ أَعْرِفُ أَسْمَاءَ الْجَمِيعِ وَقَبَائِلَهُمْ؛

ص: ۵۷

---

۱- [۲] - نعمانی، الغیبه، ص ۱۰۱.

۲- [۱] - تهرانی، الذریعه، ج ۲ ص ۱۵۲.

۳- [۲] - سلیم بن قیس، کتاب سلیم، ص ۱۸.

به خدا سوگند ای هلالی! از آن اوصیای دوازده گانه است مهدی این امت، که زمین را پر از عدل و داد کند، همانگونه که پر از جور و ستم شده باشد.

به خدا سوگند همه ی کسانی که با او در میان رکن و مقام بیعت می کنند را می شناسم، نام خود و قبیله شان را می دانم. (۱)

آنگاه از راهبی به نام شمعون، از نسل «شمعون بن حَمّون» وصی حضرت عیسی علیه السلام روایت می کند که گفت:

در کتاب جدّ من بشارت پیامبری از نسل اسماعیل در تُهامه و ۱۲ تن وصی آن حضرت، که نامش احمد و محمد، وصیش علی، سپس ۱۱ تن از نسل علی، حسن و حسین (شَبْر و شُبیر) و ۹ تن از نسل حسین (شُبیر) که عیسی بن مریم در پشت سرِ نهمین آنها نماز می خواند، او همه ی سرزمین های خدا را پر از عدل و داد می کند، شرق و غرب را مالک می شود و خداوند او را بر همه ی ادیان پیروز گرداند. (۲)

سپس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

آگاه باشید که من، علی، جعفر، حمزه، حسن، حسین، فاطمه، مهدی، ما فرزندان عبدالمطلب سروران اهل بهشت هستیم. (۳)

### احادیث مهدوی در منابع قرن دوم هجری

تنها کتابی که از قرن اول هجری از حوادث روزگار جان سالم به در برده و تا زمان ما سالم مانده، کتاب سلیم بن قیس بود که تعدادی از احادیث آن را نقل کردیم.

ص: ۵۸

---

۱- [۳] - همان، ص ۶۵.

۲- [۱] - همان، ص ۱۱۷.

۳- [۲] - همان، ص ۲۰۴.

ولی در قرن دوم هجری صدها کتاب توسط اصحاب امام باقر و امام صادق و دیگر امامان معصوم علیهم السلام تألیف شده، که غالباً به نام «اصل» شناخته می شوند.

اصل به کتابی گفته می شود که مطالب آن را مؤلف بدون واسطه از امام و یا راویان اخذ کرده باشد؛ نه از آثار دیگران.

تعداد ۴۵۰۰ اصل توسط اصحاب ائمه علیهم السلام ثبت شده که ۴۰۰۰ جلد آن

مربوط به اصحاب امام صادق علیه السلام می باشد.

ابن عقده تعداد ۴۰۰۰ نفر از شاگردان امام صادق علیه السلام را در کتاب رجالش معرفی کرده، آقای شبستری ۳۷۵۹ تن از آنها را در کتاب «الفائق» معرفی کرده و آیه الله قزوینی تعداد آنها را در «موسوعه الامام الصادق علیه السلام» به ۵۰۰۰ نفر رسانیده است.

در میان کتاب های اصل، چهارصد اصل از آنها بسیار معتبر بوده که به اصول اربعمائه مشهور می باشد، که تقریباً همه ی آنها در کتب اربعه منعکس است.

تقریباً همه ی آنها در طول چهارده قرن توسط حوادث طبیعی از قبیل زلزله، سیل، حریق، و تهاجم های دشمنان اهل بیت از بین رفته، فقط ۱۶ اصل از آنها باقی مانده، که به نام «الاصول السّته عشر» چاپ شده است.

زید زَرّاد، از اصحاب امام صادق علیه السلام در اصل خود می نویسد:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: می ترسم مؤمن حقیقی نباشم، زیرا به پول بیش از برادران ایمانی وابسته هستم.

فرمود: نه شما مؤمن هستید، ولی تا قائم ما ظهور نکند ایمان شما کامل نمی شود، چون ایشان ظهور کند عقل های شما را خداوند کامل می کند، پس

مؤمن کامل می شوید. (۱)

دُرُست بن منصور حدیث مفصّلی پیرامون برخورد حضرت با مخالفان نقل می کند. (۲)

جعفر بن محمد حضرمی از امام باقر علیه السلام روایت می کند که خطاب به جابر فرمود:

ای جابر! برای بنی عباس پرچم هایی هست، برای دیگران نیز پرچم هایی است. پرهیز کن و دور باش، تا هنگامی که مردی را از اولاد امام حسین علیه السلام ببینی که در میان رکن و مقام با او بیعت می کنند، سلاح پیامبر، کلاه خود پیامبر، زره و شمشیر پیامبر با او می باشد. (۳)

ابو سعید عصفری از امام صادق علیه السلام روایت می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مِنْ وُلْدِي أَحَدٌ عَشَرَ نَقِيًّا نَجِيًّا، مُحَدَّثُونَ، مُفَهَّمُونَ، آخِرُهُمُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ، يَمَلُّهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا؛

از فرزندان من یازده تن نقیب، نجیب، محدّث، فرزانه خواهد بود، که واپسین آنها قائم به حق می باشد، که زمین را پر از عدل نماید، همان گونه که پر از ستم شده باشد. (۴)

### احادیث مهدویت در قدیم ترین اثر اهل سنت

در میان کتب اهل سنت تنها یک مورد سراغ داریم که از قرن دوم هجری سالم مانده و در دسترس ما می باشد و آن کتاب «الجامع» تألیف معمر بن راشد

ص: ۶۰

۱- [۱] - زید زراد، الاصول الستة عشر، ص ۶.

۲- [۲] - درست بن منصور، همان، ص ۱۶۶.

۳- [۱] - جعفر بن محمد حضرمی، همان، ص ۷۹.

۴- [۲] - ابو سعید عصفری، همان، ص ۱۵.

ازدی، متولد ۹۵ یا ۹۶ ق. و متوفای ۱۵۲ یا ۱۵۴ ق. است. (۱)

این کتاب را شاگرد مؤلف، عبدالرزاق صنعانی، متوفای ۲۱۱ ق. از او روایت کرده است.

کتاب «الجامع» شامل ۱۶۱۱ حدیث، در ۲۸۳ باب، در ۳۸۳ صفحه ی وزیر ی به چاپ رسیده است.

باب ۲۴۱ از ابواب کتاب الجامع به احادیث در باره ی حضرت مهدی علیه السلام

اختصاص دارد، در این باب ۱۱ حدیث پیرامون حضرت مهدی آمده، که یک نمونه ی آن به شرح زیر است:

مُعَمَّرٌ؛ با سلسله اسنادش از ابو سعید خدری روایت می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از بلایی سخن گفت که امت اسلامی را در بر خواهد گرفت، دیگر کسی پناهگاهی پیدا نخواهد کرد که به آن پناه ببرد، آنگاه فرمود:

فَيَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا - مِنْ عِثْرَتِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، فَيَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسِيًا كَمَا مَلَأْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ، لَا تَدْعُ الْأَرْضُ مِنْ مَائِهَا شَيْئًا إِلَّا أَخْرَجْتَهُ، حَتَّى تَتَمَنَّى الْأَحْيَاءُ الْأَمْوَاتِ.

پس خداوند مردی را از عترت من که از اهل بیت من می باشد، بر می انگیزاند، که زمین را به وسیله ی او پر از عدل فرماید، همانگونه که پر از جور و ستم شده باشد.

آسمان چیزی از بارانش را دریغ نمی کند، که آن را سیل آسا فرو می ریزد.

زمین نیز چیزی از آبش را فرو نمی گزارد، جز این که بیرون می فرستد.

ص: ۶۱



تا جایی که زنده ها مردگان خود را آرزو می کنند. (۱)

در این کتاب بیش از ۲۰ حدیث پیرامون حضرت بقیه الله آمده است، که به نمونه ی یاد شده بسنده می کنیم.

برای تحقیق بیشتر:

۱. کتاب سلیم بن قیس، تألیف سلیم بن قیس هلالی.

۲. الاصول الستة عشر، تألیف ۱۶ تن از اصحاب ائمه علیهم السلام.

۳. کتاب الجامع، تألیف معمر بن راشد ازدی.

ص: ۶۲

---

۱- [۱] - معمر بن راشد، الجامع جلد دهم المصنّف ص ۳۱۶، باب ۲۴۱، ح ۵۰۳۵.

در میان تهاجم فرهنگی گسترده علیه جهان تشیع، بخش وسیعی از سایت ها و شبکه های ماهواره ای، آموزه های مهدویت را نشانه رفته اند و غالباً نشانه های ظهور را مورد نقد و نقض قرار می دهند.

برخی از شیادان نیز ادعای یمانی، خراسانی، و سید حسنی بودن را مطرح کرده و تبلیغات وسیعی انجام داده اند و برخی از افراد ناآگاه و ضعیف الایمان را به سوی خود جذب نموده اند.

یک نمونه ی آن «احمد اسماعیل کویطع» متولد روستای همبوشی از نواحی بصره است، که ده سال پیش (به سال ۱۴۲۴ ق) خود را «احمد حسن یمانی» نامیده، ادعای یمانی بودن نمود، روز عاشورای ۱۴۲۹ ق در بصره و ناصریه به پادگان ها حمله کرد و عده ای را به کشتن داد و خود به امارات متحده عربی گریخت.

او در عین این که در یک خانواده ی شناخته شده متولد شده و سید نیست، خود را فرزند حضرت مهدی، وصی حضرت مهدی و نخستین مهدی از

مهدی های دوازده گانه معرفی نموده و گروهی را به ضلالت و گمراهی کشیده است.

برخی از مراجع بزرگ تقلید برای جلوگیری از مبتلا شدن افراد به دام این شیادان، فرا گرفتن علائم ظهور را از باب دفع ضرر محتمل واجب داشته اند.<sup>(۱)</sup>

خداوند مَنان از روی حکمت بالغه اش، برای جلوگیری از سقوط افراد ناآگاه در دام این افراد شیاد بالغ بر ۲۰۰۰ نشانه برای ظهور مقرر فرموده است.

گزارش این نشانه ها در کتب پیامبران پیشین، در آیات نورانی قرآن و احادیث روشنگر پیشوایان معصوم آمده است.

غالب این نشانه ها، علایم غیر حتمی است و امکان این معنی هست که انسان ها پس از یأس و نومیدی از مجامع بین المللی، احساس اضطرار نموده، یک دل و یک جهت به سوی پروردگار روی آورده، دست تضرع به سوی پروردگار دراز نموده، از اعماق دل برای فرج تنها منجی جهان دعا کنند و خداوند مَنان پیش از تحقق بقیه ی نشانه ها فرمان ظهور را صادر فرماید.

در این میان ۵ نشانه از نشانه های حتمی می باشد، که بدون تردید در آستانه ی ظهور تحقق خواهد یافت.

این نشانه ها به قدری شفاف است که هرگز بر احدی پوشیده نخواهد بود.

هنگامی که امام صادق علیه السلام از طولانی بودن دوران غیبت، آزمون های سخت آن دوران، بروز تشکیک ها و تردیدها در میان اُمت، به اهتزاز در آمدن پرچم های مشتبه و حیرت و سردرگمی مردمان سخن گفتند، مفضل بن عمر به شدت گریست و اظهار نگرانی نمود.

ص: ۶۴

---

۱- [۱] - آیه الله صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ج ۳، ص ۳۳۶.

امام صادق علیه السلام به سوی اشعه ی آفتاب که از روزنه به داخل اطاق تابیده بود، اشاره کردند و فرمودند:

وَاللَّهِ إِنَّ أَمْرَنَا لِأَيُّنٍ مِنْ هَذِهِ الشَّمْسِ؛

به خدا سوگند، امر ما از این آفتاب روشن تر است. (۱)

### تابلوهای راهنمایی

همانگونه که در جاده‌های بین شهری و فرامرزی، تابلوهایی نصب شده که ره پویان را از سرعت مجاز، پیچ و خم راه، نزدیک شدن به پل ها و تونل ها، فاصله ی پارک ها، ورودی شهرها، رستوران ها و پمپ بنزین ها و دیگر اطلاعات لازم آگاه می نماید، در مسیر راهیان نور و سالکان کوی محبوب نیز تابلوهایی نصب شده، که آنها را از خطرات راه آگاه نموده، شیوه ی گزینش راه درست را آموزش داده، از فتنه ها و گردنه ها بر حذر داشته، برای عبور از پرتگاه و لغزشگاه ها، آنها را با ابزار لازم مجهز می نماید.

طولانی بودن راه و سخت بودن مسیر ممکن است سالکان راه و شیفتگان وصال را با خطر یأس و نومیدی مواجه کرده، آنها را از رسیدن به کعبه ی آمال و آرزوها باز دارد و در ادامه ی مسیر با تردید مواجه نماید.

در این هنگام یکی از نشانه های ظهور پدیدار گشته، آنها را در ادامه ی راهی که برگزیده اند محکم و استوار می کند، با امید و اطمینان به آینده، از تردید و دودلی نجات می دهد.

ص: ۶۵

پدیدار شدن هر نشانه ای از نشانه های ظهور همانند مشاهده ی یکی از تابلوهای راهنمایی، سالکان راه را در مسیرهای دور و دراز امید وار ساخته، از درستی راهی که برگزیده اند، آگاه و مطمئن می سازد.

### کتابنامه ملاحم و فتن یا نشانه های ظهور

نشانه های ظهور، همانند دیگر احادیث غیبی رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و امامان نور علیهم السلام از سرچشمه ی زلال قرآن و عترت سرچشمه گرفته، در مجامع حدیثی ثبت شده، چون دانه های تسبیح با نظم خاصی در بستر زمان تحقّق یافته، صحت و استواری سخنان پیشوایان را برای همگان روشن و مبرهن می سازد.

احداث مربوط به ملاحم و فتن بسیار گسترده است، این احادیث با شهادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ماجرای فدک، گزینش خلیفه و تهاجم به خانه ی وحی آغاز شده، از روی کار آمدن معاویه ها، حجاج ها، مغول ها... سخن گفته، از شهادت سالار شهیدان، عمّار یاسرها، حُجر بن عدی ها، میثم تمارها و دیگر شهدای راه فضیلت به روشنی خبر داده است.

احادیث ملاحم و فتن، خروج قرامطه، سقوط بنی عباس، فتح استانبول، اشغال عراق و افغانستان توسط سرکرده ی کفّار را در بر گرفته، رخدادهای جهان را تا هنگامه ی ظهور و انفجار نور به نمایش گذاشته است.

در کتب پایه و مرجع فصل هایی چون: فتن، ملاحم، علایم ظهور، و أشراف السّاعه، به نقل این احادیث اختصاص یافته است.

در این رابطه بیش از ۲۰۰ جلد کتاب تألیف شده، که نشانه های ظهور را

بالخصوص مورد بحث و بررسی قرار داده است.<sup>(۱)</sup>

در این جا به تعدادی از این کتاب ها اشاره می کنیم:

۱. کتاب الفتن: از ابو عبدالله بن حماد مروزی، متوفای ۲۲۹ ق.<sup>(۲)</sup>

اهمیت ویژه ی این کتاب در این است که مؤلف آن ۲۶ سال پیش از تولد حضرت ولی عصر علیه السلام دیده از جهان فرو بسته و خود از محدثان مشهور زمان خود بود، بخاری در صحیح خود از وی حدیث نقل کرده و بسیاری از رجال یون بر صداقت و وثاقت او تأکید کرده اند<sup>(۳)</sup> و نسخ خطی فراوانی از آن بر جای مانده است.<sup>(۴)</sup>

در این کتاب بیش از ۲۰۰۰ حدیث پیرامون فتن و ملاحم آمده است.

۲. کتاب الفتن، از ابوعلی حنبل بن اسحاق بن حنبل شیبانی، متوفای ۲۷۳ ق.<sup>(۵)</sup>

۳. الملاحم، از حافظ احمد بن جعفر بن محمد، مشهور به: «ابن منادی» متوفای ۳۳۶ ق.<sup>(۶)</sup> شامل ۳۱۲ حدیث.

ص: ۶۷

---

۱- [۱] - کتاب شناختی این کتاب ها در کتاب: «کتابنامه ی حضرت مهدی علیه السلام» آمده است.

۲- [۲] - این کتاب مکرر به چاپ رسید، از جمله: (۱) با تحقیقات سمیر امین زهری، قاهره، مکتبه التوحید، ۱۴۱۲ ق. ۷۸۴ صفحه ی وزیری، در دو مجلد. (۲) با تحقیقات دکتر سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق. ۵۰۸ صفحه وزیری. (۳) با تحقیقات ایمن محمد محمد عرفه، قم، المکتبه الحیدریّه. ۱۴۲۴ ق. ۵۲۷ صفحه وزیری.

۳- [۱] - ابن حجر وثاقت او را از احمد حنبل، ابن معین، عجلو و ابوحاتم نقل کرده است. [فتح الباری، ج ۱، ص ۴۴۷، مقدمه]

۴- [۲] - از جمله نسخه ی کتابخانه ی عاطف افندی - استانبول - تاریخ کتاب ۶۸۷ ق. و بریتیش میوزیم - لندن - تاریخ کتابت ۷۰۶ ق.

۵- [۳] - چاپ بیروت، دار البشائر الاسلامیه، ۱۴۱۹ ق. ۲۹۳ صفحه وزیری.

۶- [۴] - چاپ قم، دار السیره، ۱۴۱۸ ق. ۴۱۷ صفحه وزیری، تحقیق عبدالکریم عقیلی.

۴. التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، از سید بن طاووس، متوفای ۶۶۴ ق. (۱).

این کتاب ده بار به نام: «ملاحم و الفتن» چاپ شده و چندین بار به فارسی ترجمه شده است. (۲).

سید در این کتاب ۳۰۸ حدیث از فتن مروزی، ۱۱۵ حدیث از فتن سلیلی و ۹۳ حدیث از فتن زکریا بن یحیی بزار گرد آورده است.

۵. نهاییه البدایه، از حافظ ابوالفداء، اسماعیل بن کثیر دمشقی، متوفای ۷۷۴ ق. (۳).

۶. الاشاعه لأشراط الساعه، از محمد بن عبد الرسول، مشهور به «بزرنجی» متوفای ۱۱۰۳ ق. (۴).

۷. نواب الدهور فی علامات الظهور از سید حسن میرجهانی، متوفای ۱۴۱۳ ق. (۵).

۸. اشراط الساعه، از یوسف بن عبد الله بن یوسف الوابل، معاصر. (۶).

۹. معجم الملاحم و الفتن، از سید محمود دهرسخی، متوفای ۱۴۳۲ ق. (۷).

۱۰. یأتی علی الناس زمان، از همو. (۸) شامل ۹۲۰ سر فصل

ص: ۶۸

---

۱- [۵] - چاپ قم، مؤسسه صاحب الأمر، ۱۴۱۶ ق. ۵۴۱ صفحه وزیری.

۲- [۶] - از جمله به نام: «نشانه های ظهور آخر الزمان»، توسط سید مهدی آیت اللهی و به نام: «فتنه ها و آشوب های آخر الزمان»، توسط محمد جواد نجفی.

۳- [۷] - چاپ ریاض، مکتبه النصیر، ۱۹۶۸ م. ۷۸۰ صفحه وزیری، در دو مجلد.

۴- [۱] - چاپ دمشق، دار الهجرة. ۲۹۳ صفحه وزیری، تحقیق موفّق فوزی الجبر.

۵- [۲] - چاپ تهران، انتشارات صدر، ۱۳۶۹ ش. ۱۶۷۵ صفحه وزیری، در چهار مجلد.

۶- [۳] - چاپ ریاض، دار ابن الجوزی، ۱۴۲۱ ق. ۴۸۳ صفحه وزیری.

۷- [۴] - چاپ قم، ناشر مؤلف، ۱۴۲۰. ۱۵۱۲ صفحه وزیری، در چهار مجلد.

۸- [۵] - چاپ قم، ناشر مؤلف، ۱۴۰۸. ۸۰۰ صفحه وزیری.

۱۱. علامات المهدی المنتظر، از شیخ مهدی فتلاوی، معاصر (۱) شامل ۵۲۵ حدیث.

### شمارشگر معکوس

در میان تابلوهای راهنمایی که در کنار جاده‌ها نصب شده و اطلاعات لازم را در اختیار مسافران قرار می‌دهد، تنها یک تابلو هست که نزدیک شدن سالک را به سر منزل مقصود نشان می‌دهد و آن تابلو شمارشگر معکوس است.

در میان بیش از ۲۰۰۰ تابلویی که فرا روی راهیان نور و منتظران ظهور نصب شده، تنها پنج تابلو وجود دارد که تاریخ قطعی ظهور و فاصله مشخص سالکان کوی محبوب را تا سر منزل مقصود نشان می‌هد.

این تابلوهای پنج‌گانه علایم حتمی نامیده می‌شوند، که در احادیث فراوان بر حتمی بودن آنها تصریح شده است:

۱. شیخ صدوق با سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ خَمْسُ عِلَامَاتٍ مَحْتُمَاتٍ:

الْيَمَانِيُّ وَالسُّفْيَانِيُّ، وَالصَّيْحَةُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ، وَالْخُسْفُ بِالْبَيْدَاءِ؛

پیش از قیام قائم علیه السلام پنج نشانه ی حتمی هست: خروج یمانی، خروج سفیانی، بانگ آسمانی، قتل نفس زکیه و خسف سرزمین بیداء. (۲)

۲. مرحوم کلینی نیز همین مضمون را از امام صادق علیه السلام روایت کرده

ص: ۶۹

---

۱- [۶] - چاپ بیروت، دار الهادی، ۱۴۲۱ق. ۵۴۱ صفحه وزیری.

۲- [۱] - شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۰، باب ۵۷، ح ۷.



است. (۱)

۳. نعمانی نیز روایت دیگری به همین مضمون از آن حضرت روایت نموده است. (۲)

۴. شیخ طوسی نیز همان مضمون را از آن حضرت روایت کرده است. (۳)

در این احادیث چهارگانه روی پنج عنوان یاد شده تأکید شده، ولی در احادیث دیگر نشانه های دیگری نیز به عنوان نشانه ی ظهور مطرح شده، که از آن جمله است:

(۱) خروج خراسانی. (۴)

(۲) خروج مروانی. (۵)

(۳) خروج شعیب بن صالح. (۶)

(۴) ظهور دستی در آسمان و اشاره اش به سوی آن حضرت. (۷)

(۵) خورشید گرفتگی در نیمه های ماه رمضان. (۸)

با احتساب این ها تعداد نشانه ها به ده مورد می رسد که فقط پنج مورد اولی از نشانه های حتمی است، که در درس های بعدی از آنها به تفصیل سخن خواهیم گفت.

ص: ۷۰

---

۱- [۲] - کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۱۰، ح ۴۸۳.

۲- [۳] - نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۲، ح ۶.

۳- [۴] - شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۳۶، ح ۴۲۷.

۴- [۵] - نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۹، ح ۶.

۵- [۶] - طبری، دلائل الامامه، ص ۴۸۷.

۶- [۱] - همان.

۷- [۲] - همان.

۸- [۳] - نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۲، ح ۴۷.

برای تحقیق بیشتر:

۱. العَدَّ التنازلی فی علائم ظهور المهدی، تألیف: عباس تبریزیان.

۲. کتاب الفتن ، تألیف: نعیم بن حمّاد مروزی.

۳. معجم الملاحم و الفتن تألیف: سید محمود دهرخی.

۴. در آستانه ی ظهور تألیف: علی اکبر مهدی پور.

ص: ۷۱

اشاره

از نظر تسلسل زمانی اولین نشانه از نشانه های حتمی که پیش از ظهور به طور قطع و یقین رخ خواهد داد، خروج سفیانی است.

خروج سفیانی در روایات اسلامی بسیار دقیق، روشن و شفاف بیان شده و هرگز قابل انطباق با شخص دیگری نمی باشد.

این حدیث شریف با سند صحیح از امام رضا علیه السلام رسیده است که فرمود:

إِنَّ أَمْرَ الْقَائِمِ حَتْمٌ مِنَ اللَّهِ، وَأَمْرُ السُّفْيَانِيِّ حَتْمٌ مِنَ اللَّهِ وَلَا يَكُونُ قَائِمٌ إِلَّا بِالسُّفْيَانِيِّ؛

قیام قائم علیه السلام از سوی خداوند قطعی است، خروج سفیانی نیز از سوی خداوند حتمی است، هرگز قیام کننده ای نخواهد بود جز همراه با سفیانی. (۱)

در حدیث دیگری که با سند صحیح از امام باقر علیه السلام روایت شده، آمده است:

إِنَّ خُرُوجَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ

خروج سفیانی از امور حتمی می باشد. (۲)

ص: ۷۲

۱- [۱] - حمیری، قرب الإسناد، ص ۳۷۴، ح ۱۳۲۹.

۲- [۲] - شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۲، ب ۵۷، ح ۱۴

در حدیث دیگری که با سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت شده،

آورده است:

السُّفْيَانِيُّ مِنَ الْمُخْتَوْمِ وَخُرُوجُهُ فِي رَجَبٍ

خروج سفیانی از نشانه های حتمی است و خروج او در ماه رجب می باشد. (۱)

### نام سفیانی

مشهور آن است که نام او «عثمان» و نام پدرش «عنبسه» می باشد. (۲)

در مورد نام او نقل های دیگری نیز هست، که از آن جمله است:

(۱) عثمان بن عیینه (۳)

(۲) حرب بن عنبسه (۴)

(۳) عنبسه بن مرّه (۵)

(۴) عنبسه بن هند (۶)

(۵) عبد الله بن یزید (۷)

(۶) عروه بن محمد (۸)

(۷) معاویه بن عتبّه (۹)

ص: ۷۳

---

۱- [۱] - نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۰، ب ۱۸، ح ۱.

۲- [۲] - قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۵۰.

۳- [۳] - طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۲.

۴- [۴] - سلمی، عقد الدرر، ص ۹۱.

۵- [۵] - سید ابن طاووس، التشریف بالمنن، ص ۲۶۹ ب ۷۹، ح ۴۱۷.

۶- [۶] - ابن المنادی، الملاحم، ص ۷۷.

۷- [۷] - نعیم بن حمّاد، الفتن، ص ۲۲۱، ب ۲۹، ح ۸۱۴.

- ٨- [٨] - مقدسى، فرائد فوائد الفكر، ص ٣٠٥.
- ٩- [٩] - سفاريني، لوائح الأنوار البهية، ج ٢، ص ٧٥.

## القاب سفیانی

مشهورترین لقب او سفیانی است.

او را از آن جهت سفیانی می نامند که از تبار ابو سفیان می باشد.

از دیگر القابش «صخری» منسوب به صخر پدر ابوسفیان (۱).

مولای متقیان از او به عنوان: «ضلیل» یعنی: بسیار گمراه (۲) تعبیر فرموده است. (۳)

برخی از شارحان نهج البلاغه آن را اشاره به سفیانی دانسته اند. (۴)

برخی دیگر به «عبدالملک بن مروان» تفسیر کرده (۵) و برخی آن را اعم دانسته اند. (۶)

## نسبت سفیانی

در قرآن کریم از بنی امیه «الشَّجَرَةُ الْمَلْعُونَةُ» تعبیر شده (۷) و بسیاری از مفسران بر اساس روایات وارده گفته اند که منظور از شجره ی ملعونه بنی امیه می باشند. (۸)

در برخی از روایات آمده است که نسب او از طرف پدر به بنی امیه و از طرف مادر به قبیله ی کلب می رسد، چنان که امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید:

ص: ۷۴

۱- [۱] - نعیم بن حمّاد، الفتن، ص ۲۷۶، باب ۴۵، ح ۱۰۲۸.

۲- [۲] - ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۸۱.

۳- [۳] - سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ی ۱۰۱.

۴- [۴] - بحرانی، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۱۱.

۵- [۵] - ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۹۹.

۶- [۶] - مغنّیه، فی ظلال نهج البلاغه، ج ۲، ص ۹۴.

۷- [۷] - سوره ی اسراء، آیه ی ۶۰.

۸- [۸] - قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۰، ص ۲۸۳؛ بحرانی، البرهان، ج ۶، ص ۱۰۴.

هُوَ مِنْ بَنِي أُمِّيَّةَ وَ أَسْوَالَهُ كَلْبٌ؛

او از تبار بنی امیه است و دایی هایش از قبیله ی کلب می باشند. (۱)

در احادیث فراوان تأکید شده که وی از تبار ابو سفیان می باشد. (۲)

در مورد این که از نسل کدامین فرزند ابوسفیان است، به اختلاف نقل شده، ولی بدون تردید از بطن هند جگر خواره است، که در احادیث فراوان از او به عنوان «ابن آکله الاکباد» یاد شده است. (۳)

امام صادق علیه السلام در این رابطه می فرماید:

ما و آل ابوسفیان برای خدا با یکدیگر دشمنی ورزیدیم، ما گفتیم: خداوند راست فرموده، آنها گفتند: دروغ گفته است. از این رو ابوسفیان با پیامبر، معاویه با علی بن ابی طالب و یزید با حسین بن علی جنگید و سفیانی با قائم ما می جنگد. (۴)

### اوصاف جسمی و روحی او

با سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

إِنَّكَ لَوْ رَأَيْتَ السُّفْيَانِيَّ لَرَأَيْتَ أَحَبَّ النَّاسِ، أَشَقَّرَ، أَحْمَرَ، أَزْرَقَ؛

اگر سفیانی را ببینی، پلیدترین انسان ها را دیده ای، او بور، سرخ روی و زاغ چشم است. (۵)

مولای متقیان در این رابطه می فرماید:

ص: ۷۵

۱- [۹] - سید ابن طاووس، التشریف بالمنن، ص ۲۹۶، ب ۷۹.

۲- [۱] - شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۱، ح ۹.

۳- [۲] - سلمی، عقد الدرر، ص ۵۴؛ نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۶.

۴- [۳] - شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص ۳۴۶.

۵- [۴] - همو، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۱، ب ۵۷، ح ۱۰.

يَخْرُجُ ابْنُ آكِلِهِ الْأَكْبَادِ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ، وَهُوَ رَجُلٌ رَبْعَةٌ، وَحَشُّ الْوَجْهِ، ضَخْمُ الْهَامَةِ، بَوَّجْهِه أَثَرُ الْحُدْرِيِّ، إِذَا رَأَيْتَهُ حَسِبْتَهُ  
أَعْوَرَ.

پسر هند جگر خواره از وادی یابس خروج می کند، او مردی میان بالا، کریه

المنظر، سر ستبر و آبله روی می باشد. چون او را بینی او را یک چشم می پنداری. (۱)

و در حدیث دیگری فرمود:

سفیانی از تبار خالد بن یزید بن ابوسفیان است، او مردی سر ستبر و آبله روی است و در چشمش نقطه ی سفیدی است. (۲)

و در حدیث دیگری فرمود:

او در میان مخلوقات از همه شرورتر، از همه ملعون تر و از همه ستمکارتر است. (۳)

با سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

وَقَدْ بَلَغَ مِنْ خُبَيْتِهِ أَنَّهُ يَدْفُنُ أُمَّ وَوَلَدَ لَهُ وَهِيَ حَيَّةٌ، مَخَافَةَ أَنْ تَدُلَّ عَلَيْهِ؛

خباثت او به حدی رسیده که مادرِ فرزندش را زنده بگور می کند، از ترس این که جایگاهش را نشان دهد. (۴)

### کارنامه ی سیاه سفیانی

رسول اکرم صلی الله علیه و آله پیرامون اعمال وحشیانه سفیانی می فرماید:

يَخْرُجُ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ «السُّفْيَانِيُّ» فِي عُمُقِ دِمَشْقٍ، وَ عَامَّهُ مَنْ يَتَّبَعُهُ مِنْ

ص: ۷۶

۱- [۱] - طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۲، ب ۴، ف ۱.

۲- [۲] - متقی هندی، البرهان، ص ۱۱۳؛ همو، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۲۸۴.

۳- [۳] - سید ابن طاووس، التشریف بالمنن، ص ۲۹۶، ب ۷۹، ح ۴۱۷.

۴- [۴] - شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۱.



كَلْبٍ. فَيَقْتُلُ حَتَّى يَبْقَرَ بَطُونَ النِّسَاءِ وَ يَقْتُلُ الصَّبِيَانَ.

مردی از اعماق دمشق خروج می کند که به او سفیانی گویند. همه ی پیروانش از تیره ی کلب هستند. آن قدر کشتار می کند که حتی شکم زنان را می شکافد و کودکان را از دم تیغ می گذراند. (۱)

حاکم نیشابوری پس از نقل این حدیث گفته است:

این حدیث بر اساس معیارهای بخاری و مسلم صحیح می باشد. (۲)

مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام در شمار جنایات سفیانی، از جوشاندن کودکان در دیگ و از انجام اعمال منافی عفت در اماکن عمومی خبر می دهد. (۳)

آن گاه از پناهنده شدن گروهی از اولاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به بلاد روم خبر می دهد، که سفیانی آنها را از پادشاه روم پس می گیرد و گردن می زند. (۴)

در برخی از احادیث عامه، از کشته شدن ۷۰۰۰۰ نفر در عین التمر (۵) و از تعدی به حریم ۳۰۰۰۰ نفر در کوفه سخن گفته است. (۶)

مولای متقیان در فرازی از یک حدیث طولانی، در ضمن برشمردن جنایات او می فرماید:

ارکان اسلام را منهدم می سازد، مساجد را ویران می کند، محرمات را مباح می نماید، به نوازندگی فرمان می دهد، کارهای ناشایست را رواج می دهد، از

ص: ۷۷

۱- [۵] - سیوطی، الدر المنثور، ج ۵، ص ۲۴۱؛ همو، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۱.

۲- [۱] - حاکم، المستدرک للصحیحین، ج ۴، ص ۵۲۰.

۳- [۲] - سلمی، عقد الدرر، ص ۹۳.

۴- [۳] - مقدسی، فرائد فوائد الفکر، ص ۳۲۰.

۵- [۴] - عین التمر نام شهری در نزدیکی انبار، در غرب کوفه است. [ یاقوت، معجم البلدان، ج ۳، ص ۷۵۹ ]

۶- [۵] - مقدسی، همان، ص ۳۱۰، سلمی، عقد الدرر، ص ۷۷.

انجام فرایض جلوگیری می کند، از جور و ستم دریغ نمی کند.

هر کس که نامش: محمد، علی، جعفر، حمزه، حسن، حسین، فاطمه، زینب، امّ کلثوم، خدیجه، و عاتکه باشد، از باب دشمنی با خاندان رسالت از دم شمشیر می گذرانند.<sup>(۱)</sup>

در حدیث دیگری از کشته شدن ۷۰۰۰۰ نفر در بغداد و شکافتن شکم ۳۰۰

زن در آنجا سخن فرموده است.<sup>(۲)</sup>

## دو نکته ی مهم

۱. با دقت در احادیث یاد شده، هر شخص منصفی به این نتیجه می رسد که سفیانی یک فرد است، نه یک جریان.

۲. سفیانی از تبار ابوسفیان است.

برای تحقیق بیشتر:

۱. سفیانی از ظهور تا افول، تألیف نصرت الله آیتی

۲. السّفیانی حتم مرّ، تألیف سید جلال موسوی

۳. السّفیانی و علامات الظهور، تألیف محمد فقیه

۴. سفیانی و نشانه های ظهور، ترجمه ی کتاب یاد شده

۵. الفتن، تألیف نعیم بن حمّاد مروزی

ص: ۷۸

---

۱- [۶] - مقدسی، همان، ص ۳۲۰.

۲- [۱] - سلمی، عقد الدّرر، ص ۹۲.

### اشاره

دومین نشانه از نشانه های حتمی، که به طور قطع و یقین پیش از ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداه رخ می دهد، خروج یمانی از صنعاء (پایتخت یمن) می باشد.

شیخ صدوق با سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

پیش از قیام قائم پنج نشانه ی حتمی هست، که عبارت است از:

۱. یمانی؛ ۲. سفیانی؛ ۳. بانگ آسمانی؛ ۴. قتل نفس زکیه؛ ۵. خسف سرزمین بیداء. (۱)

مرحوم کلینی نیز نظیر آن را با سند صحیح از آن حضرت روایت کرده است. (۲)

### محل خروج یمانی

بدون تردید خروج یمانی از یمن و از صنعای یمن است، چنان که فضل بن شاذان با سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

ص: ۷۹

---

۱- [۱] - شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲ ص ۶۵۰، ب ۵۷، ج ۷.

۲- [۲] - کلینی، الکافی، ج ۸ ص ۲۵۸، ح ۴۸۳.

خروج سفیانی از شام و خروج یمانی از یمن. (۱)

مروزی با سلسله اسنادش از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود:

ثُمَّ يَسِيرُ إِلَيْهِمْ مَنْصُورًا الْيَمَانِي مِنْ صَنْعَاءَ بِجُنُودِهِ، وَ لَهُ قَوْرَةٌ شَدِيدَةٌ؛

سپس یمانی پیروز از صنعاء با لشکریانش به سوی آنها عزیمت می کند و برای او جوش و خروش بسیار تندی خواهد بود. (۲)

## زمان خروج یمانی

خروج یمانی بدون تردید در آستانه ی ظهور و یکی از نشانه های حتمی ظهور است و به طوری که در روایات فراوان تصریح شده، مقارن با خروج سفیانی می باشد.

در فرازی از یک حدیث طولانی که با سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت شده آمده است:

قَدْ يَكُونُ خُرُوجُهُ وَ خُرُوجُ الْيَمَانِي مِنَ الْيَمَنِ مَعَ الزَّيَاتِ الْبَيْضِ، فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ، وَ شَهْرٍ وَاحِدٍ، وَ سَنَةٍ وَاحِدَةٍ؛

خروج سفیانی با خروج یمانی از یمن با پرچم های سفید، در یک روز، در یک ماه و در یک سال رخ می دهد. (۳)

امام صادق علیه السلام در حدیث دیگری فرمود:

الْيَمَانِي وَالسُّفْيَانِي كَفَرَسَيِّ رِهَانٍ؛

ص: ۸۰

۱- [۳] - میرلوحی، کفایه المهدی، ص ۲۸۰، ح ۳۹.

۲- [۱] - نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۳۱، ح ۸۵۵.

۳- [۲] - میرلوحی، کفایه المهدی، ص ۲۶۲.

یمانی و سفیانی همانند دو اسب مسابقه همزمان، پشت سر یک دیگر فرامی‌رسند. (۱)

در محضر امام صادق علیه السلام از سفیانی سخن به میان آمد، حضرت فرمود:

أَنْتَى يَكُونُ ذَلِكَ؟ وَ لَمَّا يَخْرُجُ كَأَسْرُ عَيْنَيْهِ بِصَنْعَاءَ؛

چگونه ممکن است او خروج کرده باشد، در حالی که هنوز در هم کوبنده‌ی دیدگانش از صنعاء خروج نکرده است. (۲)

در همه‌ی احادیث یاد شده به صراحت از همزمانی خروج سفیانی با یمانی سخن رفته است.

از آن جمله، حدیثی است که مولای متقیان علیه السلام فرمود است:

إِذْ أَقْبَلْتُ خَيْلَ الْيَمَانِيِّ وَالْخُرَّاسَانِيِّ يَسْتَبِقَانِ كَأَنَّهُمُ فَرَسِي رِهَانٍ؛

ناگهان سپاه یمانی و سپاه خراسانی همانند دو اسب مسابقه به دنبال یکدیگر پدیدار شوند. (۳)

### پرچم یمانی

فضل بن شاذان با سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

خُرُوجُ الثَّلَاثَةِ: الْخُرَّاسَانِيُّ وَالسُّفْيَانِيُّ وَالْيَمَانِيُّ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ، فِي شَهْرٍ وَاحِدٍ، فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ.

فَلَيْسَ فِيهَا رَايَةٌ بِأَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِيِّ، تَهْدِي إِلَى الْحَقِّ؛

ص: ۸۱

۱- [۳] - شیخ طوسی، الأمالی، ص ۶۶۱، م ۳۵، ح ۲۰.

۲- [۱] - نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۷، ب ۱۴، ح ۶۰.

۳- [۲] - علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۴، ح ۱۶۷.

خروج سه تن: ۱. خراسانی؛ ۲. سفیانی؛ ۳. یمانی، در یک سال، در یک ماه و در یک روز می باشد.

در این میان پرچمی هدایت یافته تر از پرچم یمانی نیست، که به سوی حق رهنمون می شود. (۱)

در میان سه پرچم یمانی، سفیانی و خراسانی، پرچم سفیانی پرچم ضلالت و ضد ارزش است، در نتیجه مقایسه بین یمانی و خراسانی می باشد و تصریح بر این که پرچم یمانی هدایت یافته تر است، نوعی تعریض بر خراسانی است.

امام باقر علیه السلام در این رابطه می فرماید:

خُرُوجُ السُّفْيَانِي وَ الْيَمَانِي وَ الْخُرَّاسَانِي، فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ، فِي شَهْرٍ وَاحِدٍ، فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ، نِظَامٌ كَنِظَامِ الْخَزْرَجِ، يَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا؛

خروج سفیانی، یمانی و خراسانی، در یک سال، در یک ماه و در یک روز، همانند دانه های تسیح پشت سر یکدیگر قرار می گیرد.

و در پایان فرمود:

وَ لَيْسَ فِي الزَّيَاتِ رَايَةٌ أَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِي، هِيَ رَايَةٌ هُدًى، لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى صَاحِبِكُمْ؛

در میان این پرچم ها، پرچمی هدایت یافته از پرچم یمانی نیست، که آن پرچم هدایت است، زیرا به سوی صاحب شما فرا می خواند. (۲)

در عصر امام صادق علیه السلام که اواخر حکومت بنی امیه و آغاز فتنه های بنی العباس بود، برخی از شیعیان روایات یمانی را به ابومسلم خراسانی تطبیق

ص: ۸۲

۱- [۳] - خاتون آبادی، کشف الحق، ص ۱۶۹.

۲- [۱] - نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۵، ب ۱۴، ح ۱۳.

کردند و در محضر امام صادق علیه السلام عرضه داشتند که امیدواریم او همان یمانی باشد، امام علیه السلام فرمود:

لَا، الْيَمَانِيُّ يُوَالِي عَلِيًّا وَ هَذَا يَبْرَأُ مِنْهُ؛

نه، هرگز، زیرا یمانی از علی علیه السلام پیروی می کند، در حالی که او بیزاری می جوید. (۱)

### تقارن یمانی با سید حسنی

در احادیث فراوان از تقارن قیام یمانی با جنبش سید حسنی سخن رفته، از جمله در حدیثی که کلینی آن را با سند صحیح روایت کرده، از امام صادق علیه السلام سؤل می شود: فرج شیعیان شما کی می باشد؟ می فرماید:

إِذَا اِخْتَلَمَفَ وَلَمَدُ الْعَبَّاسِ وَ وَهِيَ سُلْطَانُهُمْ وَ طَمَعَ فِيهِمْ مَنْ لَمْ يَكُنْ يَطْمَعُ فِيهِمْ، وَ خَلَعَتِ الْعَرَبُ اَعْتَتَهَا، رَفَعَ كُلُّ ذِي صَيْصِيَّةٍ صَيْصِيَّتَهُ وَ ظَهَرَ الشَّامِيُّ وَ اَقْبَلَ الْيَمَانِيُّ وَ تَحَرَّكَ الْحَسَنِيُّ وَ خَرَجَ صَاحِبُ هَذَا الْاَمْرِ مِنَ الْمَدِينَةِ اِلَى مَكَّةَ بِتَرَاثِ رَسُولِ اللّٰهِ؛

هنگامی که فرزندان عباس دچار اختلاف شوند و قدرتشان ضعیف شود و طمع کند در آنها افرادی که طمع نمی کردند، هر صاحب سلاحی، اسلحه اش را بر می دارد، شامی (سفیانی) پدیدار گردد، یمانی روی آورد، حسنی به حرکت در آید و صاحب این امر با موارث رسول اکرم صلی الله علیه و آله از مدینه به سوی مکه عزیمت نماید. (۲)

ص: ۸۳

۱- [۲] - شیخ طوسی، الأمالی، ص ۶۶۱، م ۳۵، ح ۱۹.

۲- [۱] - کلینی، الکافی، ج ۸، ۱۸۹، ح ۱۱.

در این حدیث از تقارن قیام یمانی با خروج سفیانی و سید حسنی سخن رفته است. این حدیث صریح است در این که دولت بنی العباس تا آستانه ی ظهور ادامه می یابد.

حسین بن جهم می گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: این ها می گویند: سفیانی هنگامی خروج می کند که دولت بنی عباس منقرض شده باشد، فرمود:

دروغ می گویند، سفیانی در حالی خروج می کند که دولت آنها پا بر جا باشد. (۱)

با توجه به احادیث یاد شده و منقرض شدن حکومت بنی العباس به سال ۶۵۶ ق. برخی از تحلیل گران معتقد هستند که پیش از هنگامه ی ظهور، دولتی بر سر کار خواهد بود که بنیانگذار آن از تبار بنی عباس و یا بر شیوه ی حکومتی آنان خواهد بود. مستند این حدیثی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می باشد که فرمود:

حکومت بنی عباس بر پایه های مکر و حيله استوار است، از بین می رود، به طوری که گویی هرگز چنین دولتی در روی زمین نبوده است، سپس از نو تأسیس می شود، گویی هیچ حادثه ای پیش نیامده بود. (۲)

بر اساس روایات فراوان حکومت عباسیان تا آستانه ی ظهور ادامه دارد و هلاکت آنها به وسیله ی یمانی و سفیانی، یا خراسانی و یمانی خواهد بود. (۳)

ص: ۸۴

---

۱- [۲] - نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۳، ب ۱۸، ح ۱۱.

۲- [۱] - همان، ص ۲۵۶، ب ۱۴، ح ۱۳.

۳- [۲] - همان، ص ۲۵۹، ح ۱۸.



## کارکرد یمانی

در احادیث فراوان از پیکار سخت و طاقت فرسای یمانی با سپاه سفیانی بحث و از نبرد جانکاه او در نقاط مختلف عراق گفت و گو شده است. آنگاه از درگیری وی با سپاه قریش در بیت المقدس سخن رفته است (۱). در عکا نیز حوادث شگفتی رخ می دهد (۲) همانند دو اسب مسابقه سپاه سفیانی را دنبال می کند (۳) همه ی آنها را تار و مار می کند، حتی گزارشگری از آنها باقی

نمی گذارد. (۴)

## لزوم همیاری با سپاه یمانی

همانطور که گفته شد در احادیث فراوان از سپاه یمانی ستایش شده و از پرچم یمانی به عنوان پرچم هدایت سخن رفته است.

امام باقر علیه السلام در یک حدیث بسیار طولانی می فرماید:

چون یمانی خروج کند، فروختن اسلحه بر دیگران، حتی بر دیگر مسلمانان حرام می شود، چون یمانی خروج کند به سویش بشتاب، زیرا پرچم او پرچم هدایت است. بر هیچ مسلمانی جایز نیست که با وی درگیر شود، هر کس این کار را انجام دهد از اهل دوزخ خواهد بود، زیرا او در راه راست است و به سوی حق فرا می خواند. (۵)

ص: ۸۵

---

۱- [۳] - نعیم بن حماد، الفتن، ص ۳۰۰، ۱۱۵۱.

۲- [۴] - همان، ح ۱۱۵۰.

۳- [۵] - نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۵، ب ۱۸، ح ۱۵.

۴- [۱] - طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۶۲۲، ذیل آیه ی ۵۱، از سوره سبأ.

۵- [۲] - نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۶، ب ۱۴، ح ۱۳.

با سند صحیح از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمود: سفیانی و پسرش به دست یمانی کشته می شوند. (۱)

## شناسنامه ی یمانی

چنان که قبلاً اشاره کردیم، در مورد نام، لقب، کینه، حسب و نسب یمانی هیچ مستند معتبری در دست نیست و این یکی از عنایات حضرت احدیت است که معصومین علیهم السلام در این رابطه مطلبی نفرموده اند، تا راه برای مدعیان دروغین باز نشود.

تنها مطلبی که در مورد نسب خروج کننده ای از یمن در روایات آمده،

فرازی از حدیثی از امام صادق علیه السلام می باشد که می فرماید:

خُرُوجِ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ عَمِّ زَيْدٍ بِالْيَمَنِ وَ انْتِهَابِ سِتَارَةِ الْبَيْتِ؛

از نشانه های ظهور خروج مردی از تبار عمویم زید در یمن و به یغما رفتن پرده ی کعبه می باشد. (۲)

اگر منظور از این خروج کننده همان یمانی موعود باشد، حدیث صریح است که او از تبار زید شهید می باشد.

در مورد نام و لقب او نیز هیچ سرنخی از روایات معصومین به دست ما نرسیده، جز پیشگویی «سطیح کاهن» که برای «ذی یزن» پادشاه یمن می گوید:

آن گاه پادشاهی از یمن، از صنعاء و عدن پدیدار شود که چون پنبه سفید باشد، نامش حسن یا حسین می باشد.

با خروج او امواج فتنه ها درهم می شکنند، آنگاه حضرت مهدی، آن هادی

ص: ۸۶

۱- [۳] - میرلوحی، کفایه المهدی، ص ۲۶۲.

۲- [۱] - سید ابن طاووس، فلاح السائل، ص ۱۷۱.

هدایتگر، آن فرخنده ی مبارک، آن سید علوی ظاهر می شود. (۱)

در برخی از نقل ها از اُرطاه نقل شده که وی «أَمِيرُ الْعُصْب» می باشد. (۲)

کعب الاحبار نیز از او به عنوان: «أَمِيرُ الْعُصْب» تعبیر نموده است. (۳)

با توجه به واژه ی «عُصْب» که به معنای یمنی ها می باشد. (۴) معنای امیرالعصب «فرمانده سپاه یمنی ها» خواهد بود.

در احادیث فراوان از سپاه یمنی ستایش شده و در حدیثی آمده است:

اهالی یمن از او (یمانی) اطاعت می کنند، سپاهیان از یمن پیشاپیش او حرکت

می کنند، آنها تکسواران همدان و خولان هستند. (۵)

تذکر لازم

علیرغم امتناع معصومین علیهم السلام از بیان شاخصه های یمنی، تعدادی از شیادان در زمان ما بدون هیچ دلیلی ادعای یمنی بودن کرده اند، که از آن جمله است:

۱. ضیاء عبد الزهراء قرعاوی، یک افسر بعثی و مأمور اطلاعاتی صدام، که گروهی را به نام: «جند السماء» تشکیل داده، روز تاسوعای ۱۴۲۸ ق. برابر ۹/۱۱/۸۵ ش. (۲۸/۱/۲۰۰۷ م) به سوی نجف اشرف تهاجم نموده، در منطقه ی «الزرقه» در حوالی نجف اشرف توسط نیروی انتظامی عراق تارومار شدند.

۲. احمد اسماعیل کویطع، متولد ۱۹۶۸ م. در روستای همبوشی، در منطقه ی هویر از توابع بصره، فارغ التحصیل دانشکده ی مهندسی بصره، که خود را

ص: ۸۷

---

۱- [۲] - بررسی، مشارق انوار الیقین، ص ۲۴۷.

۲- [۳] - نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۴۰۱، ح ۱۲۰۸.

۳- [۴] - همان.

۴- [۵] - سید ابن طاووس، التشریف بالمنن، ص ۷۷، ب ۲۰، ح ۲۲.

۵- [۱] - همان، ص ۲۹۵، ب ۷۹، ح ۴۱۷.

فرزند امام زمان، وصی حضرت مهدی، نخستین مهدی پس از حضرت مهدی و یمانی دانسته و به خود عنوان: «احمد حسن یمانی» لقب داده است.

او در سال ۱۴۲۴ ق. ادعای یمانی بودن کرده، گروهی را به نام «انصار المهدی» تأسیس کرد، روز عاشورای ۱۴۲۹ ق. برابر ۲۹/۱۰/۸۶ ش. (۱۹/۱/۲۰۰۸ م) در بصره و ناصریه به پادگان‌ها حمله کردند، در حدود ۷۰ نفر در بصره و در حدود ۶۰ نفر در ناصریه از پیروانش کشته شده، بیش از ۵۰۰ نفر نیز دستگیر شدند.

۳. حیدر مشتت منشاوی، که در سال ۱۴۲۴ ق با احمد اسماعیل همراه بود، سپس از او جدا شده در عماره مرکزی تأسیس کرد، مجله‌ای به نام «القائم» منتشر نموده و خود را به «قحطانی» ملقب ساخت.

پس از جدا شدن از کویطع به شدت همدیگر را تکفیر و تفسیق نمودند تا سرانجام ترور شد.

برای تحقیق بیشتر:

۱. در آستانه‌ی ظهور، تألیف علی اکبر مهدی پور

۲. دجال البصره، تألیف علی کورانی

۳. فصلنامه‌ی انتظار، شماره‌ی ۳۴، ص ۱۷۵ - ۲۰۹.

ص: ۸۸

اشاره

سومین نشانه از نشانه های حتمی بانگ آسمانی است، که در شب ظهور حضرت رخ می دهد.

گذشته از روایات صحیح و صریح پیرامون علایم حتمی، در مورد حتمی بودن بانگ آسمانی از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

النِّدَاءُ مِنَ الْمُحْتَمِمْ؛

بانگ آسمانی از نشانه های حتمی است. (۱)

و در حدیث دیگری فرمود:

اِخْتِلَافُ بَنِي الْعَبَّاسِ مِنَ الْمُحْتَمِمْ وَ النِّدَاءُ مِنَ الْمُحْتَمِمْ؛

اختلاف بنی عباس از امور حتمی و ندای آسمانی از نشانه های حتمی است. (۲)

واژگان

در لسان احادیث از بانگ آسمانی با واژگانی چون: «نداء»، «صوت» و

ص: ۸۹

---

۱- [۱] - نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۲، ب ۱۴، ج ۱۱.

۲- [۲] - کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۵۸، ح ۴۸۴.

## بانگ آسمانی در لسان وحی

برخی از آیات نورانی قرآن کریم در لسان روایات به بانگ آسمانی تفسیر شده است که از آن جمله است:

۱. «وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمَ الْخُرُوجِ»؛

هنگامی که منادی از جایگاه نزدیکی ندا سر می دهد، گوش فراده. هنگامی که آن بانگ را به حق می شنوند، آن روز، روز خروج است. (۱)

در تفسیر این آیه ی شریفه آمده است که:

منادی قائم علیه السلام را با نام خود و نام پدرش ندا می کند. (۲)

و در تفسیر آیه ی دوم آمده است:

منظور از صیحه بانگ آسمانی مربوط به قائم علیه السلام است. (۳)

قندوزی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

در آن روز منادی با نام و نام پدر قائم علیه السلام ندا سر می دهد و منظور از صیحه نیز بانگ آسمانی است و منظور از روز خروج؛ روز خروج قائم علیه السلام می باشد. (۴)

ص: ۹۰

---

۱- [۱] - سوره ق، آیه ی ۴۱ و ۴۲.

۲- [۲] - علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲ ص ۳۲۷؛ فیض کاشانی، الصّافی، ج ۶، ص ۵۴۳.

۳- [۳] - بحرانی، البرهان، ج ۹، ص ۲۰۴؛ همو، المحجّه فیما نزل فی القائم الحجّه، ص ۲۰۹.

۴- [۴] - قندوزی، ینابیع الموده، ج ۳، ص ۲۵۱، ب ۷۱، ح ۵۰.

آن گاه از امام رضا علیه السلام روایت کرده که فرمود:

منظور از یوم الخروج، روز خروج فرزندان مهدی قائم علیه السلام می باشد. (۱)

۲. «إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ»؛

اگر بخواهیم از آسمان برای آنها نشانه ای نازل می کنیم که گردن هایشان در برابر آن منقاد می شود. (۲)

مولای متقیان در تفسیر این آیه فرمود:

هِيَ آيَةٌ تُخْرِجُ الْفِتَاةَ مِنْ خُدْرِهِنَّ، وَ تُوقِظُ النَّائِمَ، وَ تُفْرِغُ الْيَقْظَانَ؛

آن نشانه ای است که دوشیزگان را از سرا پرده ها بیرون می کند، خفتگان را بیدار می نماید و بیداران را به وحشت می اندازد. (۳)

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

این آیه پیرامون قائم آل محمد، صلوات الله عليهم، نازل شده، که به نام او از آسمان ندا می شنوند. (۴)

### محتوای بانگ آسمانی

در احادیث فراوان از محتوای بانگ آسمانی سخن رفته، از جمله آمده است که:

۱. منادی آسمانی همگان را به سوی آن حضرت فرا می خواند و ندا سر می دهد:

ص: ۹۱

---

۱- [۵] - همان، ۲۹۷، ب ۷۸، ح ۸.

۲- [۱] - سوره ی شعراء، آیه ی ۴.

۳- [۲] - نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۱، ب ۱۴، ح ۸.

۴- [۳] - شیخ حر عاملی، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۶۳، ب ۳۲، ح ۶۴۲.

أَلَا إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ، فَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَ فِيهِ؛

آگاه باشید که حجت خدا کنار خانه ی خدا ظهور کرده، از او پیروی کنید که حق با اوست. (۱)

همین بیان در منابع اهل سنت نیز از امام رضا علیه السلام رسیده است. (۲)

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

چون هنگامه ی ظهور قائم علیه السلام فرا رسد، منادی از آسمان بانگ بر آورد:

أَيُّهَا النَّاسُ! قُطِعَ عَنْكُمْ مَدَّةُ الْجَبَّارِينَ، وَ وَلِيَ الْأَمْرَ خَيْرٌ أُمَّهُ مُحَمَّدٌ، فَالْحَقُّوا بِمَكَّةَ؛

هان ای مردمان! روزگار جباران سپری شد و بهترین فرد امت پیامبر صلی الله علیه و آله زمام امور را به دست گرفت، پس خود را به مکه برسانید. (۳)

۳. امام صادق علیه السلام فرمود: منادی از آسمان ندا سر می دهد:

إِنَّ فُلَانًا هُوَ الْأَمِيرُ؛

فلانی امیر است.

آنگاه منادی دیگر بانگ بر آورد:

إِنَّ عَلِيًّا وَ شِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ؛

به راستی علی و شیعیان او رستگارانند. (۴)

ص: ۹۲

۱- [۴] - همان، طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۴۱؛ حزاز، کفایه الأثر، ص ۲۷۱..

۲- [۱] - جوینی، فرائد السمطی، ج ۲، ص ۳۳۷؛ قندوزی، ینایع الموده، ج ۳، ص ۲۹۷.

۳- [۲] - شیخ مفید، الإختصاص، ص ۲۶۴.

۴- [۳] - نعمانی، الغیبه، ص ۲۶۴.



۴. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: فرشته ای از بالای سرش بانگ بر می آورد که:

إِنَّ هَذَا مَهْدِيٌّ فَاتَّبِعُوهُ؛

این به راستی مهدی است، از او پیروی کنید. (۱)

۵. امام صادق علیه السلام فرمود: منادی آسمانی در اول روز بانگ بر آورد:

أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي عَلِيٍّ وَشِيعَتِهِ؛

آگاه باشید که حق با علی و شیعیان اوست. (۲)

۶. از مولای متقیان روایت شده که هنگامی که منادی از آسمان بانگ بر آورد:

إِنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ؛

حق با آل محمد علیهم السلام می باشد،

نام حضرت مهدی بر سر زبان ها می افتد، مهر او با دل ها عجین می شود، دیگر نام احدی بر سر زبان ها نباشد. (۳)

۷. امام باقر علیه السلام فرمود: منادی ندا می کند:

إِنَّ الْمَهْدِيَّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَلَانُ بْنُ فُلَانٍ؛

مهدی آل محمد فلانی پسر فلانی است. (۴)

پس او را با نام خود و نام پدرش نام می برد.

۸. مروزی با سلسله اسنادش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که در محرم سال

ص: ۹۳

---

۱- [۴] - متقی هندی، البرهان، ص ۷۲.

۲- [۵] - شیخ صدوق، کمال الدین، ح ۲، ص ۶۵۲.

۳- [۱] - ابن المنادی، الملاحم، ص ۱۹۶، ح ۱۴۳؛ متقی هندی، البرهان، ص ۷۳.

۴- [۲] - نعمانی، الغیبه، ص ۲۶۴، ح ۲۷.

ظهور منادی از آسمان ندا سر می دهد که:

أَلَا إِنَّ صَفْوَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ فُلَانٌ، فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا؛

برگزیده ی خداوند از مخلوقاتش فلانی است، به فرمانش گوش فرا دهید و از او اطاعت کنید. (۱)

۹. امام رضا علیه السلام فرمود: بدنی با قرص خورشید پدیدار شده بانگ می زند:

أَلَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ فُلَانًا عَلَى هَلَاكِ الظَّالِمِينَ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَأْتِي الْمُؤْمِنِينَ الْفَرْجُ، وَ يَشْفِي اللَّهُ صُدُورَهُمْ وَ يُذْهِبُ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ؛

آگاه باشید که خداوند فلانی را برای هلاک نمودن ستمگران برانگیخت. در آن هنگام فرج مؤنان فرا می رسد، خداوند سینه های آنان را شفا می دهد و

خشم دل هایشان را می زداید. (۲)

۱۰. سیف بن عمیر گوید: در نزد منصور دوانیقی بودم، به من گفت:

ای سیف بن عمیر! به ناگزیر یک منادی خواهد بود که:

از آسمان به نام مردی از فرزندان علی بن ابی طالب ندا سر می دهد.

سپس در ادامه گفت:

ای سیف! به خدا این حق است.

چون این ندا سر داده شود، ما پیش از دیگران به آن پاسخ می دهیم، زیرا این ندا در مورد یکی از عموزادگان ماست.

سیف پرسید: آیا از تبار حضرت فاطمه است؟

ص: ۹۴

---

۱- [۳] - نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۶۶؛ متقی هندی، البرهان، ص ۷۵.

۲- [۱] - حلی، مختصر بصائر الدرجات، ص ۴۷۸، نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۱.

منصور گفت: آری.

آنگاه منصور گفت:

اگر نبود که من آن را از ابوجعفر، امام محمد باقر شنیده ام، اگر همه ی اهل زمین می گفتند، باور نمی کردم، ولی چه کنم که او امام محمّد باقر است. (۱)

## زبان بانگ آسمانی

در همایش های بین المللی سخنرانان به یکی از زبان های رایج سخن می گویند، مترجم های زیر دست، آن را همزمان به دیگر زبان های مورد نیاز مستمعان ترجمه می کنند و شرکت کنندگان از گوشی های تعیین شده با زبان مورد آشنایی خود گوش فرا می دهند.

بانگ آسمانی بدون نیاز به این ابزارها با قدرت پروردگار برای هر فردی با زبان مادری خود القاء می شود و هر کسی آن را با زبان مادری خود می شنود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

يُنَادِي مُنَادٍ بِاسْمِ الْقَائِمِ؛

منادی به نام قائم علیه السلام ندا سر می دهد.

زراره پرسید: آیا این ندا همگانی است یا اختصاصی؟ امام علیه السلام فرمود:

عَامٌّ، يَسْمَعُ كُلُّ قَوْمٍ بِلِسَانِهِمْ؛

همگانی است و هر قومی آن را به زبان خودشان می شنوند. (۲)

ص: ۹۵

---

۱- [۲] - سلمی مقدسی، عقد الدرر، ص ۱۱۰، ب ۴، ف ۳.

۲- [۱] - شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۰.

امام صادق علیه السلام به هنگام شمارش نشانه های حتمی فرمود:

يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ، يَسْمَعُهُ كُلُّ قَوْمٍ بِاللَّسِنَتِهِمْ، أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي عَلِيٍّ وَشِيعَتِهِ؛

منادی در اول روز از آسمان ندا سر می دهد که حق با علی و شیعیان اوست. این ندا را هر قومی به زبان خود شان می شنوند. (۱)

در منابع اهل سنت نیز تأکید شده که این ندا همه ی اهل زمین را فرا می گیرد و اهل هر زبانی آن را به زبان خود می شنوند. (۲)

### زمان بانگ آسمانی

از بررسی مجموع احادیث وارده استفاده می شود که در آستانه ی ظهور چندین ندای آسمانی شنیده می شود، لیکن آن بانگ آسمانی که از نشانه های حتمی ظهور است، در ماه رمضان، در شب جمعه، شب ۲۳ ماه رمضان خواهد بود.

امام باقر علیه السلام فرمود:

الصَّيْحَةُ لَا تَكُونُ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، لِأَنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ، وَالصَّيْحَةُ هِيَ صَيْحَةُ جِبْرَائِيلَ؛

بانگ آسمانی منحصرأ در ماه رمضان خواهد بود، زیرا ماه رمضان ماه خدا است و بانگ آسمانی بانگ جبرئیل امین است.

سپس فرمود:

ص: ۹۶

---

۱- [۲] - شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۳۵، ح ۴۲۵؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۷۹.

۲- [۳] - متقی هندی، البرهان، ص ۷۵، ب ۱، ح ۱۰.

يَكُونُ الصَّوْتُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فِي لَيْلِهِ جُمُعَةٍ، لَيْلَهُ ثَلَاثٌ وَعِشْرِينَ، فَلَا تَشْكُوا فِي ذَلِكَ، وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا؛

بانگ آسمانی در ماه رمضان، در شب جمعه، شب بیست و سوم خواهد بود، هرگز در آن تردید نکنید، به آن گوش فرا دهید و از آن اطاعت کنید.<sup>(۱)</sup>

فضل بن شاذان با سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي لَيْلِهِ ثَلَاثٌ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَيَقُومُ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ؛

در شب بیست و سوم ماه رمضان به نام قائم علیه السلام منادی ندا سر می دهد و در روز عاشورا قیام می کند.<sup>(۲)</sup>

از امام رضا علیه السلام نیز به همین مضمون روایت شده است.<sup>(۳)</sup>

در برخی از روایات عامه به جای شب بیست و سوم، شب نیمه ی رمضان ذکر شده است.<sup>(۴)</sup>

احتمالاً منظور از صیحه در این احادیث بانگ آسمانی نباشد، بلکه یک صدای دلخراش و وحشتناک باشد، چنان که در برخی از آنها آمده است:

در شب جمعه، شب نیمه ی رمضان، صدایی از آسمان شنیده می شود که هفتاد هزار نفر در اثر آن هلاک شده، هفتاد هزار نفر دیگر ناشوا گردند.<sup>(۵)</sup>

ص: ۹۷

---

۱- [۱] - شیخ حرّ عاملی، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۷۳۵؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۴.

۲- [۲] - خاتون آبادی، کشف الحق، ص ۱۸۷؛ میرلوحی، کفایه المهتدی، ص ۲۸۶.

۳- [۳] - شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۵۸؛ شیخ حر عاملی، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۱۴.

۴- [۴] - نعیم بن حمّاد، الفتن، ص ۱۸۵.

۵- [۱] - هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۰.

## گستره ی بانگ آسمانی

امام باقر علیه السلام می فرماید:

يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَيَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَ مَنْ بِالْمَغْرِبِ، لَا يَبْقَى رَاقِدٌ إِلَّا اسْتَيْقَظَ، وَ لَا قَائِمٌ إِلَّا قَعَدَ، وَ لَا قَاعِدٌ إِلَّا قَامَ عَلَى رِجْلَيْهِ، فَزَعَا مِنْ ذَلِكَ الصَّوْتِ؛

منادی آسمانی به نام قائم علیه السلام ندا سر می دهد، هر کسی که در شرق یا غرب باشد آن را می شنود، هیچ خفته ای نمی ماند جز این که بیدار می شود، هیچ ایستاده ای نباشد جز این که می نشیند، هیچ نشسته ای نباشد، جز این که از ترس و هراسی که از آن صدا بر او مستولی می شود روی پاهایش بر خیزد.<sup>(۱)</sup>

امام صادق علیه السلام در ضمن یک حدیث طولانی از بانگ آسمانی در شب ۲۳ ماه رمضان سخن گفته در پایان می فرماید:

هیچ موجودی ذی روح از مخلوقات خدا نمی ماند، جز این که آن بانگ را می شنود، خفتگان بیدار شده به صحن خانه روند، دوشیزگان از سراپرده ها بیرون زنند، قائم علیه السلام آن را می شنود و خروج می کند، که آن بانگ جبرئیل است.<sup>(۲)</sup>

## بانگ شیطان

در شب بیست و سوم رمضان بانگ جبرئیل امین از دل آسمان شنیده می شود، حق بر همگان روشن می شود، جز این که شیطان آخرین تیری که در ترکش دارد عصر همان روز رها می کند و بانگ بر می آورد:

ص: ۹۸

۱- [۲] - نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۴؛ متقی هندی، البرهان، ۱۰۹.

۲- [۳] - سلمی، عقد الدرر، ص ۱۳۷.

أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي السُّفْيَانِي وَشِيعَتِهِ؛

آگاه باشید که حق با سفیانی و پیروان اوست!!

فَيَرْتَابُ عِنْدَ ذَلِكَ الْمُبْطِلُونَ؛

در آن هنگام اهل باطل به شک و تردید می افتند. (۱)

این آخرین دامی است که شیطان فرا روی پیروانش می گستراند، ولی حق جویمان از این آزمون نیز سر فراز بیرون می آیند؛ زیرا که در احادیث فراوان تأکید شده که امر ما از خورشید روشن تر است. (۲)

یکی از شاخصه هایی که بانگ آسمانی را از بانگ شیطان مشخص می کند، این است که بانگ آسمانی در شب ۲۳ رمضان و بانگ شیطان در پایان روز می باشد. دیگر این که بانگ آسمانی از شش جهت و بانگ شیطان از یک جهت است.

برای تحقیق بیشتر:

۱. تاریخ ما بعد الظهور، تألیف شهید سید محمد صدر

۲. الامام المهدي من المهد الى الظهور، تألیف سید محمد کاظم قزوینی

۳. ندای آسمانی، تألیف سید حسن زمانی

ص: ۹۹

---

۱- [۱] - شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۲۵.

۲- [۲] - همان، ص ۶۵۰.

چهارمین نشانه از نشانه های حتمی از نظر تسلسل زمانی، خسف سرزمین بیداست. «بیداء» در لغت به معنای دشت هموار و پهناور است و سرزمین خالی از آب و علف و سکنه را گویند. (۱)

در میان مکه و مدینه دشت پهناور شنزاری است که «بیداء» نام دارد. (۲)

هنگامی که سپاه سفیانی مدینه را قتل عام می کنند، به قصد درگیر شدن با حضرت بقیه الله ارواحنا فدا، به سوی مکه حرکت می کنند، چون به سرزمین بیداء می رسند، جبرئیل امین به این سرزمین بانگ می زند: ای سرزمین بیداء، قوم ستمگر را نابود کن، پس زمین دهان باز می کند و همه ی آنها را در کام خود فرو می برد.

از بررسی مجموعه ی روایات ملاحظه و فتن به این نتیجه می رسیم که خسف بیداء در حدود یک ماه پس از بانگ آسمانی رخ می دهد.

اگر ظهور حضرت همزمان با بانگ آسمانی باشد، خسف بیداء از نشانه های ظهور نخواهد بود، بلکه از نشانه های قیام خواهد بود.

ص: ۱۰۰

---

۱- [۱] - ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۵۴۸.

۲- [۲] - یاقوت، معجم البلدان، ج ۱، ص ۵۲۳.



برخی از محققان از بررسی احادیث مربوط به قیام و ظهور به این نتیجه رسیده اند که در شب ۲۳ رمضان بانگ آسمانی شنیده می شود، مقارن آن حضرت ظهور می کند، به مدت سه ماه و ۱۷ روز اطلاع رسانی می کند، در روز عاشورا قیام جهانی خود را آغاز می نماید. (۱)

فضل بن شاذان با سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي لَيْلِهِ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَيَقُومُ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ؛

در شب ۲۳ رمضان به نام قائم علیه السلام ندا سر داده می شود و در روز عاشورا قیام می کند. (۲)

بر این اساس خسف بیداء از نشانه های قیام جهانی آن حضرت است که در فاصله ی ظهور و قیام رخ می دهد.

### خسف بیداء در منطق وحی

در قرآن کریم در دو مورد از خسف بیداء سخن رفته است:

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا»؛

ای کسانی که کتاب داده شده اید، به آنچه فرو فرستادیم و خود تصدیق کننده ی کتابی است که با شماست ایمان بیاورید، پیش از آنکه بر چهره هایی بزنیم و آنها را به پشت سرشان برگردانیم. (۳)

ص: ۱۰۱

---

۱- [۱] - شهید صدر، تاریخ ما بعد الظهور، ص ۲۹۸؛ قزوینی، الامام المهدي من المهد الى الظهور، ص ۴۶۳.

۲- [۲] - میرلوحی، کفایه المهتدی، ص ۲۸۶؛ خاتون آبادی، کشف الحق، ص ۱۸۷.

۳- [۳] - سوره نساء، آیه ی، ۴۷.

خداوند مَنان در این آیه ی شریفه اهل کتاب را از روزی بیم می دهد که در آن به چهره هایی زده می شود و صورتشان به پشت سرشان برگردانیده می شود.

مبّرّد گوید: این تهدید الهی تاکنون واقع نشده، ولی به حال خود باقی است، تا پیش از رستاخیز با مسخ شدن افرادی و برگشتن صورتشان به عقب سرشان تحقق پیدا کند. (۱)

اما این که این تهدید کی رخ می دهد؟ در احادیث فراوان بیان شده است: امام باقر علیه السلام در یک حدیث طولانی از جنایات سفیانی سخن گفته، در پایان از ورود سپاه سفیانی به سرزمین بیداء گفت و گو نموده، می فرماید:

آن گاه منادی آسمانی ندا سر می دهد:

يا بَيْدَاءُ أَبِيدِي بِالْقَوْمِ؛

ای سرزمین بیداء این گروه را نابود کن.

پس زمین دهان باز می کند و آن گروه را در کام خود فرو می برد، به جز سه تن، که از تیره ی کلب هستند و خداوند صورت آنها را به پشت سرشان بر می گرداند، و آیه ی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ...» در حق آنها نازل شده است. (۲)

این حدیث به همین تعبیر از طریق عامه نیز وارد شده است. (۳)

۲. «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ»؛

اگر آنان را مشاهده کنی هنگامی که دچار وحشت شده اند و رهایی ندارند و

ص: ۱۰۲

۱- [۱] - ثعلبی، الکشف و البیان، ج ۳، ص ۳۲۴.

۲- [۲] - عیاشی، التفسیر، ج ۱، ص ۴۰۲؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۰؛ شیخ مفید، الاختصاص، ص ۲۵۶.

۳- [۳] - سلمی، عقد الدرر، ص ۸۹.

از مکان نزدیک گرفتار می شوند. (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تفسیر این آیه فرمودند:

سه شبانه روز مدینه را قتل عام کرده، عازم مکه می شوند، چون به سرزمین بیداء می رسند، خداوند جبرئیل را می فرستد، پس جبرئیل با پای خود ضربتی می زند، خداوند به وسیله ی آن، همه ی آنها را در کام زمین فرو می برد. این است معنای آیه ی «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا» از آنها رهایی نمی یابد به جز دو تن: ۱. بشیر؛ ۲. نذیر، که هر دو از جهینه هستند.

به همین جهت گفته شده: «خبر قطعی در نزد جهینه است». (۲)

فراز آخر «و عند جهینه الخبر الیقین» آخرین مصراع شعر اخنس می باشد. (۳)

در نتیجه این جمله جزء حدیث نیست، بلکه مفسران آن را به دنبال حدیث نقل کرده، به آن استناد جسته اند.

امیر موان علیه السلام نیز در تفسیر آیه ی شریفه فرمود:

سپس لشکر سفیانی به مدینه آمده، چون به سرزمین بیدا برسند، خداوند آنها را در کام زمین فرو می برد. (۴)

مولای متقیان در نامه ی خود به معاویه از سپاه سفیانی به تفصیل سخن گفته، در پایان با استناد به آیه ی شریفه ی نویسند:

چون به سرزمین بیداء برسند، خداوند آنها را در کام زمین فرو می برد.

ص: ۱۰۳

---

۱- [۴] - سوره ی سبأ، آیه ی ۵۱.

۲- [۱] - طبری، جامع البیان، ج ۲۲ ص ۷۳؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۶۲۲.

۳- [۲] - ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۳۱۲.

۴- [۳] - نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۵.

آنها از زیر قدم هایشان در زمین فرو می روند، فقط یک نفر از آنها نجات پیدا می کند که خداوند صورتش را به پشت سرش بر می گرداند. (۱)

و در حدیث دیگری فرمود:

یکی از افراد سپاه به دنبال شترش می رود، چون بر می گردد کسی را نمی یابد و سر نخی از آنها پیدا نمی کند، همو گزارش آنها را برای مردم بازگو می کند. (۲)

در مورد تعداد سپاهیان سفیانی که به مدینه اعزام می شوند به اختلاف سخن رفته:

۱. هفتاد هزار نفر (۳)

۲. سی هزار نفر (۴)

۳. دوازده هزار نفر (۵)

در مورد تعداد گزارشگرها نیز به اختلاف سخن رفته است:

۱. یک نفر (۶)

۲. دو نفر (۷)

۳. سه نفر (۸)

۴. عدد ناچیز (۹)

ص: ۱۰۴

---

۱- [۴] - سلیم بن قیس، کتاب سلیم، ص ۱۵۹.

۲- [۱] - نعیم بن حمّاد، الفتن، ص ۲۵۸، ح ۹۵۰.

۳- [۲] - سلمی، عقد الدرر، ص ۷۹.

۴- [۳] - همان، ص ۸۱.

۵- [۴] - نعیم بن حمّاد، الفتن، ص ۲۵۸، ح ۹۵۱.

۶- [۵] - سلیم بن قیس، کتاب سلیم، ص ۱۵۹.

۷- [۶] - سلمی، عقد الدرر، ص ۸۲؛ عتاشی، التفسیر، ج ۲، ص ۱۹۵.

۸- [۷] - نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۰.



## هدف از لشکرکشی

در غالب روایات مربوط به خسف بیداء آمده است که هدف از این لشکرکشی سفیانی، پیکار با حجت خدا است، ولی هنگامی که آنها به مدینه می‌رسند، می‌بینند که حجت خدا از مدینه رفته است، سه شبانه روز مدینه را قتل عام می‌کنند، سپس به قصد پیکار با حجت خدا به سوی مکه عزیمت می‌کنند. (۱)

به نقلی دیگر: چون سفیانی از کشته شدن فرمانده لشکرش: «زهري» آگاه می‌شود، ۷۰۰۰۰ نفر به سوی مدینه گسیل می‌دارد، آنها در سرزمین بیداء لشکر آرای می‌کنند و هدف آنها نبرد با حجت خدا و تخریب خانه ی خدا است. (۲)

در مورد کارکرد سپاه سفیانی آمده است:

لشکر سفیانی مدینه را ویران می‌کنند، شدیدتر از داستان «حرّه» و چون به بیداء برسند، در کام زمین فرو روند. (۳)

داستان حرّه سیاه ترین کارنامه ی سپاه یزید است که یک سال بعد از فاجعه ی کربلا به فرمان یزید در منطقه ی حرّه، از محلات مدینه انجام یافت. (۴)

## خسف در امت اسلامی

شیخ صدوق در میان حوادث دهگانه ای که پیش از رستاخیز انجام می‌یابد و در اصطلاح به: «أشراط السّاعه» مشهور است، از سه خسف در شرق و غرب و

ص: ۱۰۵

---

۱- [۹] - حاکم، المستدرک للّصّحیحین، ج ۴، ص ۴۲۹.

۲- [۱] - سلمی، عقد الدّرر، ص ۷۹.

۳- [۲] - نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۵۷؛ سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۶۷.

۴- [۳] - ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۵، ص ۲۵-۳۰.

جزیره العرب نام برده است. (۱)

حاکم نیشابوری با سلسله اسنادش از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

فِي أُمَّتِي خَسْفٌ وَ مَسْحٌ وَ قَذْفٌ؛

در امت من خسف (زیر آوار ماندن)، مسخ شدن و قذف (سنگباران) رخ می دهد. (۲)

متقی هندی بیش از ده حدیث در این رابطه روایت کرده است. (۳)

### جایگاه سرزمین بیداء

سرزمین بیداء بدون تردید در میان مکه و مدینه قرار دارد، چنان که در احادیث به آن تصریح شده است (۴) ولی در تعیین محل دقیق آن به اختلاف سخن رفته است:

(۱) یاقوت آن را به مکه نزدیکتر از مدینه دانسته است. (۵)

(۲) زبیدی آن را در ناحیه ی «ذُو الْحَلِيفَةِ» یعنی مسجد شجره معرّفی کرده است. (۶)

(۳) در حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که: چون به سرزمین بیداء در

ص: ۱۰۶

---

۱- [۴] - شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۴۴۹، ح ۵۲؛ حلی، مختصر بصائر الدرجات، ص ۴۵۰.

۲- [۵] - حاکم، المستدرک للصّحیحین، ج ۴، ص ۴۴۵.

۳- [۱] - متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۷۶، ح ۳۸۷۱۰ - ۳۸۷۲۰.

۴- [۲] - نعیم بن حمّاد، الفتن، ص ۲۵۹، ۹۵۳.

۵- [۳] - یاقوت، معجم البلدان، ج ۱، ص ۵۲۳.

۶- [۴] - زبیدی، تاج العروس، مادّه ی بیداء.

ذوالحلیفه برسند، در کام زمین فرو روند.<sup>(۱)</sup>

۴) سلمی از «ابوجعفر» (احتمالاً طبری) نقل کرده که منظور از بیداء همان بیداء مدینه است.<sup>(۲)</sup>

۵) از ابن مسعود نقل شده که سپاه سفیانی در میان «جَمَاوین» خسف می شوند.<sup>(۳)</sup>

یاقوت گفته: «جَمَاوین» دو رشته کوه کم ارتفاع در سمت راست رهگذری است که از مدینه عازم مکه می معظمه باشد.

وی فاصله ی آن را از مدینه سه میل معرفی کرده است.<sup>(۴)</sup>

هم اکنون نیز آن منطقه «بیداء» نام دارد، حجاج بیت الله الحرام هنگامی که از مدینه به طرف مسجد شجره حرکت می کنند، تابلوهای «بیداء» را در طرف راست جاده مشاهده می کنند.

روی این بیان بدون تردید بیداء در نزدیکی مدینه و از حوالی مدینه به حساب می آید و تعبیر یاقوت که گفته: «بیداء به مکه نزدیک تر است» درست نمی باشد، زیرا خودش گفته که: بیداء از سمت شرف مقابل ذُو الْحَلِيفَةِ به شمار می آید.<sup>(۵)</sup> و در ماده ی شرف گفته: رَبَّذَه در شَرَف قرار دارد<sup>(۶)</sup> و در ماده ی ربذه گفته: ربذه از روستاهای مدینه است.<sup>(۷)</sup>

ص: ۱۰۷

---

۱- [۵] - متقی هندی، البرهان، ص ۱۱۶، ح ۱۷.

۲- [۶] - سلمی، عقد الدرر، ص ۶۸.

۳- [۷] - نعیم بن حماد، الفتن، ص ۵۵۷، ح ۹۴۸.

۴- [۱] - یاقوت، معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۵۸.

۵- [۲] - همان، ج ۱، ص ۵۲۳.

۶- [۳] - همان، ج ۳، ص ۳۳۶.

۷- [۴] - همان، ص ۲۴.



بر اساس روایات همه ی سپاه بیداء از سپاهیان سفیانی نیستند، بلکه برخی از آنها از روی اجبار با آنها همراه شده اند و برخی دیگر رهگذر هستند، لیکن هنگامی که زمین دهان باز می کند، همه ی آنها را در کام خود فرو می برد.

از محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه سؤل شد، حضرت فرمود:

همه ی آنها در آن سرزمین در کام زمین فرو می روند، ولی در روز رستاخیز هر کسی بر اساس اعتقاد درونی خود محشور می شود. (۱)

## پیام خسف بیداء

در روایات فراوان تصریح شده که خسف بیداء در آستانه ی قیام جهانی حضرت بقیه الله ارواحنا فداه اتفاق می افتد و از خروج قریب الوقوع آن حضرت خبر می دهد. از این رهگذر برخی از محدثان روایات خسف بیداء را در فصل حوادث متصل به خروج حضرت مهدی علیه السلام آورده اند. (۲)

در احادیث عامّه آمده است:

إِذَا خُسِفَ بِجَيْشِ الْبَيْدَاءِ، فَهُوَ عَلَامَةٌ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ؛

هنگامی که لشکر بیداء در کام زمین فرو برود، آن نشانه ی خروج حضرت مهدی علیه السلام است. (۳)

ص: ۱۰۸

۱- [۵] - متقی هندی، البرهان، ص ۱۳۳، ج ۴۴-۴۷؛ سلمی، عقد الدرر، ص ۶۷-۷۴.

۲- [۱] - همان، ص ۱۳۴-۱۰۹؛ کشمیری، التصریح بما تواتر فی نزول المسیح، ص ۱۳۶، ح ۸.

۳- [۲] - سید ابن طاووس، التشریف بالمنن، ص ۱۶۱، ح ۲۱۰.

برای خسف بیداء نیز نشانه هایی بیان شده، که از آن جمله است:

۱. رواج مشروبات الکلی

۲. شیوع ساز و آواز

۳. انحرافات جنسی

۴. رواج ربا

۵. فراگیر شدن گناه. (۱)

روایات خسف بیداء در حد مستفیض، بلکه نزدیک به تواتر است ولی به همین مقدار بسنده کردیم.

برای تحقیق بیشتر:

۱. الفتن، تألیف نعیم بن حماد مروزی.

۲. البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، تألیف متقی هندی.

۳. معجم الملاحم و الفتن، تألیف سید محمود دهرخی

ص: ۱۰۹

---

۱- [۳] - متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۷۶ - ۲۸۲، ح ۳۸۷۱۴ - ۳۸۷۳۶.

پنجمین و آخرین نشانه از نشانه های حتمی قتل نفس زکیه در میان رکن و مقام است. در لسان اخبار و آیات، چهارتن در تاریخ به عنوان نفس زکیه شناخته شده اند:

### ۱. نفس زکیه معاصر حضرت موسی علیه السلام

در گفتگویی که قرآن کریم از مصاحبت حضرت موسی با حضرت خضر نقل کرده، واژه ی نفس زکیه مطرح شده است.

حضرت خضر یکی از پیامبران عظیم الشان بود(۱) که پیش از حضرت ابراهیم علیه السلام متولد شده(۲) هم اکنون در قید حیات است و بیش از ۶۰۰۰ سال از عمر شریفش می گذرد.(۳)

بر اساس روایات وارده از پیشوایان معصوم، خداوند منان از این جهت به

ص: ۱۱۰

---

۱- [۱] - مستوفی، تاریخ گزیده، ص ۲۰.

۲- [۲] - دیار بکری، تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۱۰۶.

۳- [۳] - کامل سلیمان، یوم الخلاص، ص ۱۵۷.

آن حضرت عمر طولانی داده است که در دوران غیبت امام عصر علیه السلام با عمر طولانی ایشان به امکان عمر طولانی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه استدلال

شود. (۱)

در مسافرت کوتاهی که حضرت موسی علیه السلام به همراه حضرت خضر علیه السلام سپری کرده اند، حضرت خضر کارهایی انجام داده که مورد اعتراض حضرت موسی قرار گرفته است، از جمله کشتن نوجوانی که در کوچه با همسالان خود مشغول بازی بود.

حضرت موسی به حضرت خضر گفت:

«أَقْتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ»؛

آیا انسان بی گناهی را کشتی که کسی را نکشته بود؟ (۲)

این تعبیر حضرت موسی علیه السلام قابل توجه است، زیرا به صورت پرسش مطرح شده است، ولی فراز بعدی احتیاج به تأمل دارد که گفت:

«لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا»؛ (۳)

به راستی کار ناپسندی انجام دادی.

سید مرتضی علم الهدی فرموده: این جمله در پاسخ یک شرط محذوف است، یعنی: اگر واقعا او را بدون دلیل کشته باشی، کار بسیار ناپسندی انجام داده ای. (۴)

ص: ۱۱۱

۱- [۱] - شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۷.

۲- [۲] - سوره ی کهف، آیه ی ۷۴.

۳- [۳] - همان.

۴- [۴] - سید مرتضی، تنزیه الأنبياء، ص ۱۲۰.

حضرت خضر با وحی الهی می دانست که آن نوجوان فاسد و کافر است (۱) و بیم آن می رود که مادر و پدر با ایمانش را به کفر و طغیان وا دارد. (۲)

حضرت موسی از پیامبران اولوالعزم بود، ولی خداوند برای مصالحی آنچه را که به حضرت خضر وحی کرده بود، به او وحی نفرموده بود، همان گونه که در آغاز خلقت انسان، خداوند اسماء را به حضرت آدم آموخت، ولی به فرشته ها نیاموخت. (۳)

حضرت موسی که از وضع عقیدتی و سلوک رفتاری آن نوجوان آگاه نبود، از او به عنوان: «نفس زکیه» تعبیر نمود. زیرا ندیده بود که او کسی را کشته باشد و یا تصور می کرد که وی هنوز به سن بلوغ نرسیده، یعنی غیر مکلف می باشد. (۴)

به کسی که اصلاً گناه نکند، یا از گناه توبه کند (۵) و یا با تهذیب نفس و کسب فضایل خود را تزکیه نماید، «زکیه» گفته می شود. (۶)

نوجوانی که حضرت موسی به او نفس زکیه اطلاق نموده، نه تنها فرد با ایمانی نبود، بلکه کافر و تبهکار بود. (۷)

تعبیر نفس زکیه یا بر اساس پندار حضرت موسی و یا به معنای کسی که خونی برگردنش نباشد (بغیر نفس) به کار رفته است.

ص: ۱۱۲

---

۱- [۵] - ثعلبی، الکشف و البیان، ج ۶، ص ۱۸۴؛ جامع البیان، ج ۱۶، ص ۳ - ۶.

۲- [۶] - سوره کهف، آیه ی ۸۰.

۳- [۱] - سوره ی بقره، آیه ی ۳۲.

۴- [۲] - شیخ طوسی، التبیان، ج ۷، ص ۷۵؛ زمخشری، الکشاف، ج ۲، ص ۷۳۶.

۵- [۳] - ثعلبی، الکشف و البیان، ج ۶، ص ۱۸۴.

۶- [۴] - راغب، المفردات، ص ۲۱۳.

۷- [۵] - بحرانی، البرهان، ج ۶، ص ۲۵۸، ح ۲۳.

## ۲. نفس زکیه، معاصر امام صادق علیه السلام

مشهورترین شخص به نفس زکیه، محمد بن عبد الله بن حسن بن امام حسن مجتبی علیه السلام می باشد.

پدرش را «عبدالله محض» می گفتند، زیرا پدرش فرزند امام حسن مجتبی و

مادرش فاطمه دختر امام حسین علیه السلام بود.

پسرش محمد، مشهور به نفس زکیه، شخص عابد، زاهد، فاضل، فرهیخته و از هر جهت فرد شایسته ای بود، که این شایستگی ها موجب هلاکت او گردید.

ابوالفرج اصفهانی می نویسد:

نفس زکیه از دوران کودکی خود را مهدی می خواند و به هنگام اظهار دعوت به صراحت گفت:

شما هیچ شک و تردیدی ندارید که من همان مهدی موعود هستم!!<sup>(۱)</sup>

با کمال تأسف پدرش عبد الله محض نیز او را مهدی می خواند و با صراحت می گفت:

لَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ ابْنِي هَذَا هُوَ الْمَهْدِيُّ، فَهَلُمَّ فَلْنَبِيعْهُ؛

به راستی می دانید که این فرزند من مهدی است، پس بیاید همگی با او بیعت کنیم.<sup>(۲)</sup>

روزی که در «ابواء» برای بیعت با او گرد آمده بودند، سفاح و منصور نیز در

ص: ۱۱۳

---

۱- [۱] - ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۲۰۳.

۲- [۲] - شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۹۱.

میان بیعت کنندگان بودند، منصور می گفت: همه ی گردن ها به سوی این جوان کشیده شده، احدی مقبولیت او را ندارد، پس همه ی حاضران با او بیعت کردند. (۱)

در آن هنگام امام جعفر صادق علیه السلام وارد شد، همگان برخاستند و احترام کردند، عبدالله آن حضرت را در کنار خود نشانید و عرضه داشت:

ما در اینجا جمع شده ایم که با «مهدی» محمد بن عبدالله بیعت کنیم!!

امام علیه السلام فرمود:

لَا تَفْعَلُوا، فَإِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَمْ يَأْتِ بَعْدُ، إِنْ كُنْتَ تَرَى أَنَّ ابْنَكَ هَذَا هُوَ الْمَهْدِيُّ، فَلَيْسَ بِهِ، وَلَا هَذَا أَوَانُهُ،

نه، این کار را نکنید، هنوز وقت آن نرسیده است. اگر خیال می کنی که پسرت مهدی است، نه، او مهدی نیست و زمان مهدی نرسیده است. (۲)

منصور آن روز پیراهن زردی بر تن داشت، امام علیه السلام او را به عبدالله نشان داد و فرمود: او هر دو پسر را خواهد کشت.

عبدالله نصیحت امام را گوش نداد، امام علیه السلام فرمود:

این امر به تو و فرزندانت نمی رسد، بلکه به سفاح، سپس به منصور می رسد و این منصور پسر را در أحجار الزیت و آن دیگری را در طفوف می کشد. (۳)

منصور پیش از آنکه به قدرت برسد، هر وقت می خواست از نفس زکیه نام ببرد، می گفت:

مَهْدِيُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛

ص: ۱۱۴

---

۱- [۳] - همان.

۲- [۱] - همان.

۳- [۲] - ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، ص ۱۷۸ و ۲۱۵.

هر وقت دیدگان امام صادق علیه السلام به نفس زکیه می افتاد. دیدگانش پر از اشک می شد و می فرمود:

مردم در حق او حرف هایی می زنند، لکن او کشته خواهد شد.

ما نام او را در کتاب علی علیه السلام در میان خلفای اُمت نیافتیم. (۲)

چون امام صادق علیه السلام با او بیعت نکرد، اطرافیان او امام علیه السلام را به زندان انداختند، امام علیه السلام دو ماه تمام در زندان ماند و همه ی اموالش مصادره شد. (۳)

منصور پسر عمویس عیسی بن موسی را برای نبرد با نفس زکیه به مدینه فرستاد، سرانجام روز دوشنبه ۱۴ رمضان ۱۴۵ ق. در احجار الزّیت کشته شد. (۴)

محمد بن عجلان از سوی جعفر بن سلیمان والی مدینه دستگیر شد، والی دستور داد که دستش را ببرند، حاضران گفتند: او فقیه مدینه است، امر بر او مشتبه شده، او واقعاً خیال کرده که محمد بن عبدالله نفس زکیه همان مهدی موعود است، پس والی از او در گذشت. (۵)

وی همچنین عبدالله بن جعفر بن عبد الرحمن بن مسور را جلب کرد و نکوهش نمود، او گفت: هنگامی که من با محمد بن عبدالله بیعت کردم، هیچ تردیدی نداشتم که او همان مهدی موعود است. (۶)

پیروان نفس زکیه برای اثبات مهدویت نفس زکیه، حدیثی را جعل کرده و به

ص: ۱۱۵

۱- [۳] - همان، ص ۲۰۳.

۲- [۴] - شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۹۳.

۳- [۱] - کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۱۷.

۴- [۲] - ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۹، ص ۳۱؛ طبری، التّاریخ، ج ۶، ص ۵۲۳.

۵- [۳] - ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۲۴۲.

۶- [۴] - همان، ص ۲۴۳.



پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت داده اند که فرموده باشد:

إِسْمُهُ إِسْمِي وَ إِسْمُ أَبِيهِ إِسْمُ أَبِي؛

او همانم من و نام پدرش نام پدر من می باشد!!

این حدیث مجعول به برخی از سنن راه یافته است. (۱)

احمد حنبل این حدیث را با سه طریق از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده، که هر

سه با جمله ی: «یواطئ إسمه إسمی» ختم شده و جمله ی: «و إسم أبيه إسم أبي» را ندارد.

طبرانی نیز این حدیث را با ۱۴ طریق روایت کرده که این زیادتی را ندارد. (۲)

### ۳. نفس زکیه در آستانه ی ظهور

سومین موردی که به عنوان نفس زکیه در احادیث مطرح شده، کشته شدن انسان بی گناهی در نجف اشرف با ۷۰ تن از یارانش در آستانه ی ظهور می باشد.

مولای متقیان در خطبه ی معروف به: «خطبه ی مخزون» می فرماید:

و قَتَلَ النَّفْسَ الزَّكِيَّةَ بِظَهْرِ الْكُوفَةِ فِي سَبْعِينَ؛

کشته شدن نفس زکیه در پشت کوفه با ۷۰ تن. (۳)

شیخ مفید روایات وارده در مورد نشانه های ظهور را در یک جمع بندی به شمارش در آورده، در میان آنها از نفس زکیه نام برده می فرماید:

و کشته شدن نفس زکیه با ۷۰ تن از صالحان در پشت کوفه.

ص: ۱۱۶

۱- [۵] - سجستانی، سنن ابی داود، ج ۴، ص ۸۶، ب ۳۰، ح ۴۲۸۲.

۲- [۱] - احمد حنبل، المسند، ج ۲، ص ۱۰، ح ۳۵۷۱.

۳- [۲] - حلی، مختصر بصائر الدرجات، ص ۴۴۳، ح ۵۲۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸۲؛ ج ۵۲، ص ۲۷۳.

برخی از معاصرین این نفس زکیه را با آیه الله سید محمد باقر صدر تطبیق نموده اند(۱)، سپس از تطبیق خود برگشته، با آیه الله سید محمد باقر حکیم تطبیق نموده اند(۲) و ممکن است در طول زمان بر افراد دیگری تطبیق داده شود.

این نفس زکیه با دو شهید بزرگوار نام برده منطبق باشد، یا نباشد، از علایم غیر حتمی است، ولی نفس زکیه ی دیگری مطرح است، که از نشانه های حتمی ظهور است:

#### ۴. نفس زکیه، از نشانه های حتمی

آخرین نشانه از نشانه های حتمی، کشته شدن انسان بی گناهی در حرم امن الهی، در میان رکن و مقام، در آستانه ی قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام در روز ۲۵ ذیحجه الحرام، به هنگام قرائت پیام امام می باشد.

این نفس زکیه یکی از نشانه ی حتمی می باشد که با سند صحیح از امام صادق علیه السلام به عنوان «پنج نشانه ی حتمی» روایت شده است.(۳)

مولای متقیان در خطبه ی مخزون از او به عنوان: «الْمَذْبُوحُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ» تعبیر می فرماید.(۴)

شیخ مفید نیز به همان تعبیر آورده است.(۵)

آنگاه از طریق فضل بن شاذان، از امام باقر علیه السلام روایت می کند که فرمود:

وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ مِنَ الْمُحْتَمِمْ؛

ص: ۱۱۷

---

۱- [۳] - علی کورانی، عص الظهور، ص ۱۶۵؛ عباس جلالی، عصر ظهور، ص ۱۸۴.

۲- [۴] - همان، چاپ جدید.

۳- [۱] - شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۰، ب ۵۷، ح ۷.

۴- [۲] - حلی، مختصر بصائر الدرجات، ص ۴۴۳.

۵- [۳] - شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۶۸.

کشته شدن نفس زکیه از نشانه های حتمی است. (۱)

این حدیث شریف در دیگر منابع حدیثی نیز به همان تعبیر از امام صادق علیه السلام روایت شده است. (۲)

### نام و نسب نفس زکیه

در برخی از احادیث به نام نامی و نسب گرامی نفس زکیه اشاره شده است:

۱. امام صادق علیه السلام در فرازی از یک حدیث طولانی می فرماید:

وَقَتْلُ غُلَامٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، إِسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، وَ لَقَبُهُ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ؛

کشته شدن جوانی از آل محمد علیهم السلام در میان رکن و مقام که نامش محمد بن محمد و لقبش نفس زکیه می باشد. (۳)

۲. در یک حدیث بسیار طولانی امام باقر علیه السلام فرمود:

مَا أَشْكَلَ عَلَيْكُمْ فَلَمْ يُشْكَلْ عَلَيْكُمْ عَهْدُ نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَأْيُهُ وَسَيْلَاخُهُ وَالنَّفْسُ الزَّكِيَّةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛

اگر هر چیزی بر شما مشتبه شود، دیگر پیمان پیامبر، پرچم پیامبر، سلاح پیامبر و نفس زکیه از تبار امام حسین علیه السلام هرگز بر شما مشتبه نخواهد شد. (۴)

۳. شیخ مفید از او به عنوان مردی از بنی هاشم تعبیر کرده است. (۵)

ص: ۱۱۸

۱- [۴] - همان، ص ۳۷۱؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۷۹؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۷.

۲- [۵] - شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۲؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۳۵.

۳- [۱] - میرلوحی، کفایه المهدی، ص ۲۸۰؛ خاتون آبادی، کشف الحق، ص ۱۸۲.

۴- [۲] - عیاشی، التفسیر، ج ۱، ص ۱۶۴؛ بحرانی، البرهان، ج ۲، ص ۲۶.

۵- [۳] - شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۶۸.

۴. شیخ طوسی از ابراهیم جریری نقل کرده که نفس زکیه جوانی از آل محمد صلی الله علیه و آله می باشد، که نامش: «محمد بن الحسن» است. (۱) ولی روایت نخستین از نظر سندی صحیح است و نام نفس زکیه در آن «محمد بن محمد» آمده است.

## زمان و مکان شهادت

در مورد زمان و مکان شهادت نفس زکیه اختلافی نیست:

۱. زمان شهادتش روز ۲۵ ذیحجه الحرام.

۲. مکان شهادتش، مکه ی معظمه، مسجد الحرام، کنار کعبه، در میان رکن و

مقام، یعنی میان حجر الأسود و مقام ابراهیم علیه السلام.

امیر بیان مولای پروا پیشگان می فرماید:

قَتَلَ نَفْسٍ حَرَامٍ، فِي يَوْمٍ حَرَامٍ، فِي بَلَدٍ حَرَامٍ، عَنْ قَوْمٍ قُرَيْشٍ، وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسِيمَةَ، مَا لَهُمْ مُلْكٌ بَعْدَهُ غَيْرَ خَمْسَ عَشْرَةَ لَيْلَةً؛

ریختن خون حرام، در روز حرام، در شهر حرام از تبار قریش. سوگند به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، که پس از آن، بیش از ۱۵ شب حکومت نخواهند داشت. (۲)

امام صادق علیه السلام خطاب به منصور فرمود:

فَلَا تَزَالُونَ فِي مُهَلِّهِ مِنْ أَمْرِكُمْ وَ فُسْحِهِ مِنْ دُنْيَاكُمْ حَتَّى تُصِيبُوا مِنَّا دَمًا حَرَامًا، فِي شَهْرِ حَرَامٍ، فِي بَلَدٍ حَرَامٍ؛

شما از نظر حکومت و دنیا، در مهلت و گشایش هستید، تا روزی که خون

ص: ۱۱۹

۱- [۴] - شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۶۴؛ حایری، الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۷۷.

۲- [۱] - نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۸، ب ۱۴، ح ۱۷.

حرامی را از ما، در ماه حرام و در شهر حرام بریزید. (۱)

امام باقر علیه السلام در این رابطه فرمود:

لَيْسَ بَيْنَ قِيَامِ الْقَائِمِ وَقَتْلِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ أَكْثَرُ مِنْ خَمْسَةِ عَشَرَ لَيْلَةً؛

بین قتل نفس زکیه و قیام قائم علیه السلام جز ۱۵ شب فاصله نیست. (۲)

برای تحقیق بیشتر:

۱. روزگار رهایی، تألیف: کامل سلیمان

۲. الحتمیات من علائم الظهور، تألیف: سید فاروق موسوی

۳. در آستانه ی ظهور، تألیف: علی اکبر مهدی پور

ص: ۱۲۰

---

۱- [۲] - حائری، الزام الناصب، ص ۱۵۲.

۲- [۳] - شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۶۹؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۴؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۴۵؛ طبرسی، اعلام، ج ۲، ص ۲۸۱.

در احادیث وارده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم سیمای جهان در عصر ظهور امام زمان علیه السلام طوری ترسیم شده که هر فرد عاقل و فرهیخته ای را به آرزو و امید دارد و هر کسی آرزو می کند که چنین روزی را درک نماید و اینک چند نمونه از این احادیث:

### ۱. آبادانی جهان

امام باقر علیه السلام پیرامون آبادانی جهان در عصر امام زمان علیه السلام می فرماید:

فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا عَمَّرَ؛

در روی زمین ویرانه ای نمی ماند، جز این که آن را آباد می سازد. (۱)

مولای متقیان در مورد سرسبز شدن جهان در عصر ظهور امام عصر علیه السلام می فرماید:

اگر یک نفر در میان عراق و شام گام بردارد، جز بر روی سبزه گام نمی گذارد. (۲)

ص: ۱۲۱

---

۱- [۱] - ابن صَبَّاحِ مالکی، الفصول المهمه، ص ۳۰۲.

۲- [۲] - شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۴۱۹.

## ۲. امنیت جهانی

در عصر ما رقم بسیار بالایی از بودجه ی کشورها به تسلیحات نظامی اختصاص دارد و در هیچ نقطه ای امنیت وجود ندارد، ولی در عصر ظهور هزینه ی تسلیحاتی به صفر می رسد و سر تاسر جهان آکنده از امنیت و آسایش می شود. مولای متقیان علیه السلام در این رابطه می فرماید:

هنگامی که قائم ما قیام کند، با عدالت رفتار می کند، ظلم و ستم در زمان او رخت بر می بندد، راه ها امن می شود، زمین بر کاتش را نازل می کند و هر حقی به صاحبش بر می گردد. (۱)

در حدیث دیگری فرمود:

یک پیرزن از عراق تا شام گام می سپارد، زنبیلش را بر سرش می گذارد، نه درنده ای او را می آزارد و نه از چیزی هراس می دارد. (۲)

امام باقر علیه السلام در همین رابطه فرمود:

یک پیرزن از مشرق تا به مغرب می رود، احدی برای او مانع ایجاد نمی کند. (۳)

## ۳. بهداشت جهانی

علیرغم پیشرفت چشم گیر پزشکی در عرصه های مختلف، همه روزه

ص: ۱۲۲

---

۱- [۱] - شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴.

۲- [۲] - شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۴۱۹.

۳- [۳] - مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵.

شاهد پیدایش بیماری های نو ظهور هستیم، که برخی از آنها ناشناخته هستند و برخی دیگر در شمار بیماری های غیر قابل درمان می باشند، ولی در عصر ظهور آمار بیماران در جهان به صفر می رسد، چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید:

لَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَعْمَى وَلَا مُقْعِدٌ وَلَا مُبْتَلَى؛

در روی زمین کور، زمین گیر و هیچ بیمار دیگری یافت نمی شود. (۱)

#### ۴. شکوفایی علم و فرهنگ

امام صادق علیه السلام شکوفایی علم و دانش را در عصر ظهور چنین ترسیم می فرماید:

دانش ۲۷ رشته است، همه ی آنچه پیامبران آورده اند دو رشته بیشتر نمی باشد، چون قائم ما علیه السلام قیام کند، ۲۵ رشته ی دیگر را ظاهر می سازد و در میان مردم منتشر می نماید، تا همه ی ۲۷ رشته انتشار یابد. (۲)

هنگامی که برق اختراع شد، یک علم بر هزاران علم موجود افزوده شد، سیمای جهان دگرگون شد، در عصر ما با راه اندازی اینترنت و اختراع کامپیوتر سیمای جهان به کلی دگرگون شده است. اگر روزی موعود جهانی ظهور کرده، ۱۲ برابر علم موجود را بر آن اضافه کند، دیگر سیمای جهان برای ما قابل ترسیم نیست.

#### ۵. بی نیازی از انرژی خورشیدی

در احادیث فراوان در تفسیر آیه ی شریفه ی: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» (۳)

ص: ۱۲۳

---

۱- [۱] - همان، ج ۵۳، ص ۶۲.

۲- [۲] - قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۱.

۳- [۳] - سوره ی زمر، آیه ی ۶۹.



آمده است:

هنگامی که قائم ما قیام کند، زمین با نور صاحبش روشن می گردد، مردم از نور خورشید بی نیاز می شوند، شب و روز یکسان گردد، تاریکی رخت بر می بندد. (۱)

## ۶. خشنودی همگانی

از روزی که انسان قدم در کره ی خاکی نهاده هیچ حکومتی بر سریر قدرت ننشسته که همگان از آن راضی باشند، ولی در حکومت جهانی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه همگان از آن خشنود می شوند، زیرا همه ی نیازهای مادی و معنوی مردم تأمین می شود، در نتیجه ساکنان زمین و آسمان خشنود می شوند، چنان که رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

يَرْضَى بِهٖ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ؛

ساکنان آسمان و زمین از او خشنود می شوند. (۲)

## ۷. بی نیازی همگان

در عصر ظهور وفور نعمت به حدی می رسد که همگان بی نیاز می شوند و کسی زکات و مبرات را نمی پذیرد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

هر یک از شما به دنبال کسی می گردد که به او کمک کند و زکاتش را بپذیرد، ولی هرگز کسی را پیدا نمی کند که زکات او را بپذیرد زیرا همگان از فضل

ص: ۱۲۴

---

۱- [۴] - طبری دلائل الامامه، ص ۴۸۶.

۲- [۱] - همان، ص ۴۷۱.

پروردگار بی نیاز می شوند. (۱)

## ۸. رفاه همگانی

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مورد رفاه و آسایش همگانی می فرماید:

امت من در زمان او آنقدر در نعمت فرو می روند که هرگز چنین نعمت و

رفاهی دیده نشده، خداوند آسمان را سیل آسا برای آنها فرو می ریزد و زمین چیزی از گیاه و میوه جاتش را ذخیره نمی

کند. (۲)

## ۹. خدمت رسانی

امام باقر علیه السلام در مورد خدمت رسانی دولت مهدوی می فرماید:

فرمان می دهد که از پشت حرم امام حسین علیه السلام قناتی را به سوی نجف اشرف حفر کنند، تا آب وارد نجف شود آنگاه

بر دهانه های آن پل ها و آسیاب ها می سازند. (۳)

## ۱۰. عدالت فراگیر

در ۱۴۸ حدیث آمده است که زمین را پر از عدل و داد کند، همانگونه که پر از جور و ستم شده باشد. (۴)

امام صادق علیه السلام در ترسیم عدالت فراگیر آن حضرت می فرماید:

أما وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ، كَمَا يَدْخُلُ الْحُرُّ وَالْقَرُّ؛

ص: ۱۲۵

---

۱- [۲] - شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۱.

۲- [۱] - طبری، دلائل الامامه، ص ۴۷۸.

۳- [۲] - ابن قتال، روضه الواعظین، ج ۲، ص ۱۷.

۴- [۳] - آیه الله صافی منتخب الاثر، ج ۲، ص ۲۲۲-۲۳۵.

به خدا سوگند عدالت آن حضرت از درهای بسته بر خانه های آنها وارد می شود، همانگونه که سرما و گرما به داخل خانه ها نفوذ می کند. (۱)

### ۱۱. آشتی فرا ملی

امام صادق علیه السلام در مقام تشریح آشتی فرا ملی عصر ظهور می فرماید:

وَ اضْطَلَّحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبُهَائِمُ؛

حتی درندگان و چارپایان با یکدیگر آشتی می کنند. (۲)

### ۱۲. سالم سازی شهرها

مولای متقیان در مورد زیبا سازی و سالم سازی شهرها می فرماید:

جاده های اصلی را توسعه می دهد، آنها را به ۶۰ ذراع می رساند.

هر پنجره ای که به سوی خیابان باشد، مسدود می کند، هر ناودان، بالکن و فاضلابی که به طرف خیابان باشد، بر می چیند. (۳)

### ۱۳. فرماندهان لشکری و کشوری

در میان صدها هزار نفر که روز اول با آن حضرت بیعت می کنند، تعداد ۳۱۳ تن یاران خاص آن حضرت می باشند، که آنها فرماندهان لشکری و کشوری هستند.

امام صادق علیه السلام در مورد آنها می فرماید:

گویی قائم علیه السلام را بر فراز منبر کوفه می بینم که ۳۱۳ نفر، به تعداد اصحاب بدر

ص: ۱۲۶

۱- [۴] - علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.

۲- [۵] - شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۴۱۹.

۳- [۱] - شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۸۳.

در اطراف او هستند، آنها پرچم داران و زمامداران روی زمین هستند. (۱)

آنگاه در وصف آنها می فرماید:

آثار سجده در پیشانی آنها آشکار است، آنها شیران روز و راهبان شب هستند. گویی بدن های آنها قطعات آهن هستند. به هر یک از آنها نیروی چهل مرد داده شده است. (۲)

#### ۱۴. حکومت جوان

یاران حضرت مهدی همه جوان هستند، کهنسالی در میان آنها یافت

نمی شود، جز به مقدار نمک طعام و سرمه ی چشم. (۳)

#### ۱۵. بر تارک عرفان

مولای متقیان در تعبیری بلند، از جایگاه رفیع معرفتی انصار حضرت پرده برداشته، می فرماید:

رِجَالٌ عَرَفُوا اللَّهَ - حَقَّ مَعْرِفَتِهِ؛

خدای را آن گونه که باید، شناخته اند. (۴)

امام باقر علیه السلام در وصف آنان می فرماید:

هُمُ النَّجَبَاءُ، وَ الْقُضَاءُ، وَ الْحُكَّامُ، وَ الْفُقَهَاءُ فِي الدِّينِ؛

آنها بزرگواران، داوران، زمامداران و کارشناسان احکام دین می باشند. (۵)

ص: ۱۲۷

۱- [۲] - بحرانی، حلیه الابرار، ج ۵، ص ۴۹۴.

۲- [۳] - نیلی، منتخب الأنوار المضيئه، ص ۱۹۵.

۳- [۱] - علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۲.

۴- [۲] - متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۱۹.

۵- [۳] - طبری، دلائل الامامه، ص ۳۰۷.

## ۱۶. رشک ملک

در ترسیم عشق و دلباختگی همگان به دولت مهدوی آمده است که:

تَتَمَنَّى الْأَحْيَاءُ الْأَمْوَاتَ مِمَّا صَنَعَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ خَيْرِهِ؛

زندگان مردگان خود را آرزو می کنند که ایکاش زنده بودند و می دیدند که خداوند چقدر به اهل زمین لطف و عنایت نموده است. (۱)

## ۱۷. فرمانروای محبوب

امام باقر علیه السلام در وصف کارگزاران دولت حضرت مهدی علیه السلام می فرماید:

گویی اصحاب قائم علیه السلام را می بینم که بر شرق و غرب جهان سیطره یافته اند، چیزی در دنیا نیست جز این که از آنها فرمان می برد و خشنودی آنان را

می طلبد، حتی درندگان صحرا و پرندگان هوا. (۲)

## ۱۸. فرمانروای مهربان

امام روف، حضرت ثامن الحجج علیه السلام در مورد رأفت آن شمیم رحمت می فرماید:

وَأَشْفَقُ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَأُمَّهَاتِهِمْ؛

آن امام بزرگوار از پدر و مادر نسبت به امت خود مهربان تر است. (۳)

## ۱۹. دلرباترین فرمانروا

زیباترین تابلوهای جهان، از آن یوسف کنهان بود، ولی یوسف زهرا در میان

ص: ۱۲۸

---

۱- [۴] - حاکم نیشابوری، المستدرک للصّحیحین، ج ۴، ص ۴۶۵.

۲- [۱] - بحرانی، حلیه الأبرار، ج ۵، ص ۴۹۴.

۳- [۲] - کامل سلیمان، روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۲۹.

دلبران بهشتی عنوان: «طَاوُوسُ أَهْلِ الْجَنَّةِ» را به خود اختصاص داده است. (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصف جمال عالم آرای ایشان فرمود:

وَجْهُهُ كَالْكَوْكَبِ الدُّرِّيِّ؛

چهره اش چون ستاره ی سحر می باشد. (۲)

برای تحقیق بیشتر:

۱. عقد الدرر، تألیف سلمی مقدسی

۲. العرف الوردی، تألیف جلال الدین سیوطی

۳. البرهان، تألیف متقی هندی

ص: ۱۲۹

---

۱- [۳] - شیرویه، الفردوس بمأثور الخطاب، ج ۴، ص ۲۲۲.

۲- [۴] - ذهبی، میزان الإعتدال، ج ۳، ص ۴۴۹.

بر اساس روایتی که شیخ صدوق با سند معتبر از حضرت امام حسن عسگری علیه السلام روایت کرده، راه نجات از هلاکت و مرگ جاهلی در آخر الزمان، در ثبات قدم بر ولایت و دعا برای فرج حضرت بقیه الله ارواحنا فداه بیان شده است.

احمد بن اسحاق، وکیل امام حسن عسگری علیه السلام در قم، به سامرا سفر کرده، به محضر مقدس آن حضرت شرفیاب شده، در نظر داشت که از آن حضرت پیرامون جانشین آن حضرت سؤل کند، امام علیه السلام ابتداءً فرمود:

ای احمد بن اسحاق! خداوند تبارک و تعالی از روزی که آدم علیه السلام را آفریده، هرگز روی زمین را خالی نگذاشته و هرگز خالی نمی گذارد از حجت خویش بر مردمان، که به وسیله ی او بلا را از اهل زمین دفع می کند و به سبب او باران می فرستد و برکات زمین را ظاهر می سازد.

احمد بن اسحاق گوید: عرضه داشتم: ای فرزند پیامبر! بعد از شما امام و خلیفه کیست؟

امام علیه السلام از جای برخاستند، به شتاب وارد منزل شدند، چون بیرون آمدند، پسر بچه ای را بر دوش خود حمل می کردند که صورتش همانند ماه چهارده

شبه بود و سه ساله به نظر می رسید پس فرمودند:

ای احمد بن اسحاق! اگر نبود که تو در نزد خدای عز و جل و در نزد حجت های خداوند عزیز و گرامی هستی، فرزندم را بر تو عرضه نمی کردم.

او همانم پیامبر خدا و هم کنیه ی آن حضرت است، او همان است که زمین را آکنده از عدل و داد نماید، همان گونه که پر از جور و ستم شده باشد.

ای احمد بن اسحاق! مثل او در میان این امت مثل خضر علیه السلام است و مثل او مثل ذی القرنین است.

وَاللّٰهُ لَيَغِيْبَنَّ عَيْنَهُ لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ الْهَلٰكَةِ اِلَّا مَنْ تَبَتَّهَ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ عَلٰى الْقَوْلِ بِاِمَامَتِهِ وَوَفَّقَهُ لِلدُّعَاۤءِ بِتَعْجِيْلِ فَرَجِهِ؛

به خدا سوگند او غایب می شود، یک غایب شدنی که در آن دوران غیبت، از هلاکت رهایی نمی یابد جز:

۱. کسی که خداوند او را در اعتقاد به امامت او ثابت و استوار بدارد.

۲. کسی که خداوند او را برای دعا به تعجیل فرج آن حضرت موفق نموده باشد.

احمد بن اسحاق گوید: عرض کردم: ای مولای من! آیا علامت و نشانی هست که دلم اطمینان پیدا کند؟

پس آن پسر بچه فرمود:

اَنَا بَقِيَّةُ اللّٰهِ فِي اَرْضِهِ وَ الْمُنتَقِمُ مِنْ اَعْدَائِهِ، فَلَا تَطْلُبْ اَثْرًا بَعْدَ عَيْنٍ يَا اَحْمَدَ بْنَ اِسْحٰقٍ!؛

من تنها ذخیره ی خداوند در روی زمین و انتقام گیرنده از دشمنان خدا هستم.

ص: ۱۳۱



پس از دیدن دیگر از نشان نپرس، ای احمد بن اسحاق! (۱)

چند نکته:

در این حدیث شریف که با سند معتبر از امام حسن عسگری علیه السلام روایت شده، چندین نکته ی مهم به روشنی بیان شده است:

۱. هرگز روی زمین خالی از حجت نبوده و نخواهد بود، چنان که در احادیث فراوان آمده است:

لَوْلَا الْحُجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا؛

اگر یک لحظه حجت خدا در روی زمین نباشد، زمین ساکنان خود را در کام خود فرو می برد. (۲)

تصور نشود که در دوران «فترت» روی زمین خالی از حجت بوده است، مثلاً در بین حضرت عیسی و پیامبر اسلام که دوران فترت نامیده می شود، پیامبر صاحب شریعت نبود، ولی پیامبران تبلیغی و اوصیای حضرت عیسی در میان بنی اسرائیل و اوصیای حضرت ابراهیم در سرزمین حجاز همواره بودند.

به هنگام ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت عبدالمطلب حجت خدا و حضرت ابوطالب وصی او بود. (۳) ودایع نبوت در نزد حضرت ابوطالب بود، و پس از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ودایع نبوت را به آن حضرت تقدیم نمود. (۴)

۲. به وسیله ی حجت خدا، بلاها از اهل زمین دفع می شود، چنان که حضرت

ص: ۱۳۲

۱- [۱] - شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۴.

۲- [۱] - کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۷۸-۱۷۹.

۳- [۲] - شیخ صدوق، العقاید، ص ۱۱۶.

۴- [۳] - کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۴۵، ح ۱۸.

بقیه الله ارواحنا فداه در گهواره به ابونصر خادم فرمود:

أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ، وَ بِي يَدْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِي وَ شِيعَتِي؛

من خاتم اوصیاء هستم، خداوند به وسیله ی من بلاها را از شیعیان و خاندانم

دفع می کند. (۱)

۳. نزول باران و همه ی فیوضات الهی به برکت حجت خدا می باشد.

خداوند فیاض علی الاطلاق است، هر لحظه فیوضات پروردگار به سوی مخلوقات جاری است، لکن برای رسیدن این فیوضات به مخلوقات جهان، واسطه ی فیض لازم است و این واسطه ی فیض در هر عصری امام و حجت آن عصر می باشد.

در این رابطه تحقیق بسیار ارزشمندی از پرفسور هانری کُربن منتشر شده که بسیار شایان دقت و در خور تأمل است. (۲)

۴. برکات زمین به وسیله ی حجت خدا ظاهر می شود، چنان که در حدیث آمده است:

حِينَئِذٍ تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَ تُبْدِي بَرَكَاتِهَا، فَلَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَوْضِعًا لَصَدَقَتِهِ وَ لَا لِبِرِّهِ، لِشُمُولِ الْغِنَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ؛

در آن هنگام (به هنگام ظهور حضرت) زمین گنج های خود را آشکار می سازد و همه ی برکاتش را ظاهر می کند، دیگر کسی از شما برای صدقات و مبرات خود جایی پیدا نمی کند، زیرا همه مؤمنان را ثروت فرا می گیرد. (۳)

ص: ۱۳۳

---

۱- [۱] - شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۴۶، ح ۲۱۵.

۲- [۲] - فشرده این پژوهش در کتاب: دهه مهدویّه» ص ۷۷-۸۰ آمده است.

۳- [۳] - شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴.

۵. تقوا تنها وسیله ی رسیدن به محضر آن کعبه ی مقصود و قبله ی موعود است، چنان که امام حسن عسکری علیه السلام در فرازی از این حدیث شریف خطاب به احمد بن اسحاق فرمود: اگر نبود که تو در نزد پروردگار و حجت های خداوند گرامی هستی، فرزندم را به تو نشان نمی دادم.

قرآن کریم معیار گرامی شدن را تقوا معرفی کرده می فرماید:

«إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»

گرامی ترین شما در نزد خدا پارساترین شما می باشد. (۱)

بر این اساس تنها راه، رسیدن به تقوا و تنها مانع راه، گناه است، چنان که شخص مولا در نامه اش به شیخ مفید بیان فرموده است. (۲)

۶. حضرت بقیه الله هم نام و هم کنیه ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد، چنان که در ده ها حدیث شریف به آن تأکید شده است. (۳)

۷. بزرگ ترین شاخصه ی ظهور حضرت مهدی علیه السلام گسترش عبودیت و عدالت در سر تا سر گیتی است، چنان که در ۱۴۸ حدیث به آن تصریح شده است. (۴)

۸. حضرت مهدی علیه السلام در این حدیث از نظر عمر طولانی به حضرت خضر علیه السلام تشبیه شده که اینک زنده است و در حدود ۶۰۰۰ سال از عمر شریفش می گذرد.

ص: ۱۳۴

---

۱- [۱] - سوره ی حجرات، آیه ی ۱۳.

۲- [۲] - طبرسی، الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹.

۳- [۳] - مقدسی، عقد الدرر، ص ۳۲.

۴- [۴] - صافی، منتخب الأثر، ج ۲، ص ۱۳۱-۱۳۵.

امام صادق علیه السلام می فرماید: خداوند از این جهت به حضرت خضر این عمر طولانی را عطا فرموده که برای امکان طول عمر امام زمان علیه السلام به عمر طولانی او استدلال شود. (۱)

۹. حکومت جهانی و سیطره به کل جهان در گذشته فقط برای چهار نفر میسر شده، که دو تن از نیکان و دو تن از غیر صالحان بوده اند: (۱) حضرت

سلیمان؛ (۲) ذوالقرنین؛ (۳) نمرود؛ (۴) بخت النصر. (۲)

در روایتی حکومت جهانی آن حضرت به سلطنت ذوالقرنین تشبیه شده است.

۱۰. در این حدیث شریف از غیبت طولانی آن حضرت و سر درگمی مردم در عصر غیبت و هلاکت همگان، به جز دو گروه با دو شاخصه ی مهم سخن رفته است:

### (۱) پایداری در دین

در احادیث فراوان آمده است که پایداری در دین در عصر غیبت، همانند کندن خار درخت پر خار با دست می باشد. (۳)

همان مقدار که پایداری در دین در عصر غیبت سخت است، به همان مقدار پاداش آن نیز بسیار عظیم و با شکوه است.

امام سجاد علیه السلام در این رابطه می فرماید:

مَنْ ثَبَّتَ عَلَي مَوَالِيْنَا فِي غَيْبِهِ قَائِمِنَا، أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ،

ص: ۱۳۵

---

۱- [۵] - شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۷.

۲- [۱] - همو، الخصال، ج ۱، ص ۲۵۵، ح ۱۳۰.

۳- [۲] - ابن بابویه، الامامه و التبصره، ص ۱۲۶، ح ۱۲۷.

مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أُحُدٍ؛

هر کس در زمان غیبت قائم ما بر ولایت ما پا بر جا و استوار باشد، خداوند مَنان به او پاداش هزار شهید از شهدای بدر و احد عنایت می فرماید. (۱)

## (۲) دعا برای تعجیل در امر فرج

شاخصه ی دوم برای رهایی از هلاکت توفیق دعا برای تعجیل در امر فرج می باشد جالب توجه و شایان دقت در حدیث امام حسن عسکری علیه السلام آن است

که در مورد این دو شاخصه، عنایت و توفیق الهی مطرح شده، آنجا که می فرماید:

لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ تَبَتَّهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ، وَ وَفَّقَهُ لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ؛

در عصر غیبت از هلاکت نجات پیدا نمی کند، جز کسی که:

(۱) خداوند مَنان او را در اعتقاد به امامت آن حضرت پایدار بدارد.

(۲) او را برای دعا به تعجیل فرج آن حضرت موفق نماید. (۲)

از این حدیث شریف استفاده می شود که ثبات و پایداری در عقیده و توفیق دعا برای تعجیل در امر فرج که به عنوان دو شاخصه ی نجات از هلاکت معرفی شده، منحصرأً با عنایت و توفیق حضرت احدیت امکان پذیر می باشد، که بسیاری از دوستان اهل بیت از آن غافل هستند و شاید در شبانه روز حتی چند ثانیه نیز به یاد مولا نیستند و دعا برای فرج را به عنوان یک وظیفه نمی شناسند.

ص: ۱۳۶

۱- [۳] - شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۳.

۲- [۱] - همان، ج ۲، ص ۳۸۴.

یکی از دوستان عاشق و شیفته ی مولا، مرحوم آقای جعفریان که از هیئت امنای مسجد مقدس جمکران بود، نقل می فرمود: روزی با خانواده از تهران به قم آمده، به مسجد مقدس جمکران مشرف شدم، به هنگام مراجعت سید بزرگواری را دیدم که پیاده عازم مسجد می باشد، ماشین را نگه داشتم، پیاده شدم، سلام عرض کردم و گفتم: آب خنک از آب تهران هست، اجازه می فرمایید لیوانی تقدیم کنم.

لیوان پر کرده تقدیم نمودم و پرسیدم: کجا انشاءالله؟

فرمودند: به مسجد جمکران می روم.

عرضه داشتم: برای فرج آقا بقیه الله دعا بفرمایید.

فرمودند: آن وظیفه ی شیعیان ما می باشد.

این جمله خیلی صریح بود، ولی ذهنم منتقل نشد.

آن گاه نیمی از آب لیوان را میل کردند و فرمودند:

شیعیان ما به اندازه ی این نصف لیوان به ما اعتنا ندارند!! اگر روزی در وسط بیابان به نصف لیوان آب نیاز پیدا کنند، تا آن را به دست نیاورند، از پا نمی نشینند، ولی اینک بیش از هزار سال است که ما را گم کرده اند و به دنبال ما نیستند و در صدد جستجو بر نیامده اند.

سپس فرمودند:

این همه مردم که به مسجد جمکران می آیند، هر کدام به دنبال مشکل خود هستند، یکی مریض دارد، دیگری خانه می خواهد، سومی مشکل ازدواج دارد، هر کدام به دنبال مشکل خویش هستند. چند نفر از این ها فقط به خاطر ما می آیند؟!

ص: ۱۳۷

اینک بر همه ی ما فرض عین است که همواره به یاد مولا باشیم، برای فرج آن حضرت دعا کنیم، برای سلامتی آن حضرت صدقه بدهیم، در اماکن مقدسه و مشاهد مشرفه به جستجوی آن حضرت باشیم و به خاطر بسپاریم که هر لحظه در پرتگاه سقوط و هلاکت هستیم و تنها راه رهایی از این هلاکت:

(۱) پایداری در عقیده

(۲) دعا برای تعجیل در امر فرج می باشد.

برای تحقیق بیشتر:

۱. منتخب الاثر، تألیف آیه الله صافی گلپایگانی، جلد دوم

۲. پرتوی از دهه ی مهدویت، تألیف علی اکبر مهدی پور

۳. تنها ره رهایی، از همو.

ص: ۱۳۸

گلوآزه ی «فَرَج» در لغت به معنای گشایش است، ارباب لغت واژگانی را در معنای فرج گفته اند که همه اش به یک معنی بر میگردد:

(۱) ابن فارس: فرج به معنای گشایش است. (۱)

(۲) خلیل بن احمد: فرج به معنای رفع غم و اندوه است. (۲)

(۳) جوهری: فرج به معنای رهایی از غم و اندوه است. (۳)

(۴) طریحی: فرج به معنای راهگشایی و باز کردن جا برای افراد در مجالس می باشد. (۴)

ولی در اصطلاح در دو معنی به کار می رود:

۱. مطلق گشایش

ص: ۱۳۹

---

۱- [۱] - ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج ۴، ص ۴۹۸.

۲- [۲] - خلیل، ترتیب العین، ص ۶۲۰.

۳- [۳] - رازی، مختار الصحاح، ص ۴۹۵.

۴- [۴] - طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۳۲۲.



۲. ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه

انتظار فرج نیز در هر دو معنی به کار رفته است:

۱. چشم به راهی گشایش

۲. چشم به راهی ظهور مولا

جالب توجه است که در هر دو مورد «انتظار فرج» از افضل اعمال شمرده شده است.

در مورد انتظار فرج کلی احادیث فراوان آمده که به شماری از آنها اشاره می کنیم.

۱. مولای متقیان در حدیث اربعمائه فرمود:

إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ، وَلَا تَيَأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ، فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنْتَظَارُ الْفَرَجِ مَا دَامَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ؛

انتظار فرج را پیشه کنید، از الطاف خدا نومید نشوید، که محبوب ترین اعمال در نزد خداوند متعال انتظار فرج می باشد، تا هنگامی که بنده ی مؤمن بر آن مواظبت کند. (۱)

۲. در حدیث دیگری فرمود:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الصَّبْرُ وَالصَّمْتُ وَانْتَظَارُ الْفَرَجِ؛

برترین نوع عبادت شکیبایی، سکوت و انتظار فرج می باشد. (۲)

۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه فرمود:

ص: ۱۴۰

---

۱- [۱] - شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۶۱۶.

۲- [۲] - ابن شعبه، تحف العقول، ص ۱۴۲.

بِالصَّبْرِ يُتَوَقَّعُ الْفَرَجُ؛

به وسیله ی صبر و شکیبایی امید فرج پدید آید. (۱)

۴. امام رضا علیه السلام در این رابطه فرمود:

مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَانْتِظَارَ الْفَرَجِ؛

چه نیکوست شکیبایی و انتظار فرج. (۲)

۵. امیر بیان در این زمینه فرمود:

إِنَّ مُحِبَّنَا يَنْتَظِرُ الرَّوْحَ وَالْفَرَجَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ؛

محبین ما در هر شب و روز گشایش و بشارت را انتظار می کشند. (۳)

در میان امت اسلامی و امت های پیشین در مورد فرج های خاص نیز این واژه به وفور به کار رفته است، که به شماری از آنها اشاره می کنیم:

۱. فرج و گشایش اصحاب حضرت نوح علیه السلام. (۴)

۲. فرج و گشایش در امر حضرت ایوب علیه السلام. (۵)

۳. اجازه ی دعا برای فرج به حضرت یوسف علیه السلام. (۶)

۴. فرج و گشایش در مورد اصحاب کهف. (۷)

ص: ۱۴۱

---

۱- [۳] - مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۶۹.

۲- [۱] - همان، ج ۱۲، ص ۳۷۹.

۳- [۲] - همان، ج ۶۸، ص ۳۸.

۴- [۳] - همان، ج ۱۱، ص ۳۲۶.

۵- [۴] - همان، ج ۴۴، ص ۲۷۵.

۶- [۵] - همان، ج ۱۲، ص ۲۳۱.

۷- [۶] - همان، ج ۱۴، ص ۴۲۵.

۵. فرج و رهایی جناب عبدالله پدر رسول خدا از ذبح (۱)

و اینک به چند نمونه از استعمال واژه ی فرج در مورد گشایش های ویژه در امت اسلامی اشاره می کنیم:

۱. معتزّ عباسی، امام حسن عسکری علیه السلام را به حاجب خود «سعید» سپرد که آن حضرت را به سوی کوفه ببرد و در اثنای راه به شهادت برساند، شیعیان از شنیدن این خبر مضطرب شدند، امام علیه السلام نوشت:

بَعْدَ ثَالِثٍ يَأْتِيكُمْ الْفَرَجُ؛

پس از سه روز برای شما فرج پدید آید. (۲)

روز سوم معتز از خلافت خلع شد.

۲. مستعین نیز تصمیم گرفت که آن حضرت را به شهادت برساند، شیعیان مضطرب شدند، حضرت فرمود: پس از سه روز برای شما فرج حاصل می شود. روز سوم مستعین از خلافت خلع شد، به واسطه برده شده، به قتل رسید. (۳)

۳. عبد الرحمن بن کثیر مشکلاتش را برای امام صادق علیه السلام شکایت نمود، حضرت دعایی تعلیم کرد، سه شب بر آن مداومت کرد و فرج حاصل شد. (۴)

۴. ریان بن صلت دعایی از امام رضا علیه السلام فرا گرفت، در هر مشکلی آن را خواند، خداوند گشایش و فرج عنایت فرمود. (۵)

ص: ۱۴۲

---

۱- [۷] - همان. ج ۱۵، ص ۸۳.

۲- [۱] - شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۰۸، ح ۱۷۷.

۳- [۲] - سید ابن طاووس، مهج الدعوات، ص ۴۹۱.

۴- [۳] - همو، فلاح السائل، ص ۲۵۷.

۵- [۴] - ابن باقی، اختیار المصباح الکبیر، ج ۲، ص ۵۱۰.

۵. شیخ صدوق از استادش نقل کرده که به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه متوسل شده، دو رکعت نماز استغاثه به حضرت خوانده، دعای «سلام الله الکامل التام» را در زیر آسمان خوانده، آفتاب طلوع نکرده فرج حاصل شده است. (۱)

در میان دعاهاى مأثور از پیشوایان معصوم، شماری از دعاها به دعای فرج، کلام فرج و کلمات فرج نامیده می شود، که از آن جمله است:

۱. اللهم أنت ثقتی... (۲)

۲. اللهم احسنی بعینک التی لا تنام... (۳)

۳. دعای: الهی طموح الآمال قد خابت إلا لדיک... (۴)

۴. دعای: اللهم انی أدرأ بک فی نحورهم... (۵)

۵. دعای: اللهم إن کانت ذنوبی قد أخلقت وجهی عندک... (۶)

۶. دعای: یا من یکفی من کل شیء... (۷)

۷. دعای: اللهم انی أسألك یا الله... (۸)

۸. دعای: لا اله الا الله الحلیم الکریم... (۹)

۹. دعای: یا من أظهر الجمیل و ستر القبیح... (۱۰)

۱۰. دعای: یا نور النور، یا مدبر الامور... (۱۱)

ص: ۱۴۳

---

۱- [۵] - مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۳۱.

۲- [۶] - ابن باقی، همان.

۳- [۷] - مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۳۱۶.

۴- [۱] - همان، ج ۸۷، ص ۲۸۰؛ کفعمی، المصباح، ص ۵۳.

۵- [۲] - طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۷۰.

۶- [۳] - طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۶۰.

۷- [۴] - مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۲۰۸.

۸- [۵] - سید ابن طاووس، مهج الدعوات، ص ۱۹۸.

- ٩- [٦] - شيخ طوسى، الأمالى، ص ٦٢٢، ح ١٢٨٤.
- ١٠- [٧] - طبرى، دلائل الإمامه، ص ٥٥٢، ح ٥٢٥.
- ١١- [٨] - كفعمى، المصباح، ص ٣٠٥.

## عوامل تأخیر در امر فرج

عمر بن حَمِق می گوید: هنگامی که سر مبارک مولای متقیان امیرمؤمنان علیه السلام در کوفه ضربت خورد، به محضر مقدسشان شرفیاب شدم و عرض کردم: ان شاء الله خطری برای شما نیست، این فقط یک ضربت است، فرمود: نه، به جان خود سوگند من از میان شما خواهم رفت، سپس فرمود:

إِلَى السَّبْعِينَ بَلَاءً؛

تا سال هفتاد بلاها ادامه دارد.

این جمله را سه بار تکرار نمود.

عرض کردم: آیا پس از این بلاها گشایشی هست؟

حال ضعف عارض شد، پرسش خود را تکرار کردم، فرمود:

نَعَمْ، وَ إِنِّ بَعْدَ الْبَلَاءِ رَخَاءٌ «يَمْحُو اللَّهُ مِمَّا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ»؛<sup>(۱)</sup>

آری، پس از بلا گشایش هست لکن خداوند آنچه را بخواهد محو می کند و آنچه را بخواهد اثبات می کند و ام الكتاب در نزد اوست.<sup>(۲)</sup>

ابوحمزه ی ثمالی گوید: به محضر امام باقر علیه السلام عرض کردم: علی علیه السلام می فرمود: تا سال ۷۰ بلاها ادامه دارد و می فرمود: پس از ۷۰ گشایش هست، سال ۷۰ گذشت و گشایشی ندیدیم، فرمود:

۱۴۴

يَا ثَابِتُ! إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَانَ وَقْتُ هَذَا الْأَمْرِ فِي السَّبْعِينَ، فَلَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ، فَأَخَّرَهُ إِلَى أَرْبَعِينَ وَمِائَةٍ

ص: ۱۴۴

۱- [۱] - سوره ی رعد، آیه ی ۳۹.

۲- [۲] - قطب راوندی، الخرائج و الجرائج، ج ۱، ص ۱۷۸، ح ۱۱.

سَنَهُ، فَحَدَّثْنَاكُمْ فَأَدْعُكُمْ الْحَدِيثَ، وَكَشَفْتُمْ قِنَاعَ السَّرِّ، فَأَخَّرَهُ اللَّهُ، وَ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ عِنْدَنَا وَقْتًا؛

ای ثابت (نام ابو حمزه) خداوند این گشایش را در سال ۷۰ مقدر فرموده بود، چون امام حسین علیه السلام به شهادت رسید، غضب خدا بر اهل زمین شدت یافت، پس آن را به سال ۱۴۰ به تأخیر انداخت، ما به شما خبر دادیم، شما آن را شایع کردید و از اسرار پرده برداشتید، خداوند آن را به تأخیر انداخت و دیگر وقتی برای آن در نزد ما قرار نداد.

آنگاه آیه ی شریفه ی: «يَمْحُو اللَّهُ مِمَّا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ» را تلاوت فرمود. (۱)

ابو حمزه گوید: آن را به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم، فرمود: آری چنین شد. (۲)

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

كَانَ هَذَا الْأَمْرُ فِيَّ، فَأَخَّرَهُ اللَّهُ، وَ يَفْعَلُ بَعْدُ فِي ذُرِّيَّتِي مَا يَشَاءُ؛

این کار (فرج) قرار بود توسط من انجام شود، ولی خداوند آن را به تأخیر انداخت، پس توسط ذریه ام آنچه را که بخواهد انجام می دهد. (۳)

پر واضح است که منظور از فرج و گشایش در این حدیث و دو حدیث پیشین، یک گشایش نسبی برای شیعیان می باشد، نه فرج کلی و جهانی با ظهور موفور السرور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه، که در آن هنگام هنوز آن حضرت متولد نشده بود.

ص: ۱۴۵

---

۱- [۳] - شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۲۸، ح ۴۱۷.

۲- [۱] - همان.

۳- [۲] - همان، ص ۴۲۹، ح ۴۱۸.

بر اساس روایات فوق، مقدر بود که در سال ۷۰ گشایشی برای شیعه فراهم شود، به سبب فاجعه ی کربلا و شهادت سالار شهیدان به تأخیر افتاد، مقدر شد که در سال ۱۴۰ گشایشی فراهم شود، که به سبب عدم رعایت راز داری باز هم به تأخیر افتاد.

این سه حدیث با مسأله ی «بیدا» مربوط می شود که یکی از اعتقادات قطعی شیعیان می باشد و لذا شیخ طوسی پس از نقل احادیث یاد شده، به تفصیل در مورد بداء بحث کرده است. (۱)

در مورد زمان فرج، ممکن است بداء حاصل شود و به تأخیر بیفتد، لکن در اصل فرج هرگز بداء حاصل نمی شود، زیرا که طبق روایت آن از میعاد است و

خداوند هرگز در وعده اش خلف نمی کند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم به تفصیل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه سخن گفته در پایان فرمود:

مَعَاشِرَ النَّاسِ أَبْشِرُوا بِالْفَرَجِ، فَإِنَّ وَعْدَ اللَّهِ لَا يُخْلَفُ، وَ قَضَاءُهُ لَا يُرَدُّ،

ای مردمان با فرج بر شما بشارت باد، که وعده ی خداوند هرگز تخلف نمی پذیرد و فرمان او هرگز رد نمی شود. (۲)

### فضیلت انتظار فرج

احادیث فراوان از پیشوایان معصوم علیهم السلام در فضیلت انتظار و تأکید بر انتظار فرج رسیده، که به شماری از آنها اشاره می کنیم:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

ص: ۱۴۶

۱- [۳] - همان، ص ۴۲۹-۴۳۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴، ص ۱۱۴-۱۳۴.

۲- [۱] - شیخ طوسی، الأمالی، ص ۳۵۲، ح ۷۲۶.



أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ فَرَجِ اللَّهِ؛

برترین عمل امت من انتظار فرج از خدا می باشد. (۱)

۲. امام حسن عسکری علیه السلام به شیخ صدوق نوشت:

عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ وَ إِنْتِظَارِ الْفَرَجِ، قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله:

أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛

بر تو باد شکیبایی و انتظار فرج، که پیامبر اکرم فرمود:

برترین اعمال امت من انتظار فرج است. (۲)

۳. از مولای متقیان پرسیدند: کدامین عمل پیش خداوند محبوب تر است؟

فرمود: انتظار فرج (۳)

۴. فخر ساجدان و زینت عابدان به ابو خالد کابلی فرمود:

إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُتَنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ، أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ؛

اهل زمان غیبت آن حضرت که قائل به امامت او و منتظر ظهور او باشند، از اهل هر زمانی برتر هستند.

و در پایان فرمود:

إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ؛

انتظار فرج از بالاترین فرج ها می باشد. (۴)

۵. امام جواد علیه السلام فرمود:

ص: ۱۴۷

۱- [۲] - شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۶، ب ۳۱، ح ۸۷.

۲- [۳] - ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۴۵۹.

۳- [۴] - مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۴- [۱] - طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۸.

أَفْضَلُ أَعْمَالٍ شِيعَتِنَا إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛

برترین عمل شیعیان ما انتظار فرج می باشد. (۱)

۶. امیر بیان در حدیث اربعمائه فرمود:

أَفْضَلُ أَعْمَالِ الْمَرْءِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ؛

برترین عمل انسان انتظار فرج از خداوند است. (۲)

۷. و در فراز دیگری فرمود:

الْأَخِذُ بِأَمْرِنَا مَعَنَا عَدَاً فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ، وَ الْمُنْتَظَرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛

متمسک به امر ما در بهشت برین با ماست و منتظر امر ما همانند کسی است که در راه خدا به خودش آغشته شده باشد. (۳)

۸. امام صادق علیه السلام در این زمینه فرود:

مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ مُنْتَظِراً كَمَنْ كَانَ فِي فُشْطَاطِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

کسی که از شما بر ولایت ما و در انتظار امر ما بمیرد، همانند کسی است که در چادر فرماندهی قائم علیه السلام باشد. (۴)

۹. در حدیث دیگری فرمود:

الْقَائِلُ مِنْكُمْ: إِنْ أَدْرَكْتُ الْقَائِمَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ نَصْرَتُهُ، كَالْمُقَارِعِ مَعَهُ بِسَيْفِهِ، وَ الشَّهِيدُ مَعَهُ لَهُ شَهَادَتَانِ؛

کسی که از شما بگوید: اگر قائم آل محمد علیه السلام درک کنم او را یاری می کنم،

ص: ۱۴۸

۱- [۲] - شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۷.

۲- [۳] - همو، الخصال، ج ۲، ص ۶۲۱.

۳- [۴] - مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳.

۴- [۱] - برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۷۷، ح ۵۴۴.

همانند کسی است که در رکاب او شمشیر بزند. و اگر شهید شود پاداش دو شهید دارد. (۱)

۱۰. در حدیث دیگری فرمود:

إِنَّ الْمَيِّتَ مِنْكُمْ عَلَىٰ هَذَا الْأَمْرِ، بِمَنْزِلَةِ الضَّارِبِ بِسَيْفِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛

کسی که از شما بر این امر (اعتقاد به ولایت و انتظار فرج) بمیرد، همانند کسی است که در راه خدا شمشیر بزند. (۲)

از بررسی احادیث یاد شده به روشنی معلوم می شود که انتظار فرج یک ادعاء نیست، بلکه یک اعتقاد راسخ و عمل مهمی است که آثار آن در همه ی اعمال و رفتار و گفتار انسان ظاهر می شود و لذا یک چنین فضیلت و پاداش فراوان دارد.

برای تحقیق بیشتر:

۱. بحار الانوار، تألیف علامه ی مجلسی، ج ۵۲

۲. المحاسن، تألیف برقی، ج اول

۳. انتظار فرج، تألیف سید محمد بنی هاشمی

ص: ۱۴۹

---

۱- [۲] - همان، ص ۲۷۸، ح ۵۴۵.

۲- [۳] - همان، ح ۵۴۷.

در بسیاری از احادیث به انتظار فرج و ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه امر شده و در برخی از آنها به آن تصریح شده است، که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. امام جواد علیه السلام خطاب به حضرت عبد العظیم حسنی فرمود:

إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ، وَيُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ، وَهُوَ الثَّلَاثُ مِنْ وُلْدِي؛

قائم ما اهل بیت آن مهدی است که در دوران غیبتش انتظار کشیدنش واجب است و بعد از ظهور باید از او اطاعت شود، او سومین فرزند من است. (۱)

۲. شخصی در حالی که ورقه ای در دست داشت به محضر امام باقر علیه السلام وارد شد. امام علیه السلام فرمود: این ورقه ی شخص جدال کننده ایست که آمده پرسد: آن دینی که خداوند بدون آن عملی را نمی پذیرد کدام است؟

عرضه داشت که دقیقاً برای همین پرسش آمده ام.

امام علیه السلام فرمود:

شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحِدَّةُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عِبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَتُقَرُّ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدَ اللَّهِ، وَ  
الْوِلَايَةُ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَالْبِرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا، وَالتَّسْلِيمُ لِلْأَمْرِنَا، وَالْوَرَعُ وَالتَّوَاضُّعُ وَإِنْتِظَارُ قَائِمِنَا،

فَإِنَّ لَنَا دَوْلَةً إِذَا شَاءَ اللَّهُ جَاءَ بِهَا؛

ص: ۱۵۰

شهادت دادن به وحدانیت خداوند یکتا و بی شریک، و این که حضرت محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده ی اوست و اعتراف کنی به آنچه از سوی پروردگار آمده است و به ولایت ما اهل بیت و بیزاری از دشمنان ما. تسلیم امر ما، پرهیز کاری، تواضع و انتظار قائم ما؛ که برای ما دولتی هست که خداوند هر وقت بخواهد آن را می آورد. (۱)

۳. ابوالجارود به محضر امام باقر علیه السلام شرفیاب شده عرضه داشت: ای فرزند رسول خدا، شما ارادت این جانب، موالات من و انقطاع مرا به خودتان می دانید.

فرمود: آری

عرض کرد: من نابینا هستم و نمی توانم همیشه به محضرتان برسم. به من خبر دهید آنچه را که شما و خاندانتان به آن معتقد هستید، تا من نیز اعتقادم را بر آن اساس استوار سازم.

فرمود: کوتاه سخن گفتمی، ولی پرسش بزرگی کردی، آری من اساس دین خود و پدرانم را برای تو بیان می کنم:

شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْأَعْقَابُ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، وَالْوَلَايَةُ لَوْلِينَا، وَ  
الْبِرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا، وَالتَّسْلِيمُ لِأَمْرِنَا، وَانْتِظَارُ قَائِمِنَا وَالْإِعْتِهَادُ وَالْوَرَعُ؛

شهادت به یکتایی خداوند و رسالت پیامبر و اقرار به آنچه از سوی خداوند آورده، اعتقاد به ولایت ولی ما و بیزاری از دشمنان ما، تسلیم به امر ما، انتظار قائم ما، تلاش و پارسایی. (۲)

۴. امام صادق علیه السلام فرمود: آیا به شما خبر بدهم به چیزی که خداوند هیچ

عملی را بدون آن نمی پذیرد؟

ص: ۱۵۱

---

۱- [۱] - کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۲، ح ۱۳.

۲- [۲] - همان، ص ۲۱، ح ۱۰.

ابوبصیر گفت: آری. فرمود:

شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، وَ الْأَعْقَابُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ، وَ الْوَلَايَةُ لَنَا، وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا، وَ التَّسْلِيمُ لَهُمْ، وَ الْوَرَعُ وَ الْأَجْتِهَادُ وَ الطَّمَأْنِينَةُ وَ الْإِنْتِظَارُ لِلْقَائِمِ؛

شهادت به وحدانیت خدا، رسالت و بندگی حضرت محمد، اعتراف به آنچه خداوند امر فرموده، اعتقاد به ولایت ما، بیزاری از دشمنان ما، تسلیم در برابر امامان، پارسایی، تلاش، متانت و انتظار قائم علیه السلام.

سپس فرمود: برای ما دولتی هست که خداوند هر وقت بخواهد آن را می آورد.

سپس فرمود: هر کس بخواهد که از اصحاب قائم باشد، انتظار بکشد، با تقوا و اخلاق نیکو رفتار کند در حالیکه منتظر است. (۱)

۵. از امام رضا علیه السلام در مورد فرج پرسیدند، فرمود: خداوند مَنان می فرماید:

«فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ»؛ (۲)

منتظر باشید که من نیز همراه شما از منتظران می باشم. (۳)

در این آیه منظور از «من» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد و این جمله از زبان پیامبر است که می فرماید:

«إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ»؛

بگو: غیب از آن خداست، پس منتظر باشید که من (من پیامبر) نیز همراه شما از منتظرانم. (۴)

و منظور از غیب، امام غایب است؛ چنان که امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ی

ص: ۱۵۲

۱- [۱] - نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰، ح ۱۶.

۲- [۲] - سوره ی یونس، آیه ی ۲۰.

۳- [۳] - شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۵.

۴- [۴] - سوره ی یونس، آیه ی ۲۰.

دوم از سوره ی بقره فرمود:

وَ الْعَيْبُ هُوَ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ؛

منظور از غیب حضرت حجت قائم علیه السلام می باشد. (۱)

۶. امام صادق علیه السلام در ضمن توصیه های مربوط به دوران غیبت می فرماید:

وَ انْتَظِرِ الْفَرَجَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً؛

هر روز بامدادان و شامگاهان منتظر فرج باش. (۲)

### کلوازه ی انتظار در کتب پیامبران پیشین

از روزی که انسان بر فراز کره ی خاکی گام نهاده، پیامبران الهی نوید منجی را به امت های خود داده و به آنها فرمان انتظار داده اند، که به تعدادی از آنها اشاره می کنیم:

۱. در کتاب حَبَقُوقُ نَبی آمده است:

اگر چه تأخیر نماید، برایش منتظر باش، زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد. (۳)

۲. در کتاب دانیال نبی آمده است:

خوشا به حال آنان که انتظار کشند. (۴)

۳. در کتاب اشعیاء نبی آمده است:

ای خداوند! بر ما ترحم فرما که منتظر تو هستیم. (۵)

ص: ۱۵۳

---

۱- [۱] - شیخ صدوق، همان، ص ۳۴۰؛ بحرانی، البرهان، ج ۵، ص ۲۲.

۲- [۲] - مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۳.

۳- [۳] - کتاب مقدس، عهد عتیق، کتاب حَبَقُوقُ نَبی، فص ۲، فراز ۳.

۴- [۴] - همان، کتاب دانیال نبی، فصل ۱۲، فراز ۱۲.

۵- [۵] - همان، کتاب اشعیاء نبی، باب ۳۳، فراز ۲.

۴. در کتاب زبور حضرت داود ده ها فراز پیرامون انتظار آمده است، از جمله:

جان من منتظر خداوند است، زیاده از منتظران صبح، بلی زیاده از منتظران صبح. (۱)

۵. در انجیل متی آمده است:

آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید آید.

اما از آن روز و ساعت هیچکس اطلاع ندارد، حتی ملائکه ی آسمان.

لهمذا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید. (۲)

۶. در انجیل مرقس آمده است:

ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر، هیچکس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم، پس برحذر باشید و بیدار شده دعا کنید، زیرا نمی دانید آن وقت کی می شود. (۳)

۷. در انجیل لوقا آمده است:

کمرهای خود را بسته، چراغ های خود را افروخته بدارید و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند، که چه وقت از عروسی مراجعت می کند، تا هر وقت آید و در را بکوبد، بی درنگ درنگ برای او باز کنند.

خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید، ایشان را بیدار یابد.

پس شما نیز مستعد باشید، زیرا در ساعتی که گمان نمی برید، پسر انسان می آید. (۴)

ص: ۱۵۴

---

۱- [۱] - همان، کتاب مزامیر، مزمور ۱۳۰، فراز ۶.

۲- [۲] - کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل متی، باب ۲۴، فرازهای ۲۷-۴۴.

۳- [۳] - همان، انجیل مرقس، باب ۱۳، فرازهای ۲۶-۳۳.

۴- [۴] - همان، انجیل لوقا، باب ۱۲، فرازهای ۳۵-۴۰.



از بررسی فرازهای یاد شده که به عنوان نمونه از تورات و انجیل و کتب انبیای پیشین تقدیم گردید، به این نتیجه می‌رسیم که در همه ی ادیان آسمانی از انتظار سخن رفته و نوید منجی و فرمان به انتظار ظهور منجی، در سرلوحه ی انبیای ابراهیمی بوده است.

در مورد فرازهای اناجیل، همانطور که قبلاً اشاره کردیم، در کتاب عهد جدید ۸۰ بار واژه ی «پسر انسان» تکرار شده، به تصریح مفسران اناجیل فقط ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی منطبق می‌باشد، ۵۰ مورد دیگر مربوط به منجی آخر الزمان می‌باشد. (۱)

تعبیراتی که درباره ی منجی در کتاب مقدس از زبان پیامبران آمده بسیار والاست، اینک به عنوان نمونه یک مورد از آنها را از زبان حضرت یحیی علیه السلام می‌آوریم:

۸. در انجیل یوحنا از زبان حضرت یحیی از منجی به عنوان: «ایستاده» تعبیر شده و می‌دانیم که «ایستاده» ترجمه ی: «قائم» می‌باشد و آن نام خاصّ حضرت بقیه الله ارواحنا فداه می‌باشد.

۹. جالب توجه است که در انجیل عربی دقیقاً واژه ی «قائم» به کار رفته است. (۲)

حضرت یحیی علیه السلام در ادامه می‌فرماید:

من لایق آن نیستم که بند نعلینش را باز کنم. (۳)

ص: ۱۵۵

---

۱- [۱] - مسترهاکس آمریکایی، قاموس کتاب مقدس، ص ۲۱۹.

۲- [۲] - الكتاب المقدّس، العهد الجديد، انجیل یوحنا، الإصحاح الاول، رقم ۲۶ چاپ نیویورک، ۱۸۱۶ م. از سوی انجمن پخش کتب مقدسه

۳- [۳] - کتاب مقدّس، عهد جدید، انجیل یوحنا، باب اول، فراز ۲۷ چاپ لندن، ۱۹۰۴ از سوی انجمن پخش کتب مقدسه

در روایات اسلامی در ۳۶۱ حدیث از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه به عنوان:

«القائم» تعبیر شده است. (۱)

هنگامی که دعبل خزاعی در اشعار معروف خود از قیام حضرت بقیه الله سخن گفت، امام رضا علیه السلام به احترام آن حضرت قیام کرد و دست مبارکش را بر سر نهاد و برای فرج آن حضرت دعا کرد. (۲)

جالب توجه است که این واقعه بیش از نیم قرن پیش از ولادت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه بود.

از رئیس مذهب، امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که چرا به هنگام شنیدن لفظ «قائم» از القاب حضرت حجت علیه السلام بر می خیزیم؟

حضرت فرمودند:

برای آن حضرت یک غیبت طولانی است، در زمان غیبتش هر کس از دوستان و شیعیانش این لقب را بر زبان جاری می کند، چون مشعر به دولت و قیام آن حضرت است، به آن شخص نگاه محبت آمیز می کند.

ادب ایجاب می کند که اگر مولای جلیل به سوی بنده ی خاضع نگاه کند، او برخیزد، احترام کند و از خداوند منان تعجیل در امر فرج آن حضرت را بنماید. (۳)

شایان دقت است که این حدیث بیش از یک قرن پیش از میلاد مسعود آن امام موعود صادر شده است.

از این حدیث استفاده می شود که در نیمه ی اول قرن دوم در هر مجلسی نام

ص: ۱۵۶

---

۱- [۱] - صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ج ۳، ص ۴۴۵.

۲- [۲] - مامقانی، تنقیح المقال، ج ۲۶، ص ۳۲۶.

۳- [۳] - صافی گلپایگانی، همان ص ۲۲۶، ح ۱۲۴۴.

نامی و یاد گرامی آن حضرت به عنوان: «قائم» برده می شد، شیعیان و محبتین بر می خاستند، دست بر سر می نهادند و برای تعجیل در امر فرج دعا می کردند.

### ضرورت انتظار منجی در آموزه های یهود

در آیین یهود، یکی از مسائل ریشه ای اعتقاد به: «ماشیح» یعنی: منجی و «گئولا» می باشد.

«ما شیخ» به معنای منجی (رهایی بخش) و «گئولا» یعنی روز ظهور و دوران رهایی می باشد.

بسیاری از فرهیختگان یهود، کتاب های مستقل در این رابطه نوشته و از ضرورت این عقیده برای هر فرد یهودی سخن گفته اند.

به عنوان یک نمونه: «موسی بن میمون» معروف به: «هارامبام» (۱۱۳۵-۱۲۰۴م) رئیس معنوی کلیمیان می گوید:

هر فرد یهودی که به «ماشیح» اعتقاد نداشته باشد و یا چشم به راه آمدن او نباشد، منکر سخنان حضرت موسی و سایر پیامبران بنی اسرائیل است، زیرا موضوع ماشیح به کرات در متون مقدس عنوان شده است. (۱)

«ایمانوئل شوحط» پیرامون جایگاه رفیع ما شیخ می نویسد:

طبق عقیده ی هارامبام، عقل و دانش اواز حضرت سلیمان نیز بیشتر خواهد بود.

سپس اضافه می کند:

او از پدران قوم یهود (ابراهیم، اسحاق و یعقوب) و نیز از همه ی پیامبران بنی اسرائیل که پس از حضرت موسی برانگیخته شده اند، بلند مرتبه تر خواهد بود. (۲)

ص: ۱۵۷

---

۱- [۱] - انجمن کلیمیان تهران، نشریه بینا، سال اول، شماره چهار چاپ ۱۳۷۸ش.

۲- [۲] - همان.

«جولیوس کرینستون» در کتاب ارزشمند خود از مقام عصمت ما شیخ،

همواره زیر نظر روح القدس بودن او، آگاهی گسترده اش از ژرف ترین رازها و قدرتش بر زنده کردن مردگان به تفصیل سخن گفته است.<sup>(۱)</sup>

«شلمواشمیدت» در کتاب خود به تفصیل از موعود سخن گفته، از او به عنوان: «ماشیخ صید قنو» (منجی حقیقی) و «ماشیخ بن داوید» (منجی از تبار حضرت داود) سخن گفته، در پایان می نویسد:

ایمان به ظهور ما شیخ یکی از اصول دین یهود می باشد.<sup>(۲)</sup>

آن گاه از «اریه نیومن» دیگر متفکر یهود نقل کرده که گفته است:

هر گونه تحقیق و پژوهش پیرامون یهود، نمی تواند از اعتقاد به ظهور ماشیخ غافل باشد.<sup>(۳)</sup>

نگاهی گذرا به فرازهای یاد شده از کتاب مقدس: تورات، انجیل و دیگر کتب انبیای پیشین و سخنان فرهیختگان مسیحیان و کلیمیان به وضوح اثبات می کند که انتظار موعود و ضرورت انتظار، منحصر به مسلمانان نمی باشد، بلکه ریشه در همه ی ادیان ابراهیمی و کتب آسمانی دارد.

برای تحقیق بیشتر:

۱. منتخب الأثر، تألیف آیه الله صافی گلپایگانی

۲. مکیال المکارم، تألیف سید محمد تقی موسوی اصفهانی

۳. انتظار مسیحا در آیین یهود، تألیف جولیوس کرینستون.

ص: ۱۵۸

---

۱- [۱] - جولیوس کرینستون، انتظار مسیحا در آیین یهود، ص ۴۸.

۲- [۲] - شلمواشمیدت، واژه های فرهنگ یهود، ص ۲۱۶.

۳- [۳] - همان، ص ۳۶.

۱. الأئمه اثناعشر، شمس الدين محمد بن طولون، متوفى ۹۵۳ق.
۲. الاتحاف بحب الأشراف، شيخ عبدالله محمد بن عامر شبراوى، متوفى ۱۱۷۱ق. چاپ قاهره.
۳. اثبات الرجعه، فضل بن شاذان، متوفى ۲۶۰ق.
۴. اثبات الهداه، شيخ حر عاملی، متوفى ۱۱۰۴ق چاپ ۱۳۹۹ق.قم.
۵. اثبات الوصيه، على بن حسين مسعودی، متوفى ۳۴۹ق. چاپ نجف
۶. الاحتجاج، ابو منصور احمد بن على طبرسى «قرن ششم» چاپ ۱۴۰۱ق. بيروت.
۷. اخبار الدول، احمد بن يوسف دمشقى قرمانى، متوفى ۱۰۱۹. چاپ قاهره.
۸. اخبار الدول، احمد بن يوسف دمشقى قرمان، متوفى ۱۰۱۹ق. چاپ قاهره.
۹. اختيارالمصباح الكبير، مجدالدين على بن حسين بن باقى قریشی، قرن هفتم، چ ۱۴۳۲ق. قم
۱۰. الإذاعه لما كان وما يكون بين یدی الساعه، سيد محمد صديق حسن قنوجى بخارى، متوفى ۱۳۰۷ق. چاپ ۱۴۲۴ق. بيروت
۱۱. الارشاد، شيخ مفيد، متوفى ۴۱۳ق. چاپ ۱۴۱۳ق. قم
۱۲. الاستيعاب فى معرفه الأصحاب، ابو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر، متوفى ۶۴۳ق. چاپ ۱۴۲۲. بيروت
۱۳. اسد الغابه، عز الدين، على بن ابى الكرم، ابن اثير، چاپ بيروت.
۱۴. اشراط الساعه، يوسف بن عبدالله بن يوسف الوابل، چاپ ۱۴۲۱ق. بيروت.
۱۵. الإصابه فى تمييز الصحابه، احمد بن حجر عسقلانى شافعى، متوفى ۶۳۰ق. چاپ بيروت.
۱۶. الاصول الستة عشر، چاپ ۱۴۰۵ق. قم.
۱۷. اصول كافى، محمد بن يعقوب كلينى، متوفى ۳۲۹ق. چاپ بيروت.
۱۸. الأعلام، خير الدين زركلى، متوفى ۱۳۹۶ق. چاپ ۱۹۸۰م.

۱۹. إعلام الوری بأعلام الهدی، امین الاسلام طبرسی - قرن ششم - چاپ ۱۳۹۹ ق. بیروت.
۲۰. الزام الناصب، شیخ علی یزدی، متوفای ۱۳۴۳ ق. چاپ بیروت.
۲۱. الأمالی، شیخ صدوق. متوفای ۳۸۱ ق. چاپ ۱۴۰۰ ق. بیروت
۲۲. الأمالی، شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، متوفای ۴۶۰ ق. چاپ ۱۴۱۴ ق. قم
۲۳. الامام امیرالمؤمنین از دیدگاه خلفاء، مهدی فقیه ایمانی، چاپ هشتم، ۱۳۸۸ ش. قم
۲۴. الامام المهدی من المهد إلى الظهور، سید محمد کاظم قزوینی، متوفای ۱۴۱۵ ق. چاپ ۱۴۰۵ ق. قم
۲۵. الامامه و التبصره، علی بن حسین بن بابویه قمی، متوفای ۳۲۹ ق. چاپ ۱۴۰۷ ق. بیروت.
۲۶. انتظار فرج، سید محمد بنی هاشمی، چاپ ۱۳۸۹ ش. تهران.

۲۷. انتظار مسیحا در آیین یهود، جولیس کرینستون، ترجمه حسین توفیقی، چاپ ۱۳۷۷ ش. قم.
۲۸. اوائل المقالات، شیخ مفید، متوفای ۴۱۳ق. چاپ ۱۳۸۲ش. تهران.
۲۹. او خواهد آمد، علی اکبر مهدی پور، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۴ش. قم.
۳۰. بحار الانوار، علامه مجلسی، مولی محمد باقر، متوفای ۱۱۱۰ق. چاپ بیروت.
۳۱. البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، متقی هندی، علی بن حسام الدین، متوفای ۹۷۵ق. چاپ ۱۳۹۹ق. قم.
۳۲. البرهان، سید هاشم بحرانی، متوفای ۱۱۰۹، چاپ ۱۴۱۹ق. بیروت.
۳۳. بشاره الاسلام، سید مصطفی آل سید حیدر کاظمی، متوفای ۱۳۳۶ق. چاپ قم.
۳۴. البیان فی أخبار صاحب الزمان، محمد بن یوسف گنجی شافعی، متوفای ۶۵۸ق. چاپ بیروت.
۳۵. پرتوی از دهه ی مهدویت، علی اکبر مهدی پور، چاپ ۱۳۸۶ش. قم.
۳۶. تاریخ الاسلام، شمس الدین محمد بن احمد ذهبی، متوفای ۷۴۸ق. چاپ ۱۴۱۰ق. بیروت.
۳۷. تاریخ بغداد، احمد بن علی خطیب بغدادی، متوفای ۴۶۳ق. چاپ بیروت.
۳۸. تاریخ الخمیس، حسین بن محمد دیار بکری، متوفای ۹۶۶ق. چاپ ۱۳۰۲ق. مصر.
۳۹. تاریخ دمشق، ابوالقاسم علی بن حسن بن هبه الله بن عساکر، متوفای ۵۷۱ق. چاپ ۱۴۲۱ق. بیروت.
۴۰. تاریخ طبری، محمد بن جریر، متوفای ۳۱۰ق. چاپ ۱۴۰۳ق. بیروت.
۴۱. تاریخ گزیده، حمد الله مستوفی، متوفای ۷۵۰ق. چاپ ۱۳۶۲ش.
۴۲. تاریخ مابعد الظهور، سید محمد صدر، مستشهد ۱۴۱۹ق. چاپ بیروت.
۴۳. تبصره الولی، سید هاشم بحرانی، متوفای ۱۱۰۹، چاپ ۱۴۱۱ق. قم.
۴۴. تحف العقول، حسن بن علی بن حسین شعبه حرّانی، قرن چهارم، چاپ ۱۳۹۴ق. بیروت.
۴۵. ترتیب العین، خلیل بن احمد، متوفای ۱۷۵ق. ترتیب محمد حسین بکائی، چاپ ۱۴۱۴. قم.
۴۶. التشریف بالمنن، سیدابن طاووس، متوفای ۶۶۴ق. چاپ ۱۴۱۶ق. اصفهان.

۴۷. تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمد، قاضی بهلول بهجت افندی، متوفای ۱۳۵۰ق. چاپ ۱۴۰۳. تهران
۴۸. التصریح بما تواتر فی نزول المسیح، شیخ محمد انور شاه کشمیری، متوفای ۱۳۵۲ق. چاپ ۱۴۲۶ق. بیروت
۴۹. تفسیر صافی، فیض کاشانی، متوفای ۱۰۹۱ق. چاپ ۱۴۱۹ق. تهران
۵۰. تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود بن عیاش سلمی، قرن سوم، چاپ ۱۴۲۰ق. قم
۵۱. تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، قرن سوم، چاپ ۱۴۰۴ق. قم
۵۲. تمهید الاصول، شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰، چاپ ۱۴۰۰ق. تهران
۵۳. تنزیه الأنبیاء، سید مرتضی علم الهدی، متوفای ۴۳۶ق. چاپ ۱۴۰۹. بیروت
۵۴. تنقیح المقال، شیخ عبدالله مامقانی، متوفای ۱۳۵۱ق. چاپ ۱۴۳۱ق. قم.



۵۵. تنها ره رهایی، علی اکبر مهدی پور، چاپ ۱۳۹۱ ش. قم.
۵۶. تهذیب الکمال، یوسف مزّی، متوفای ۷۴۲ ق. چاپ ۱۴۱۳ ق. بیروت.
۵۷. الثاقب فی المناقب، عمادالدین ابوجعفر علی بن حمزه طوسی، قرن هفتم، چاپ ۱۴۱۲ ق. قم.
۵۸. الجامع، معمر بن راشد ازدی، متوفای ۱۵۲ ق. چاپ ۱۴۲۱ ق. بیروت.
۵۹. جامع البیان، محمد بن جریر طبری، متوفای ۳۱۰ ق. چاپ ۱۳۲۲ ق. بولاق.
۶۰. الجامع لاحکام القرآن، محمد بن احمد قرطبی، چاپ ۱۹۷۳ م. بیروت.
۶۱. الجرح و التعديل، عبدالرحمن بن ابی حاتم رازی، متوفای ۳۲۷ ق. چاپ حیدرآباد دکن.
۶۲. جمال الاسبوع، سید ابن طاووس، متوفای ۶۴۴ ق. چاپ سنگی. ۱۳۳۰ ق. افست قم.
۶۳. الحاوی للفتاوی، جلال الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ ق. چاپ ۱۴۲۱ ق. بیروت.
۶۴. حیب السیر، غیاث الدین بن همام الدین خواند میر، متوفای ۹۴۲، چاپ ۱۳۶۲، تهران.
۶۵. الحتمیات من علائم الظهور، سید فاروق موسوی، چاپ ۱۴۲۶ ق. قم.
۶۶. حلیه الابرار، سید هاشم بحرانی، متوفای ۱۱۰۹، چاپ ۱۳۵۶ ش. قم.
۶۷. الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، متوفای ۵۷۳ ق. چاپ ۱۴۰۹ ق. قم.
۶۸. خلاصه الرجال، علامه حلی، حسن بن یوسف، متوفای ۷۲۶ ق. چاپ ۱۳۸۱ ق. نجف.
۶۹. الخصال، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ ق. چاپ ۱۴۰۳ ق. قم.
۷۰. دانشمندان عامه، علی دوانی، چاپ ۱۳۸۴ ش. تهران.
۷۱. دجال البصره، علی کورانی، چاپ ۱۴۳۳ ق. قم.
۷۲. در آستانه ی ظهور، علی اکبر مهدی پور، چاپ ۱۳۸۹ ش. مشهد مقدس.
۷۳. الدرر الکامنه، احمد بن حجر عسقلانی، متوفای ۸۵۲ ق. چاپ هند.
۷۴. الدر المثور، جلال الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ ق. چاپ ۱۴۰۴ ق. قم.

۷۵. الدروس الشرعیه، شهید اول، شمس الدین محمد بن مکی، مستشهد ۷۸۶ ق. چاپ قم
۷۶. دلائل الامامه، محمد بن جریر بن رستم طبری، قرن پنجم، چاپ ۱۴۱۳ ق.
۷۷. ذخائر العقبی، محبّ الدین طبری، متوفای ۶۹۴ ق. چاپ ۱۴۲۸ ق. قم.
۷۸. الذخیره فی علم الکلام، سید مرتضی علم الهدی، متوفای ۴۳۶ ق. چاپ ۱۴۱۱ ق. قم.
۷۹. ذکری الشیعه، شهید اول، مستشهد ۷۸۶ ق. چاپ سنگی، افست قم.
۸۰. الرجال، احمد بن علی نجاشی، متوفای ۴۵۰ ق. چاپ ۱۴۱۳ ق. قم.
۸۱. روزگار رهایی، کامل سلیمان، ترجمه علی اکبر مهدی پور، چاپ تهران.
۸۲. روض المناظر، ابوالولید محمد ابن شحنه حنفی، متوفای ۸۱۵ ق.
۸۳. روضه الواعظین، ابن قتال نیشابوری، مستشهد ۵۰۸ ق. چاپ ۱۴۲۳ ق. قم
۸۴. الرياض النضره فی مناقب العشره، محب الدین طبری، متوفای ۶۹۴ ق. چاپ بیروت
۸۵. سفیانی از ظهور تا افول، نصرت الله آیتی، چاپ ۱۳۸۴ ش. قم

۸۶. سفیانی حتم مّر، سید جلال موسوی، چاپ ۱۴۲۹ق. نجف اشرف
۸۷. الشفیانی و علامات الظهور، محمد فقیه، چاپ ۱۴۰۹ق. بیروت.
۸۸. سفیانی و نشانه های ظهور، محمد فقیه، ترجمه سیدشاهپور حسینی، چاپ ۱۳۸۵ش. تهران.
۸۹. السنن، ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی، متوفای ۲۷۵ق. چاپ ۱۴۲۷ق. بیروت.
۹۰. السنن، ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره، متوفای ۲۷۹ق. چاپ بیروت
۹۱. سیر اعلام النبلاء، شمس الدین محمد بن احمد ذهبی، متوفای ۷۴۸ق. چاپ ۱۴۰۱ق. بیروت.
۹۲. الشافی فی الامامه، سید مرتضی علم الهدی، متوفای ۴۳۶ق. چاپ ۱۴۰۷ق. تهران
۹۳. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید معتزلی، متوفای ۶۵۶ق. قاهره.
۹۴. شیعه در اسلام، علامه طباطبائی، سید محمد حسین، متوفای ۱۴۰۲ق. چاپ تهران.
۹۵. صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم، متوفای ۲۵۶ق. چاپ قاهره، ۱۳۱۱ق
۹۶. صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، متوفای ۲۶۱ق. چاپ ۱۳۷۴ق. مصر
۹۷. الصّواعق المحرّقه، احمد بن حجر هیشمی مکی، متوفای ۹۷۴ق. چاپ ۱۳۸۵ق. قاهره
۹۸. العرف الوردی، جلال الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ق. چاپ ۱۴۲۷ق. تهران.
۹۹. عصر الظهور، علی کورانی، چاپ ۱۴۰۸ق. قم.
۱۰۰. عصر ظهور، علی کورانی، ترجمه عباس جلالی، چاپ ۱۳۶۸ش. تهران.
۱۰۱. العطر الوردی، احمد بن احمد حلوانی شافعی، متوفای ۱۳۰۸ق. چاپ ۱۳۰۸ق. بولاق
۱۰۲. عقد الدّرر، یوسف بن یحیی مقدسی شافعی، قرن هفتم، چاپ ۱۳۹۹ق. قاهره
۱۰۳. علامات المهدی، شیخ مهدی فتلاوی، چاپ ۱۴۲۱ق. بیروت.
۱۰۴. علل الشرایع، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ق. چاپ ۱۳۸۵ق. نجف اشرف.
۱۰۵. عیون الاخبار، شیخ صدوق، چاپ ۱۳۹۰ق. نجف اشرف

۱۰۶. الغیبه، شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ق. چاپ ۱۳۹۷ ق. تهران
۱۰۷. الغیبه، نعمانی، متوفای بعد از ۴۴۲ق. چاپ ۱۳۹۷ ق. تهران
۱۰۸. فتح الباری، احمد بن حجر عسقلانی، متوفای ۸۵۲ق. چاپ ۱۳۷۹ق. ریاض
۱۰۹. الفتن، نعیم بن حماد مروزی، متوفای ۲۲۹ ق. چاپ ۱۴۱۲ ق. قاهره
۱۱۰. فرائد السمطین، ابراهیم بن محمد بن مؤید جوینی، متوفای ۷۳۰ق. چاپ ۱۳۹۸. بیروت
۱۱۱. فرائد الوائد الفکر، مرعی بن یوسف کرمی، متوفای ۱۰۳۳ ق. چاپ ۱۴۲۴ق. قم
۱۱۲. فردوس الاخبار، شیرویه بن شهردار دیلمی، متوفای ۵۰۹ق. چاپ ۱۴۰۷ ق. بیروت
۱۱۳. الفردوس بمأثور الخطاب، همان، چاپ ۱۴۰۶ق. بیروت
۱۱۴. فصلنامه انتظار، شماره ۱۴، چاپ ۱۳۸۳ش، قم و شماره ۳۴، چاپ ۱۳۹۰ ش، قم.
۱۱۵. الفصول المهمه، ابن صباغ مالکی، متوفای ۸۵۵ق. قم. چاپ نجف اشرف
۱۱۶. فضائل الصحابه، احمد بن حنبل، متوفای ۲۴۱ق. چاپ ۱۴۳۰ق. دمام، عربستان سعودی.

۱۱۷. فلاح السائل، سید ابن طاووس، متوفای ۶۶۴ق. چاپ قم.
۱۱۸. الفهرست، ابن ندیم، قرن چهارم، چاپ قاهره، افسست ۱۳۵۰ ش. تهران.
۱۱۹. فی ظلال نهج البلاغه، شیخ محمد جواد مغتیه، متوفای ۱۴۰۰ق. چاپ ۱۹۷۲م. بیروت
۱۲۰. قاموس کتاب مقدس، مستر هاکس آمریکایی، چاپ ۱۳۴۹ ش. تهران
۱۲۱. قرب الاسناد، عبد الله بن جعفر حمیری، قرن سوم، چاپ ۱۴۱۷ق. قم
۱۲۲. القول المختصر فی علامات المهدي المنتظر، ابن حجر هیثمی مکی، متوفای ۹۷۴، قاهره
۱۲۳. کتاب سلیم، سلیم بن قیس هلالی، متوفای ۹۰ق. چاپ ۱۴۰۷ق. تهران.
۱۲۴. کتاب مقدس، شامل عهد عتیق و عهد جدید، ترجمه فارسی، چاپ انجمن پخش کتب مقدسه، ۱۹۰۴ م. لندن.
۱۲۵. الکتاب المقدس، ترجمه عربی، چاپ انجمن پخش کتب مقدسه، ۱۸۱۶م. نیویورک.
۱۲۶. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، علی اکبر مهدی پور، چاپ ۱۴۱۷ق. قم.
۱۲۷. کشف الأستار، میرزا حسین نوری، متوفای ۱۳۲۰ ق. چاپ ۱۴۰۰ق. قم.
۱۲۸. کشف الحق، میر محمد صادق خاتون آبادی، متوفای ۱۳۷۲ق. چاپ ۱۳۶۱ ش. تهران
۱۲۹. کشف الغمّه، علی بن عیسی اربلی، متوفای ۶۹۳ق. چاپ بیروت.
۱۳۰. کشف الفوائد، علامه حلّی، متوفای ۷۲۶ق، چاپ ۱۳۶۰ ش. تبریز.
۱۳۱. الکشف و البیان، ابواسحاق ثعلبی، متوفای ۴۲۷ق. چاپ ۱۴۲۲ق. بیروت
۱۳۲. کفایه الاثر، ابوالقاسم علی بن محمد حزاز، قرن چهارم، چاپ ۱۴۰۱ق. قم
۱۳۳. کفایه المهتدی، سید محمد میرلوحی، قرن دوازدهم، چاپ ۱۴۲۶ق. قم
۱۳۴. کمال الدین، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ق. چاپ ۱۳۹۵ق. تهران
۱۳۵. کنز العمال، متقی هندی، متوفای ۹۷۵ق. چاپ ۱۳۹۹ق. بیروت
۱۳۶. کنز الفوائد، ابوالفتح محمد علی کراچکی، متوفای ۴۴۹ق. چاپ ۱۴۰۵ق. بیروت

۱۳۷. گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور، علی اکبر مهدی پور، چاپ ۱۳۸۳ ش. قم .
۱۳۸. لسان العرب، ابن منظور، متوفای ۷۱۱ق. چاپ ۱۴۰۸ ق. بیروت
۱۳۹. لوائح الانوار البهیه، شمس الدین محمد بن احمد سفارینی، متوفای ۱۱۸۸، چاپ ۱۳۰۸ق. بولاق
۱۴۰. مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، متوفای ۵۴۸ق. چاپ ۱۳۵۴ق. صیدا، افسر قم
۱۴۱. مجمع الزوائد، ابن حجر هیثمی، متوفای ۸۰۷ق. چاپ ۱۳۵۳ ق، قاهره
۱۴۲. المحاسن، محمد بن خالد برقی، قرن سوم، چاپ ۱۴۱۳ق.
۱۴۳. المحجّه فیما نزل فی القائم الحجّه، سید هاشم بحرانی، متوفای ۱۱۰۷ق. چاپ ۱۴۰۳ق. بیروت
۱۴۴. مختار الصحاح، محمد بن ابی بکر رازی، متوفای بعد از ۶۶۶ ق. چاپ بیروت
۱۴۵. مختصر بصائر الدرجات، حسن بن سلیمان بن محمد بن خالد حلّی، قرن هشتم، چاپ ۱۴۲۳ق. بیروت
۱۴۶. مدینه المعجز، سید هاشم بحرانی، متوفای ۱۱۰۹ق. چاپ ۱۴۱۳ ق. قم
۱۴۷. المستجد، علامه حلّی، متوفای ۷۲۶ق. چاپ ۱۳۹۶ق. قم
۱۴۸. المستدرک للصّحیحین، حاکم نیشابوی، متوفای ۴۰۵ق. بیروت
۱۴۹. مستدرک وسائل الشیعه، میرزا حسین نوری، متوفای ۱۳۲۰ق. بیروت

۱۵۰. المسند، احمد حنبل، متوفای ۲۴۱ق. چاپ ۱۴۱۴ق. بیروت
۱۵۱. المسند طیالسی، سلیمان بن داود طیالسی، متوفای ۲۰۴ق. چاپ حیدرآباد دکن.
۱۵۲. مشارق الأنور، حسن عدوی همزاوی، متوفای ۱۳۰۳ق. چاپ مصر.
۱۵۳. مصباح المتهجد، شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ق. چاپ ۱۴۱۱ق. بیروت
۱۵۴. المصباح، تقی الدین ابراهیم کفعمی، چاپ سنگی، افسست تهران.
۱۵۵. معانی الاخبار، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ق. چاپ ۱۳۶۱ ش. قم
۱۵۶. معجم البلدان، یاقوت حموی، متوفای ۶۲۶ق. چاپ بیروت.
۱۵۷. المعجم الكبير، ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی، متوفای ۳۶۰ق. چاپ ۱۴۰۴ق. بیروت
۱۵۸. معجم الملاحم و الفتن، سید محمود دهرسخی، متوفای ۱۴۳۲ق. چاپ ۱۴۲۰ق. قم
۱۵۹. المفردات فی غریب القرآن، ابوالقاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، متوفای ۵۰۲ق. چاپ ۱۳۷۳ق. تهران.
۱۶۰. مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی، متوفای ۳۵۶ق. چاپ ۱۴۲۶ق. بغداد
۱۶۱. مکیال المکارم، سید محمد تقی موسوی اصفهانی، متوفای ۱۳۴۸ق. چاپ ۱۴۲۲ق. قم
۱۶۲. الملاحم، احمد بن جعفر بن محمد، ابن منادی، متوفای ۳۳۶ق. چاپ ۱۴۱۸ق. قم
۱۶۳. منتخب الأثر، لطف الله صافی گلپایگانی، چاپ ۱۴۲۲ق. قم
۱۶۴. منتخب الأنوار المضيئه، سید علی نیلی، متوفای ۷۹۰ق. چاپ ۱۴۰۱ق. قم.
۱۶۵. مهج الدعوات، سید ابن طاووس، متوفای ۶۶۴ق. چاپ سنگی، ۱۳۲۳ق. افسست تهران.
۱۶۶. المهدی الموعود الممنتظر، نم الدین عسکری، متوفای ۱۳۵۹ق. چاپ ۱۳۹۷ق. بیروت
۱۶۷. میزان الاعتدال، احمد بن عثمان ذهبی، متوفای ۷۴۸ق. چاپ بیروت
۱۶۸. ندای آسمانی، سید حسن زمانی، چاپ ۱۳۸۹ش. قم
۱۶۹. نهایه البدایه و النهایه، ابوالفداء، ابن کثیر دمشقی، متوفای ۷۷۴ق. چاپ ۱۹۶۸م ریاض.

۱۷۰. نواب الدهور، سید حسن میرجهانی، متوفای ۱۴۱۳ق. چاپ ۱۳۶۹ ش تهران

۱۷۱. نور الأبصار، سید مؤمن شبلنجی، متوفای بعد از ۱۳۰۸ ق. چاپ بیروت

۱۷۲. واژه های فرهنگ یهود، شلموا شمیدت

۱۷۳. وسیله الخادم الی المخدوم، فضل الله بن روزبهان، متوفای ۹۲۷ق. چاپ ۱۳۷۵ ش. قم

۱۷۴. وفيات الاعیان، ابن خلکان، متوفای ۶۸۱ ق. چاپ بیروت

۱۷۵. یأتی علی الناس زمان، سید محمود دهرسخی، متوفای ۱۴۳۲ق. چاپ ۱۴۰۸ ق. قم

۱۷۶. ینابیع المودّه، سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، متوفای ۱۲۹۴ ق. چاپ ۱۳۸۵ قم.

۱۷۷. الیواقیت و الجواهر، عبدالوهاب شعرانی، متوفای ۹۷۳ ق. چاپ قاهره

۱۷۸. یوم الخلاص، کامل سلیمان، چاپ ۱۴۰۵ ق. بیروت.

ص: ۱۶۴



بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

